

شیوه‌نامه تامین تسهیلات برای حمایت از واحدهای مدیریت‌کننده و دارای
سیستم مدیریت اجرایی پسماندها با هدف افزایش انسجام، کارآمدی و
اثربخشی سیستم مدیریت پسماند صنعتی کشور

تهیه‌کننده: سید امین صدرنژاد

بهار ۱۴۰۲

خلاصه مدیریتی

بر اساس تجربه‌ی جوامع بشری در قرن بیستم میلادی، دخالت سنگین دولت‌ها در اقتصاد برای شتاب بخشیدن به توسعه تقریباً در تمامی موارد سبب تخریب اقتصاد و سرکوب بازار گردید و عملاً به ضد توسعه‌ی کشورها بدل شد. در پس این تحولات و از ابتدای دهه‌ی ۹۰ میلادی، مفهومی با عنوان «حکمرانی خوب» ابداع گردید تا فرآیندهای تصمیم‌گیری با تکیه بر شاخص‌های هشت‌گانه‌ی آن (مشارکت، شفافیت، پاسخگویی، انعطاف‌پذیری، بهره‌وری، قانون‌محوری، وفاق‌محوری و برابری) منتج به توسعه‌ی پایدار کشورها در سایه‌ی عدالت اجتماعی گردد.

در این میان، نقش اقتصاد در جامعه به مانند چسبی که جامعه را به هم چسبانده و ارتباطات و بده‌بستان‌های میان حاکمیت، شهروندان و بازار را شکل داده و متقابلاً جهت‌دهی و راهبری می‌نماید، نقشی محوری است که از طریق شیوه‌های هماهنگی یا سازوکارهای تخصیص منابع، در مناسبات اجتماعی تنیده می‌شود و بر شکل‌گیری و یکپارچگی جوامع اثر می‌گذارد.

در همین حال، شواهد در اقتصاد ایران حاکی از آن است که حکمرانی کلان اقتصادی ایران در نیم‌قرن اخیر از کیفیت بسیار پایینی برخوردار بوده و کشور ما تجربه موفقی از همگرایی فعالیت‌های اقتصادی و محیط‌زیستی نداشته و حتی دوگانه‌سازی‌ها و کلیشه‌هایی همچون «صنعت = دشمن محیط‌زیست» یا «ضرورت فاصله گرفتن صنایع از سکونت‌گاه‌ها»، در باور و نگاه نهادهای حاکمیتی نیز جا گرفته و به سطح شهروندی نیز سرایت نموده‌است. از طرف دیگر، تلاش‌های مختلف در بهره‌گیری از ابزارهای مبتنی بر بازار در حکمرانی محیط‌زیستی نیز عموماً با شکست همراه شده و حتی با ایجاد موقعیت‌های چسبنده تعارض منافع و فساد، نتیجه‌ای ضد اهداف اولیه‌ی خود در حفاظت از محیط‌زیست داشته‌است.

لذا علاوه بر نیاز مبرم به اصلاحات اساسی نظام حکمرانی کلان اقتصادی کشور برای کاهش ریسک کسب‌وکارها و ایجاد ثباتی نسبی، توأمان با خروج کشور از انزوا، تحریم و گسترش فضای رقابتی در اقتصاد کشور؛ به نظر می‌رسد بررسی و ارائه‌ی سازوکارهایی به منظور ریل‌گذاری فرآیند اعطای تسهیلات پیش‌ران و هدایت‌گر برای همگرا نمودن فعالیت‌های اقتصادی و محیط‌زیستی کشور و ایجاد امکان بهره‌گیری از ابزارهای بازارمحور امری ضروری بوده که نه تنها کشور را به سوی توسعه‌ی پایدار هدایت کند، بلکه تا حد زیادی از تخریب محیط‌زیست به منزله‌ی سرمایه‌ای میان‌نسلی بکاهد و این پژوهش به منظور بررسی راهکارهای نیل به این هدف تعریف شده‌است.

از این منظر، رهیافت‌ها و راهکارهایی که بر اساس مطالعه‌ی چپستی حکمرانی، حکمرانی خوب و حکمرانی محیط‌زیست در ایران، صندوق‌های تأمین مالی حاکمیتی در اقتصاد ایران، ساختار و عملکرد صندوق ملی محیط‌زیست و دیدگاه‌های جامعه در خصوص حکمرانی کلان اقتصادی و حکمرانی کلان محیط‌زیست ارائه گردیده ناظر به سطح حکمرانی کلان بوده‌است.

بر اساس نتایج این پژوهش، به منظور افزایش کارآمدی و اثربخشی فرآیند اعطای تسهیلات ارتقاء فناوری و رفع آلاینده‌ی صنایع، ابتدا ضروری است از دخالت‌های مکرر و دامنه‌دار حاکمیت در اقتصاد و زیست‌بوم صنعتی که سبب برهم‌زدن تعادل و بروز مخاطرات تهدیدکننده‌ی بقای بنگاه‌های آن می‌گردد، کاسته شود و حاکمیت از جایگاه تصدی‌گری در اقتصاد، به جایگاه تنظیم‌گری بی‌طرفانه و مستقل از بازار مناسبات اقتصادی حرکت نماید. همچنین ضروری است اصلاحات ساختاری و عمیق اقتصاد کشور به منظور افزایش درجه‌ی آزادی آن و خروج اقتصاد از شرایط تحت سرکوب بر پایه‌ی مقررات‌زدایی و احترام به حقوق مالکیت و حقوق رقابت، همزمان با تقویت شاخص‌های هشت‌گانه‌ی حکمرانی خوب بر پایه‌ی مشارکت فعال، پویا و اثربخش کلیه‌ی نقش‌آفرینان (از جمله کارآفرینان، کارگران، تشکلهای اقتصادی، تشکلهای حرفه‌ای، تشکلهای کارگری، جوامع محلی، سازمان‌های مردم‌نهاد و رسانه‌ها) در برنامه‌ریزی، اجرا و نظارت بر کلیه‌ی جنبه‌های حکمرانی در جامعه، خصوصاً جنبه‌های اقتصادی و محیط‌زیستی صورت پذیرد که سبب توسعه‌ی پایدار کشور در سایه‌ی عدالت اجتماعی گردد.

در حوزه‌ی تخصصی اعطای تسهیلات نیز انجام اصلاحات اساسی بر اساسنامه، ساختار و فرآیندهای عملکردی صندوق‌های تأمین مالی حاکمیتی به طور عام و صندوق ملی محیط‌زیست به طور خاص ضروری است. همچنین ادغام صندوق‌های مشابه، در کنار تعریف چارچوب و سازوکار مشخص و پایدار جذب و تولید منابع مالی در سایه‌ی استقلال سازمانی که سبب فراهم ساختن امکان برنامه‌ریزی بلندمدت برای صندوق‌ها شود اجتناب‌ناپذیر است.

علاوه بر این، مدیریت تعارض منافع در ساختار و نحوه‌ی جذب منابع مالی صندوق‌ها امری بسیار حیاتی بوده، چرا که در غیر این صورت، تمایل طبیعی صندوق‌ها برای بقاء و توسعه، باعث می‌شود به ضد خود بدل گردند.

افزودن نمایندگان نهادهای مختلف جامعه (اتاق‌های سه‌گانه‌ی ایران، اصناف و تعاون به نمایندگای از بخش خصوصی و سمن‌های مردمی به نمایندگی از شهروندان) در ساختار هیئت‌مدیره‌ی تمامی صندوق‌های تأمین مالی حاکمیتی در کنار الزام بر انتشار عمومی و شفاف گزارش عملکرد سالیانه‌ی صندوق‌ها در قالبی همسان و با تکیه بر پارامترهای پایداری، تغییر گفتمان و عقلانیت در پروژه‌هایی که به آنها منابع تخصیص داده‌شده دو گام بسیار مهم در ارتقاء شاخص‌های حکمرانی خوب در صندوق‌ها هستند.

در سطح بنگاه‌های اقتصادی نیز عضویت فراگیر فعالان بخش خصوصی و افزایش قدرت و بهره‌گیری از ظرفیت تشکلهای اقتصادی به منظور مطالبه‌گری و مشارکت بخش خصوصی در ارتقاء کیفیت حکمرانی کلان اقتصادی و محیط‌زیستی کشور می‌تواند بسیار راهگشا باشد.

واژه‌های کلیدی

حکمرانی خوب، حکمرانی کلان اقتصادی، حکمرانی کلان محیط‌زیستی، صندوق‌های تأمین مالی، صندوق ملی محیط‌زیست، تسهیلات، تعارض منافع

فهرست

فصل ۱: بنیان پژوهش ۱

۱	۱.۱. پیشگفتار پژوهش
۲	۱.۲. چرایی پژوهش
۳	۱.۳. ماهیت پژوهش
۳	۱.۴. روش‌شناسی و ادبیات پژوهش
۳	۱.۵. پرسش‌های راهبردی پژوهش
۴	۱.۶. اهداف پژوهش
۴	۱.۷. ساختار پژوهش

فصل ۲: حکمرانی و محیط‌زیست ۵

۵	۲.۱. حکمرانی خوب
۶	۲.۲. حکمرانی اقتصادی
۷	۲.۳. حکمرانی محیط‌زیست
۸	۲.۳.۱. رویکردهای حکمرانی دستوری
۸	۲.۳.۲. رویکردهای حکمرانی مبتنی بر بازار
۹	۲.۳.۳. حکمرانی محیط‌زیست در ایران
۱۵	۲.۴. یافته‌ها

فصل ۳: صندوق‌های تأمین مالی حاکمیتی در ایران و صندوق ملی محیط‌زیست ۱۷

۱۷	۳.۱. صندوق‌های تأمین مالی در نهاد حاکمیت
۱۸	۳.۲. صندوق‌های مستعد به منظور اعطای تسهیلات مدیریت یکپارچه‌ی پسماندهای صنعتی
۱۸	۳.۲.۱. غربال‌گری یکم بر اساس عنوان صندوق‌ها
۱۸	۳.۲.۲. غربال‌گری دوم بر اساس اساسنامه، مستندات و عملکرد صندوق‌ها
۲۶	۳.۲.۳. مستعدترین صندوق به منظور اعطای تسهیلات مدیریت یکپارچه‌ی پسماندهای صنعتی
۲۶	۳.۳. بررسی ساختار و عملکرد صندوق ملی محیط‌زیست
۲۷	۳.۳.۱. ارزیابی ساختار و عملکرد صندوق ملی محیط‌زیست
۳۱	۳.۳.۲. ایجاد موقعیت تعارض منافع در تأمین مالی از محل جرایم
۳۱	۳.۳.۳. شکست صندوق در رقابت با دستگاه‌های اجرایی در جذب منابع
۳۲	۳.۳.۴. شرایط اعطای تسهیلات صندوق ملی محیط‌زیست
۳۴	۳.۳.۵. مشکلات صنعت‌گران با بانک عامل
۳۴	۳.۴. یافته‌ها

فصل ۴: بررسی دیدگاه‌های جامعه درباره ارتباط اقتصاد و محیط‌زیست در حکمرانی ۳۸

۳۸	۴.۱. ساختار پرسشنامه‌ها
۳۹	۴.۲. نحوه توزیع و گردآوری پرسشنامه‌ها و آمار مشارکت در پاسخگویی
۳۹	۴.۳. تحلیل پاسخ‌ها
۴۰	۴.۳.۱. مختصات جامعه‌ی هدف
۴۳	۴.۳.۲. دیدگاه‌های عمومی محیط‌زیستی
۴۷	۴.۳.۳. دیدگاه‌های حکمرانی کلان اقتصادی
۵۱	۴.۳.۴. دیدگاه‌های حکمرانی کلان اقتصادی در ایران
۵۱	۴.۳.۵. دیدگاه‌های حکمرانی کلان محیط‌زیستی
۶۱	۴.۳.۶. دیدگاه‌های تأمین مالی پروژه‌های محیط‌زیستی
۶۳	۴.۴. یافته‌ها

فصل ۵: رهیافت‌ها و راهکارها ۶۸

۶۸.....

۵.۱. راهکارها در سطح حکمرانی کلان اقتصادی-محیط زیست

۷۱.....

۵.۲. راهکارها در سطح حکمرانی سازمان ها و بنگاه های اقتصادی

فصل ۶: پیاده سازی راهکارها در قالب توصیه های سیاستی و بسته های اجرایی ۷۲

۷۲.....

۶.۱. پیاده سازی راهکارهای کلان در قالب توصیه های سیاستی

۷۳.....

۶.۲. پیاده سازی راهکارهای خرد در قالب دستورالعمل کاهش تولید پسماندهای صنعتی

فصل ۷: افق پژوهشی ۷۴

مراجع ۷۵

فصل ۱: بنیان پژوهش

۱.۱. پیشگفتار پژوهش

تجربه‌ی دوران مدرن صنعتی و افزایش آگاهی‌های محیط‌زیستی در جهان، باعث تغییر گفتمان توسعه‌ای کشورها به گفتمان توسعه‌ی پایدار در سه دهه‌ی اخیر گردیده‌است. این گفتمان استوار بر این باور است که زیست‌کره سرمایه‌ای میان‌نسلی است و مسئولیت حفظ آن برای نسل‌های کنونی و نسل‌های آینده بر عهده‌ی همه‌ی ماست. بر همین اساس، نوعی از توسعه، توسعه‌ی پایدار نام می‌گیرد که به نیازهای نسل کنونی پاسخ دهد، بدون آنکه توانایی نسل‌های آینده را در برآوردن نیازهای خود به مخاطره افکنده و در تنگنا قرار دهد. از این رو، حرکت در مسیر توسعه‌ی پایدار، جز با همگرا نمودن فعالیت‌های اقتصادی و محیط‌زیستی محقق نخواهد گردید.

این در حالی است که شواهد زیادی از وضعیت شکننده‌ی محیط‌زیست کشور ما متأثر از تولید آلاینده‌های هوا، آب و خاک وجود دارد که نشان می‌دهد کشور ما تجربه موفق‌تری از همگرایی فعالیت‌های اقتصادی و محیط‌زیستی نداشته و حتی دوگانه‌سازی‌ها و کلیشه‌هایی همچون «صنعت = دشمن محیط‌زیست»، در باور و نگاه مسئولان رده‌های بالای سازمان حفاظت محیط‌زیست و سایر نهادهای حاکمیتی نیز جا گرفته‌است و به سطح شهروندی نیز سرایت نموده‌است.

امروزه با نگاهی به واقعیت‌ها و نمودهای عینی توسعه‌ی پایدار در کشورهای توسعه‌یافته، می‌توان صراحتاً اعلام کرد که همگرایی فعالیت‌های اقتصادی و محیط‌زیستی نه تنها ناممکن نیست و دوگانه‌ای با عنوان «یا توسعه یا محیط‌زیست» وجود خارجی ندارد، بلکه این همگرایی از نقطه‌ای از توسعه اقتصادی آغاز می‌گردد که ریسک‌ها و عدم قطعیت‌های فضای کسب‌وکار به حداقل رسیده‌باشد و ثبات نسبی کشورها، شرایط را برای بقاء، توسعه و رقابت اقتصادی بنگاه‌های اقتصادی فراهم آورده‌باشد. در چنین نقطه‌ای است که دولت‌ها تصدی‌گری خود را به حداقل رسانده و با ایفای نقش تنظیم‌گری و بهره‌گیری از اهرم‌هایی مثل جرایم، معافیت‌ها و تسهیلات پیش‌ران سبب تحریک فضای کسب‌وکار به سوی کسب‌وکارهای محیط‌زیستی می‌شوند. این منطق امروزه خود را در ابزارهای حکمرانی محیط‌زیستی مبتنی بر بازار نشان می‌دهد و در برابر روش‌های سنتی حکمرانی دستوری قرار می‌گیرد.

همزمان در کشور ما عواملی چون نیم‌قرن بی انضباطی مالی، کسری بودجه و تورم، نرخ بالای بهره بانکی، فعالیت‌های اقتصادی نهادهای حاکمیتی، مجوزهای مکرر، مداخلات پیاپی و تصمیمات عجولانه دستگاه‌های اجرایی، چهار دهه تحریم و انزوا و... ثبات را از اقتصاد گرفته و ریسک کسب‌وکارها خصوصاً در بخش خصوصی را بالا برده است. این امر به مرور منجر به آن شده که بنگاه‌های اقتصادی کوچک و متوسط نتوانند همپای بنگاه‌های اقتصادی بزرگ و بالادستی که عموماً متکی بر منابع اولیه هستند، توسعه یابند و عملاً شکاف بزرگی میان اقتصاد بالادست و پایین‌دست به وجود آمده‌است.

یکی از نمودهای شکاف میان بالادست و پایین‌دست اقتصاد در ایران، فاصله‌ی میان ظرفیت صنعتی کشور با ظرفیت مدیریت پسماندهای صنعتی کشور است، آنطور که مطابق فهرست واحدهای صنعتی فعال بر روی پایگاه اطلاعاتی وزارت صمت در خرداد ۱۴۰۱، از میان بیش از ۲۰۰ هزار پروانه‌ی بهره‌برداری صنعتی صادرشده توسط این وزارت، تنها ۱۷ پروانه با موضوع مدیریت پسماندهای صنعتی صادر شده و کل اشتغال در مدیریت پسماندهای صنعتی کشور، از ۳۵۰ نفر تجاوز نمی‌کند!

بر همین اساس، افزایش سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در حوزه‌ی مدیریت پسماندهای صنعتی (کاهش تولید پسماند از طریق بهسازی فرآیند یا مدیریت پسماند پس از تولید) با حمایت و اعطای تسهیلات از سوی صندوق ملی محیط‌زیست - بر مبنای اساسنامه این صندوق و به واحدهایی که خود به مدیریت اجرایی پسماندهای صنعتی در محل واحد می‌پردازند- می‌تواند به محرکی تأثیرگذار در هدایت واحدهای صنعتی کشور به موضوع مدیریت پسماند و به نیروی پیش‌ران در مسیر حرکت کشور به سوی اقتصاد چرخشی و توسعه‌ی پایدار تبدیل گردد. بنابراین، مطالعه، تحلیل و ارزیابی ساختارها و شرایط تأمین تسهیلات حمایتی از واحدهای صنعتی مدیریت‌کننده و دارای سیستم مدیریت اجرایی پسماندها و ارائه پیشنهادهای برای منسجم کردن و تسهیل فرایندهای مرتبط می‌تواند به افزایش کارآمدی و اثربخشی سیستم منجر شود.

۱.۲. چرایی پژوهش

حکمرانی کلان فضای اقتصادی کشور ایران در نیم قرن اخیر از کیفیت بسیار پایینی برخوردار بوده که به نظر می‌رسد ریشه‌ی اصلی آن، در بالا رفتن قیمت نفت و آنچه «نفرین منابع» خوانده می‌شود، جای داشته‌باشد. بر همین اساس نیز روش غالب حکمرانی در کشور، حکمرانی دستوری بوده و در مواردی مانند وضع مالیات بر آلاینده‌گی که نظام حاکم تلاش بر تغییر ابزارها به ابزارهای مبتنی بر بازار داشته، این تلاش‌ها عموماً با شکست همراه شده و حتی با ایجاد موقعیت‌های چسبنده تعارض منافع و فساد، نتیجه‌ای ضد اهداف اولیه‌ی خود داشته‌است.

لذا فارغ از نیاز مبرم به اصلاحات اساسی نظام حکمرانی کلان اقتصادی کشور برای کاهش ریسک کسب‌وکارها و ایجاد ثباتی نسبی، توأمان با خروج کشور از انزوا، تحریم و گسترش فضای رقابتی در اقتصاد کشور؛ به نظر می‌رسد بررسی و ارائه‌ی سازوکارهایی به منظور ریل‌گذاری فرآیند اعطای تسهیلات پیش‌ران و هدایت‌گر برای همگرا نمودن فعالیت‌های اقتصادی و محیط‌زیستی کشور و ایجاد امکان بهره‌گیری از ابزارهای بازارمحور امری ضروری بوده که نه تنها کشور را به سوی توسعه‌ی پایدار هدایت کند، بلکه تا حد زیادی از تخریب محیط‌زیست به منزله‌ی سرمایه‌ای میان‌نسلی بکاهد.

این امر از این منظر ضروری به نظر می‌رسد که امروزه در کشور، جای خالی تسهیلات پیش‌ران و هدایت‌گر در نظام حکمرانی محیط‌زیستی کاملاً مشاهده می‌گردد و آسیب‌شناسی آن امری اجتناب‌ناپذیر است. وضعیت چند دهه‌ی اخیر حکمرانی محیط‌زیستی کشور، در قریب به اتفاق موارد شامل رویکردهای واکنشی سازمان حفاظت محیط‌زیست در برابر تخریب محیط‌زیست بوده که در جعبه‌ی ابزار آن نیز چیزی جز صدور بخشنامه، اعلام ممنوعیت و یا اعمال جریمه مشاهده نمی‌شود.

در همین حال صندوق ملی محیط‌زیست نیز که برای اهدافی چون اعطای تسهیلات پیش‌ران به فعالیت‌های اقتصادی-محیط‌زیستی تأسیس شده، به گواه بسیاری از گزارش‌ها، از جمله گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی عملکرد مناسبی نداشته، توان جذب بودجه‌ی پایینی داشته و حتی در بسیاری از موارد اسم این صندوق حتی به گوش فعالان کسب‌وکار نیز آشنا نبوده‌است. [1] نگاه منفعلانه به موضوع مدیریت یکپارچه‌ی پسماندهای صنعتی (بر پایه‌ی منطق کنترل خسارات مخاطره پس از رخداد آن) به جای رویکرد پویا به این امر (بر پایه‌ی پیشگیری از مخاطره با ارتقاء کیفی فرآیندها) در کنار ساختار پرتناقض و عملکرد نه‌چندان مطلوب صندوق ملی محیط‌زیست؛ موضوع ارائه‌ی تسهیلات پیش‌ران به پروژه‌ها را عملاً در بن‌بست قرار داده و این امر تاکنون برون‌داد مشخص و مناسبی برای اقتصاد و محیط‌زیست کشور نداشته‌است.

از شواهد این ادعا می‌توان به بند ۲ ماده ۷ ضوابط و روش‌های مدیریت اجرایی پسماندهای صنعتی و معدنی مصوب شورای عالی حفاظت محیط‌زیست در تاریخ ۱۳۹۹/۱۲/۲۰ اشاره کرد. بر اساس این ماده:

«ماده ۷ - وزارت [صمت] موظف است با رعایت قوانین و مقررات و ضوابط مربوط ظرف مدت ۶ ماه نسبت به اجرای موارد ذیل اقدام نماید:

۱. تهیه دستورالعمل و شیوه‌نامه مناسب به منظور کاهش تولید پسماندهای صنعتی

۲. تهیه شیوه‌نامه تأمین تسهیلات لازم برای حمایت از واحدهای مدیریت‌کننده و دارای سیستم مدیریت اجرایی پسماندها.»

این مصوبه با فاصله‌ی ۱۶ سال پس از تصویب و ابلاغ قانون مدیریت پسماندها از یک طرف و ۱۵ سال پس از تشکیل و تصویب اساسنامه صندوق ملی محیط‌زیست، تصویب و ابلاغ شده‌است. همین اختلاف زمانی میان تصویب این ماده و تشکیل صندوق با هدف مشخص تأمین تسهیلات رفع آلاینده‌گی به روشنی نشان می‌دهد که صندوق ملی محیط‌زیست از انجام وظایف ذاتی خود ناتوان بوده و سازمان برای حل این مسئله اقدام به تصویب دستورالعملی دیگر نموده‌است و این وظیفه را نیز به وزارت صمت محول کرده‌است.

همزمان با رایزنی‌های اتحادیه صنایع بازیافت ایران به نمایندگی از ۳۰۰ شرکت فعال مدیریت پسماند و بازیافت کشور و به موجب نامه‌ی شماره‌ی ۶۰/۱۱۸۵۱۰ معاونت هماهنگی و محیط کسب‌وکار وزارت صمت به اتاق ایران، انجام این مهم به اتاق ایران واگذار گردیده‌است.

بر همین اساس، تدوین بسته‌های سیاستی کلان کشور توسط بخش خصوصی، فرصتی است که می‌توان از آن به منظور ارتقاء نظام حکمرانی کلان اقتصادی، صنعتی و محیط‌زیستی کشور بهره برده و چالش‌های کشور را بر مبنای نگرش و تفکر بخش خصوصی به عنوان بخش فعال و آشنا به فرایندهای اجرایی مرتبط، به فرصت بدل نمود.

۱.۳. ماهیت پژوهش

این پژوهش، پژوهشی کاربردی است و بر اساس آن انتظار می‌رود با ارائه‌ی تصویری از شرایط کنونی کشور در اعطای تسهیلات پیشران به پروژه‌های محیط‌زیستی و آسیب‌شناسی این روند در فرآیندی مشارکتی؛ به راهکارهایی عملیاتی و قابل دسترسی در قالب اصلاح فرآیند اعطای تسهیلات و بهره‌گیری از ابزارهای مبتنی بر بازار در حکمرانی محیط‌زیست دست یافت و این راهکارها را با زبان و ادبیات بخش خصوصی، در سطح حکمرانی کلان به نهاد حاکمیت و در سطح حکمرانی بنگاه، به فعالان کسب‌وکار در کشور ارائه نمود.

۱.۴. روش‌شناسی و ادبیات پژوهش

این پژوهش ابتدا به مطالعه اسناد و تهیه فهرست صندوق‌های حاکمیتی مرتبط با موضوع مدیریت پسماندهای صنعتی در کشور (از طریق جستجو در پایگاه‌های اطلاعات و اسناد دولت) پرداخته و در قالب فرآیند تنقیح و تحلیل اسناد پشتیبان صندوق‌ها (اعم از قوانین، آیین‌نامه‌ها و شیوه‌نامه ایجاد و فعالیت صندوق‌ها)، ظرفیت‌ها و استعداد‌های موجود در آنها را ارزیابی می‌نماید. در گام بعدی ابزارهای حکمرانی محیط‌زیست مطالعه شده و چالش‌ها و فرصت‌های بهره‌گیری از آنها در کشور تجزیه و تحلیل می‌گردد. در مرحله‌ی بعدی، پرسشنامه‌هایی طراحی شده و در روندی مشارکتی در اختیار فعالان و خبرگان صنعت و محیط‌زیست کشور قرار می‌گیرد. هدف از این پرسشنامه‌ها شناخت دیدگاه و تمایلات ایشان در خصوص صندوق‌های اعطای تسهیلات و بویژه صندوق ملی محیط‌زیست است تا بر اساس آنها بتوان راهکارهای پیشنهادی را به صورتی تدوین نمود که از حداکثر مطلوبیت برخوردار باشد. در مرحله بعد پژوهش، پیش‌نویسی از دستورالعمل منتج به کارآمدسازی و افزایش اثربخشی فرآیند و نتیجه اعطای تسهیلات مدیریت پسماندهای صنعتی با تأکید بر مشارکت بخش خصوصی در فرآیندهای تصمیم‌گیری در خصوص تخصیص منابع ارائه می‌شود. هدف از این مرحله این است که با رویکردی مشارکت‌محور، فرآیند تخصیص تسهیلات را که اکنون نهایتاً در پله‌ی اول مشارکت با بخش خصوصی (اطلاع‌رسانی) است به پله‌ی پنجم مشارکت با بخش خصوصی (توانمندسازی) ارتقاء داد و با توجه به اینکه محیط‌زیست سرمایه‌ای ملی و میان‌نسلی است، شفافیت فرآیندهای تصمیم‌گیری را برای کلیه‌ی نقش‌آفرینان و گرداران بالا برد. به نظر می‌رسد برخی از خروجی‌های این مرحله، بتواند با ارائه‌ی پیشنهادهای در خصوص بهبود ساختار تخصیص منابع صندوق ملی محیط‌زیست موثر باشد. در نهایت نیز، پیشنهاد اقدامات عملیاتی به منظور پیاده‌سازی مقررات و راهکارها با بهره‌گیری از ظرفیت‌های شورای گفتگوی دولت و بخش خصوصی، کمیته ماده ۱۲ قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور و سایر ارکان و ابزارهای در اختیار بخش خصوصی بر اساس ظرفیت‌های موجود در قوانین پشتیبان (قانون بهبود مستمر محیط کسب‌وکار، قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقای نظام مالی کشور و...) به عنوان نقشه راهی برای اقدامات عملیاتی پیشنهاد خواهد گردید.

۱.۵. پرسش‌های راهبردی پژوهش

سوالات اصلی این پژوهش عبارتند از:

۱. چه صندوق‌هایی در کشور مستعد ارائه‌ی تسهیلات حمایتی به منظور مدیریت پسماندهای صنعتی هستند؟
۲. چرا ارائه‌ی تسهیلات به پروژه‌های مدیریت پسماندهای صنعتی تاکنون کارآیی لازم را نداشته؟ آیا مشکل از میزان منابع تخصیصی، نحوه تخصیص منابع، روش تصمیم‌گیری در خصوص تخصیص‌دهنده یا... بوده است؟
۳. چگونه می‌توان کارآمدی و اثربخشی ارائه‌ی تسهیلات به پروژه‌ها را بیشینه کرد و مشارکت بخش خصوصی در فرآیندهای تصمیم‌گیری در خصوص تخصیص تسهیلات مدیریت یکپارچه‌ی پسماندهای صنعتی و اجرای این پروژه‌ها را افزایش داد؟

سوالات فرعی این پژوهش عبارتند از:

۱. صندوق ملی محیط‌زیست به عنوان اصلی‌ترین نهاد جهت اعطای تسهیلات مدیریت پسماندهای صنعتی، از منظر ساختار، عملکرد، تعارضات داخلی، نحوه و میزان تأمین منابع و شرایط اعطای تسهیلات در چه وضعیتی قرار داشته و دارد؟

۱.۶. اهداف پژوهش

اهداف این پژوهش عبارتند از:

۱. شناخت صندوق‌های مستعد کشور در زمینه اعطای تسهیلات مدیریت پسماند های صنعتی براساس ارزیابی ساختار و عملکرد و تنقیح اسناد پشتیبان آنها به منظور یافتن ساختار بهینه
۲. ارائه پیشنهادهای با هدف افزایش ظرفیت ساختارهای موجود برای اعطای تسهیلات به منظور سرمایه‌گذاری بر پروژه‌های مدیریت پسماندهای صنعتی بر پایه‌ی سلسله مراتب بهره‌وری
۳. پیشنهاد راهکارها و توصیه‌های سیاستی به منظور پیاده‌سازی در قالب اصلاح و تدوین اسناد بالادستی

۱.۷. ساختار پژوهش

فصل اول این پژوهش به بنیان آن می‌پردازد و شامل پیشگفتاری است در خصوص کلیت آن، چرایی، ماهیت، روش‌شناسی، پرسش‌ها، اهداف و ساختاری که پژوهش بر آنها استوار گردیده‌است.

در فصل دوم ابزارهای حکمرانی محیط‌زیست، چالش‌ها و فرصت‌های بهره‌گیری از هر کدام در ایران مورد مطالعه قرار می‌گیرد. فصل سوم شامل مطالعه اسناد و تهیه فهرست صندوق‌های حاکمیتی مرتبط با موضوع مدیریت پسماندهای صنعتی در کشور است که در آن فرآیند تنقیح و تحلیل اسناد پشتیبان صندوق‌ها صورت می‌پذیرد تا مستعدترین صندوق‌ها برای ارائه‌ی چنین تسهیلاتی شناخته شود. فصل چهارم به طراحی، جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل پرسشنامه‌های پاسخ داده شده در موضوع پژوهش توسط فعالان و خبرگان حوزه‌ی صنعت و محیط‌زیست اختصاص دارد.

در فصل پنجم، بر اساس آنچه بنیان گردیده‌است، راهکارها به صورت مفهومی و در قالب پیشنهادات سیاستی و مقرراتی ارائه می‌گردد که بوسیله آنها بتوان تا حد امکان راهکارهایی با حداکثر بهره‌وری برای اعطای تسهیلات پیشران محیط‌زیست در حوزه‌ی مدیریت پسماندهای صنعتی در سطوح حکمرانی کلان و حکمرانی بنگاهی ارائه نمود و این راهکارها را از طریق ظرفیت‌های شورای گفتگوی دولت و بخش خصوصی، کمیته ماده ۱۲ و سایر ارکان و ابزارهای در اختیار بخش خصوصی بر اساس ظرفیت‌های موجود در قوانین پشتیبان (قانون بهبود مستمر محیط کسب و کار، قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقای نظام مالی کشور و...) به عنوان نقشه راهی برای اقدامات عملیاتی پیشنهاد کرد.

فصل ۲: حکمرانی و محیط‌زیست

امروزه بسته به پیکربندی نظام حکمرانی کلان در کشورها؛ سیاست‌ها، برنامه‌ها و ابزارهای معطوف به حکمرانی محیط‌زیست نیز به کار گرفته می‌شود و هدف از به کارگیری آنها نیز عموماً تنظیم نسبت توسعه‌ی اقتصادی کشورها با محیط‌زیست به عنوان سرمایه‌ای میان‌نسلی است، چرا که حرکت در مسیر توسعه‌ی پایدار، جز با همگرا نمودن فعالیت‌های اقتصادی و محیط‌زیستی محقق نخواهد گردید. در این بخش از پژوهش، ابتدا به مفهوم واژه‌ی حکمرانی پرداخته، حکمرانی خوب تعریف گردیده و از منظر حکمرانی خوب بازار به عنوانی یکی از نهادهای سه‌گانه در جامعه از منظر سیاست‌گذاری کلان مورد بررسی قرار می‌گیرد. پس از آن رویکردهای سیاست‌گذاری در حکمرانی کلان محیط‌زیست برای همگرایی فعالیت‌های اقتصادی و محیط‌زیستی مورد مطالعه قرار گرفته، پدیداری از شرایط کشور ایران در تناسب با این ابزارها ارائه می‌شود. م‌م‌م‌م

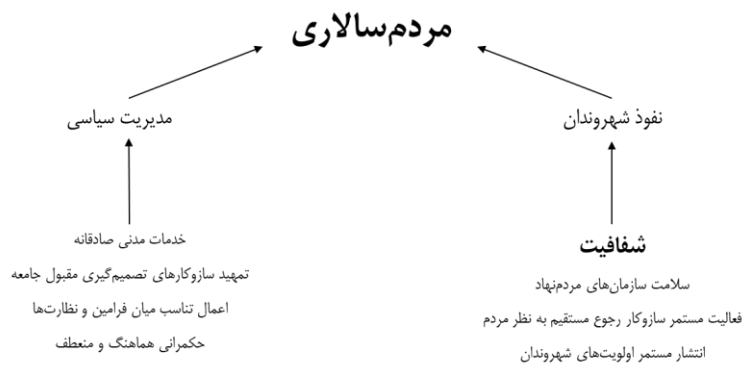
۲.۱. حکمرانی خوب

بر اساس یکی از معروف‌ترین تعاریفی که سازمان ملل برای حکمرانی ارائه می‌دهد، «حکمرانی، فرآیند تصمیم‌گیری و فرآیندی است که تصمیم‌ها در آن اجرا می‌شوند»^۱. [2] بر همین مبنا در سال ۱۹۹۲، در گزارشی از بانک جهانی با عنوان «حکمرانی و توسعه» مفهومی با عنوان «حکمرانی خوب» ابداع گردید، آنچنان که اگر سیاست‌های اقتصادی براساس شاخص‌های چهارگانه‌ی آن عبارت از کارآمدی حاکمیت، پاسخگویی، شفافیت و قانون‌مداری به درستی اجرا شود، منجر به توسعه‌ی پایدار کشورها در سایه‌ی عدالت اجتماعی می‌گردد [3]. این شاخص‌ها، خود به مرور زمان توسعه یافته و امروزه به عنوان معیاری برای سنجش کیفیت فرآیندهای تصمیم‌گیری، از سطوح خرد تا کلان کاربرد می‌یابند. امروز شاخص‌های هشت‌گانه حکمرانی خوب عبارتند از:

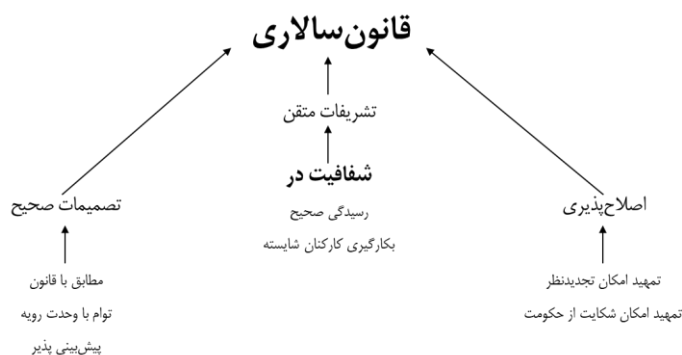
۱. مشارکت
۲. شفافیت
۳. پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری
۴. انعطاف‌پذیری
۵. بهره‌وری (کارآمد و اثربخش)
۶. قانون‌محوری
۷. وفای‌محوری
۸. برابری و عدالت

در نگرش نهادگرایانه به جامعه و تقسیم آن به سه نهاد اصلی شهروندان، حاکمیت و بازار، نسبت حکمرانی خوب با هر یک از نهادهای اجتماعی یادشده به ترتیب در قالب مردم‌سالاری، قانون‌مداری و بهره‌وری پدیدار می‌گردد:

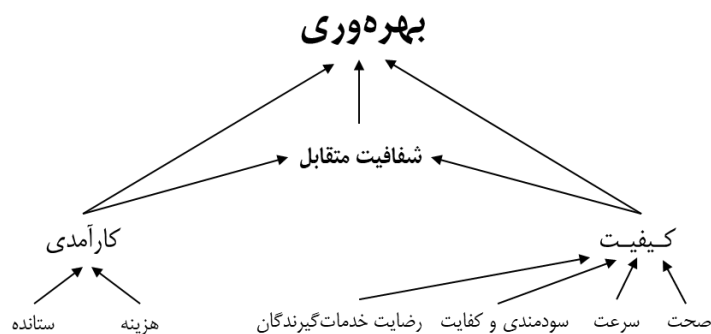
¹ "Governance is the process of decision-making and the process by which decisions are implemented (or not implemented)."



شکل ۱ - نسبت حکمرانی خوب با نهاد شهروندان در جامعه



شکل ۲ - نسبت حکمرانی خوب با نهاد حاکمیت در جامعه



شکل ۳ - نسبت حکمرانی خوب با نهاد بازار در جامعه

بر همین مبنا، در پیاده‌سازی حکمرانی خوب در سیاست‌گذاری کلان اقتصادی، فرآیندی حائز بهره‌وری است که از کیفیت، کارآمدی (مقرون‌به‌صرفه بودن) و شفافیت متقابل میان نقش‌آفرینان^۲ نهاد حاکمیت، شهروندان و بازار به‌رمند باشد.

۲.۲. حکمرانی اقتصادی

کلمه‌ی اقتصاد یا Economy از ترکیب دو عبارت یونانی Oiko به معنای اموال و Nomo به معنای اداره شکل گرفته‌است. بر همین اساس یکی از مشهورترین تعاریف از اقتصاد، تعریفی است که لیونل رابینز^۳، اقتصاددان انگلیسی از آن ارائه می‌دهد عبارت از اینکه «اقتصاد علمی است که رفتار انسان را در ارتباط میان اهداف او و منابع محدودی که می‌توانند استفاده‌های دیگری داشته‌باشند، مورد مطالعه قرار می‌دهد»^۴. بر اساس این تعریف علم اقتصاد وقتی کاربرد می‌یابد که امر تخصیص منابع محدود به تقاضاهای نامحدود در میان باشد. بر

^۲ Stakeholder

^۳ Lionel Robbins

^۴ "Economics is the science which studies human behaviour as a relationship between ends and scarce means which have alternative uses."

همین اساس، در اقتصاد نئوکلاسیک عبارت شیوهی هماهنگی^۵ یا سازوکار تخصیص منابع اهمیت می‌یابد که ناظر بر توصیف نحوه‌ی تخصیص منابع کمیاب در برابر تلاش‌های انسانی است.

امروزه شیوه‌های هماهنگی در تخصیص منابع در اقتصاد کلان کشورها به دو شیوه‌ی اصلی تقسیم می‌شوند:

۱. هماهنگی مبتنی بر بازار آزاد، تخصیص منابع بر پایه‌ی عرضه و تقاضا و یا لیبرالیسم
۲. هماهنگی بروکراتیک، تخصیص منابع بر پایه‌ی تمرکز و بازتوزیع و یا سوسیالیسم

گرچه برخی از اقتصاددانان به این دو شیوه‌ی عمده‌ی هماهنگی، شیوه‌های دیگری نظیر هماهنگی اخلاقی (تعاون) و هماهنگی ویرانگر (تخریب و غارت) را نیز اضافه می‌کنند، اما در عرف اقتصاد کلان، فرض بر آن است که سیاست‌ها و رویکردها بر مبنای یکی از این دو شیوه جهت‌دهی می‌شود.

مشخصات عمده‌ی دو شیوه‌ی اصلی هماهنگی مبتنی بر بازار یا هماهنگی بروکراتیک، از نقطه‌نظرهای اصالت جمع یا فرد (آزادی یا عدالت)، کسب منافع، ارزش‌گذاری کالاها، حقوق مالکیت، ابعاد حاکمیت، نسبت کار و فراغت و تضمین خیر همگانی در شکل زیر پدیدار گشته‌اند:



شکل ۴ - هماهنگی مبتنی بر بازار و هماهنگی بروکراتیک

۲.۳ حکمرانی محیط‌زیست

به باور بسیاری از اقتصاددانان و جامعه‌شناسان، اقتصاد از مسیر شیوه‌های هماهنگی در مناسبات اجتماعی تنیده شده و بازار به عنوان یک نهاد اجتماعی، بر امر شکل‌گیری و یکپارچگی جوامع^۶ اثر می‌گذارد. از این منظر، نقش اقتصاد در جامعه به مانند چسبی است که ارتباط و بده‌بستان‌های میان حاکمیت، شهروندان و بازار را شکل می‌دهد و حتی به واسطه‌ی شیوه‌های مختلف هماهنگی این ارتباط متقابلاً جهت‌دهی و راهبری می‌گردد. [4]

بر همین اساس، نقش اقتصاد در جهت‌دهی به حکمرانی کلان محیط‌زیست نیز نقشی بسیار پررنگ گردیده و امروزه عملاً دو رویکرد اصلی در حکمرانی کلان محیط‌زیست نیز خود تابعی از شیوه‌های هماهنگی اقتصادی در جوامع هستند. این دو رویکرد اصلی در سیاست‌گذاری کلان محیط‌زیست عبارتند از:

۱. رویکردهای دستوری^۷
۲. رویکردهای مبتنی بر بازار^۸

⁵ Coordination Mode

⁶ Social Intergration

⁷ Command and Control Instruments

⁸ Market-Based Instruments

مشخصات عمده‌ی این دو رویکرد، از نقطه‌نظرهای میزان مشارکت‌گرایی یا تمرکزگرایی، نقش حاکمیت در اقتصاد و میزان پیچیدگی در شکل زیر پدیدار گشته‌اند:

ابزارهای مبتنی بر بازار	ابزارهای دستوری
<ul style="list-style-type: none">• روش‌های نوین حکمرانی مشارکت‌محور با نهادگرایی و کاهش دخالت‌های حاکمیت در مدیریت جامعه.• شیب ملایم هرم قدرت و تغییر نقش حاکمیت از تصدی‌گر یا مجری، به تنظیم‌گر روابط تسهیل و ایجاد شرایط مساعد و مسالمت‌آمیز برای رشد اقتصادی، کاهش ریسک‌ها و مخاطرات، افزایش درجه آزادی بازار، قانون‌محوری و افزایش هزینه‌های قانون‌گریزی• پیچیدگی بالا، بهره‌وری زیاد و دخالت حاکمیت تنها در شرایط شکست بازار• مهم‌ترین ابزارهای مبتنی بر بازار در جوامع توسعه‌یافته: وضع مالیات‌ها، یارانه‌ها، مشوق‌ها، بازارهای تجارت انتشار و نظام‌های پدیده‌گذاری (مثل چارچوب‌های EPR)	<ul style="list-style-type: none">• روش‌های سنتی حکمرانی غیرمشارکتی با تکیه بر صدور دستورات و الزامات، نظارت بر اجرای آنها و اعمال مجازات در صورت تخلف از آنها• شیب تند هرم قدرت و تمرکز اختیارات تصدی و اجرا در دست حاکمیت• اقتصاد در انحصار حاکمیت، رشد خصلت‌های اقتدارگرایانه، کاهش درجه آزادی بازار و نمود سوبه‌های قهری قدرت در برابر قانون‌گریزی• پیچیدگی کمتر، بهره‌وری پایین‌تر و دخالت گسترده حاکمیت• مهم‌ترین معایب روش‌های دستوری در جوامع کمتر توسعه‌یافته: کاهش تبعیت از دستورات به مجرد کاهش اقتدار و از بین رفتن انگیزه و تمایل به بهبود داوطلبانه و مستمر عملکرد از سوی اجزای سیستم

شکل ۵ - ابزارهای مبتنی بر بازار و ابزارهای دستوری

۲.۳.۱. رویکردهای حکمرانی دستوری

رویکردهای دستوری در سیاست‌گذاری و حکمرانی کلان محیط‌زیست اصولاً در اقتصادهای مبتنی بر شیوه‌ی هماهنگی بروکراتیک، بر مبنای تمرکزگرایی، وضع مقررات، الزامات و نظارت بر آنها پیکربندی می‌گردد. بنابراین بهره‌وری این روش‌ها، نسبت مستقیم و بستگی تنگاتنگی با شیب هرم قدرت، گستره نفوذ سیستم بروکراتیک، تمرکز اختیارات، خصلت اقتدارگرایی^۹ نظام حاکمیت و حتی تضمین اجرای الزامات با بهره‌گیری از سوبه‌های قهری و سلبی قدرت در اداره جامعه در قالب وضع ممنوعیت‌ها، جرائم و مجازات‌ها دارد. [5]

گرچه بهره‌گیری از این روش‌ها دارای پیچیدگی‌های کمتری است، اما ایراد بزرگ این روش‌ها، دقیقاً آن است که اثربخشی آنها تابعی از گستردگی دستگاه بروکراتیک بوده و به مجرد کاهش نظارت، اقتدار یا حتی شدت اثر سوبه‌های قهری بروکراسی؛ تبعیت از دستورات هم کاهش می‌یابد. از طرف دیگر در نظام‌های مبتنی بر این روش‌ها، انگیزه و تمایل به بهبود داوطلبانه و مستمر عملکرد از سوی اجزای سیستم از بین می‌رود و ماموریت اجزای سیستم به جای بهبود مستمر عملکرد، به تبعیت از الزامات تقلیل می‌یابد. [6]

۲.۳.۲. رویکردهای حکمرانی مبتنی بر بازار

رویکردهای مبتنی بر بازار در سیاست‌گذاری و حکمرانی کلان محیط‌زیست اصولاً در اقتصادهایی که از شیوه‌ی هماهنگی مبتنی بر بازار بهره می‌گیرند؛ با مشارکت‌محوری، نهادگرایی، کاهش دخالت‌های حاکمیت در اداره جامعه و آزادسازی بازار پیکربندی گردیده که در آنها نقش حاکمیت از تصدی‌گر یا مجری، به تنظیم‌گر روابط در جامعه تغییر می‌یابد. در این رویکردها که به منظور مدیریت برون‌داد منفی شکست بازار در شکل آلودگی محیط‌زیست به کار می‌آیند، هزینه‌های اضافی بر تولید و مصرف و بر فرآیند و محصول اعمال گردیده که بر مبنای احترام به حقوق مالکانه و بازارسازی، این هزینه‌ها قابل داد و ستد در بازاری موازی به صورت تولید خدمات هستند. [7]

این روش‌ها عمدتاً بر مبنای تسهیل و ایجاد شرایط مساعد و مسالمت‌آمیز برای رشد اقتصادی، کاهش ریسک‌ها و مخاطرات، افزایش درجه آزادی بازار، قانون‌محوری و افزایش هزینه‌های قانون‌گریزی پیاده‌سازی گردیده و در آنها دخالت حاکمیت در بازار تنها در شرایط تهدید خیر همگانی در شکست بازار^{۱۰} صورت می‌پذیرد. [6] از مهم‌ترین ابزارهای مبتنی بر بازار در جوامع توسعه‌یافته، وضع مالیات‌ها، یارانه‌ها، مشوق‌ها، بازارهای تجارت انتشار^{۱۱} و نظام‌های ودیعه‌گذاری‌ها^{۱۲} (مثل چارچوب‌های امتداد مسئولیت تولیدکنندگان^{۱۳} یا EPR) است.

⁹ Authoritarianism

¹⁰ Market Failure

¹¹ Emissions Trading

¹² Deposit-Refund

¹³ Extended Producer Responsibility

۲.۳.۳. حکمرانی محیط‌زیست در ایران

اصولا بهره‌گیری از رویکردهای حکمرانی محیط‌زیست، به‌مانند شیوه‌های هماهنگی در اقتصاد، امری مطلق نیست و کشورها در طیفی میان این دو رویکرد ایستاده و از ابزارهایی که هر رویکرد در اختیارشان می‌گذارد، در حکمرانی کلان محیط‌زیست بهره می‌برند. حال، بر اساس آنچه در کشور ایران از پیکربندی نظام اقتصادی تا تورم و انباشت قوانین و الزامات و ابعاد دستگاه بروکراتیک حاکم مشاهده می‌گردد، می‌توان چنین ادعا نمود که حکمرانی محیط‌زیست در ایران عمدتاً مبتنی بر رویکردهای حکمرانی دستوری است، هر چند که نظام بروکراتیک در برخی از موارد تلاش بر بهره‌گیری از رویکردهای مبتنی بر بازار هم داشته‌است.

بر مبنای ارزیابی‌های سالیانه بنیاد هریتج، شاخص آزادی اقتصاد ایران در سال ۲۰۲۳ برابر با عدد ۴۲ از ۱۰۰ و معادل با شرایط «سرکوب‌شده» بوده و ایران در میان ۱۸۰ کشور، رتبه ۱۶۹ را به خود اختصاص داده‌است. این در حالی است که عدد میانگین این شاخص در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا برابر با ۵۷ و در جهان برابر با ۶۰ است. بر اساس این گزارش، بزرگترین ریشه‌های سرکوب اقتصاد در ایران عبارتند از ضعف در حاکمیت قانون، عدم احترام به حقوق مالکیت، تورم فزاینده، رقابت‌ناپذیری و بی‌ثباتی فضای کسب‌وکار ناشی از حکمرانی دستوری، محدودیت‌های تجارت بین‌الملل ناشی از تحریم‌ها و عدم امکان دسترسی به شبکه‌ی بانکی بین‌المللی. [8]

این در حالی است که مهم‌ترین پیش‌نیاز حرکت از رویکردهای حکمرانی دستوری محیط‌زیست به حکمرانی مبتنی بر بازار در جوامع، تبعیت نظام اقتصادی جوامع از قواعد بازار آزاد بر مبنای دو رکن اصلی احترام به حقوق مالکیت شهروندان و افزایش رقابت‌پذیری بخش خصوصی در بازار است.

پس در نظام اقتصادی کشور ما که سهم حاکمیت از آن چیزی بالغ بر ۷۰ الی ۸۵ درصد از اقتصاد است و دستگاه بروکراسی دخالت و نفوذ بسیار بالایی در تصمیم‌گیری، اجرا و نظارت در اقتصاد دارد و همچنین ساختار توزیع سرمایه سبب گردیده نهادهای حاکمیتی با سیطره بر بالادست اقتصاد با شهروندان و بخش خصوصی رقابتی غیرمنصفانه داشته باشند، تورم دو رقمی برای نیم‌قرن بیماری مزمن نظام اقتصاد کشور ایجاد شده، بی‌ثباتی و ریسک در فضای کسب‌وکار موج می‌زند و تحریم‌های بین‌المللی نیز مرزهای اقتصادی را بسته و هزینه ارتباط با بازارهای بین‌المللی و هزینه سرمایه‌گذاری خارجی را به حداکثر رسانده‌اند؛ اساساً امکان پیاده‌سازی سیاست‌های مبتنی بر بازار، امکانی بسیار کم‌رنگ و حتی ناشدنی است و تجربه‌ی کشور در حکمرانی کلان محیط‌زیستی نیز همین را نشان می‌دهد. [9] [10]

بر همین اساس، از مهم‌ترین تجربیات ناموفق کشور در بهره‌گیری از رویکردهای مبتنی بر بازار در حکمرانی محیط‌زیست، که نهایتاً به بیراهه رفته و حتی به ضد اهداف اولیه‌ی خود تبدیل شده‌اند، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. نظام مالیات بر آلاینده‌ی در ماده ۲۷ قانون مالیات بر ارزش افزوده (عوارض سبز)
۲. نظام ودیعه‌گذاری یا امتداد مسئولیت تولیدکننده در ماده ۶ قانون کمک به ساماندهی پسماندهای عادی
۳. خصوصی‌سازی، شهرداری‌ها و رشد شبکه‌های زباله‌گردی در ایران

۲.۳.۳.۱. عوارض سبز

یکی از ابزارهای کنترل آلاینده‌های محیط‌زیستی وضع مالیات سبز بر واحدهای تولید کالا و خدمات در اقتصاد کشورهاست. این مالیات‌ها امروزه در بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته، عموماً بر انتشار گازهای گلخانه‌ای وضع می‌شود تا میزان انتشار از این طریق کم شود. در این کشورها همچنین بازارهایی جهت مبادله انتشار یا سیستم‌های سوبسید (مثلاً دریافت از تولیدکنندگان انرژی‌های فسیلی و پرداخت به تولیدکنندگان انرژی‌های پاک) ایجاد می‌نمایند تا با رقابتی نمودن بازار، اقتصاد را با محیط‌زیست همگرا و همگام نمایند.

توجه به این نکته ضروری است که مالیات انتشار یا مالیات سبز، درآمد یا بودجه‌ی نظام حاکمیت محسوب نگردیده و نقش دولت در دریافت و پرداخت آنها به تنظیم‌گری مناسبات و روابط میان فعالان بازار محدود می‌شود. در ایران، به استناد ماده ۲۷ قانون مالیات بر ارزش افزوده^{۱۴}،

^{۱۴} ماده ۲۷ قانون مالیات بر ارزش افزوده (مصوب سال ۱۴۰۰) - واحدهای تولیدی، صنعتی، معدنی و خدماتی آلاینده که به تشخیص سازمان حفاظت محیط‌زیست، حدود مجاز و استانداردهای محیط‌زیستی را رعایت نمی‌کنند، در صورتی که در مهلت زمانی که توسط سازمان مزبور برای آنها تعیین می‌شود، نسبت به رفع آلاینده‌ی خود اقدام ننمایند، براساس معیارهایی نظیر شدت، مدت، نوع و مکان آلاینده‌ی با نرخهای نیم‌درصد (۰/۵٪)، یک‌درصد (۱٪) و یک‌ونیم‌درصد (۱/۵٪)، به مأخذ فروش

به طور خلاصه کلیه واحدهای صنعتی، معدنی و خدماتی که حدود مجاز و استانداردهای آلاینده‌های مصوب کشور را رعایت نکنند، به نسبت خروج از این حدود با معیارهایی، به صورت پلکانی به پرداخت ۰.۵، ۱ و ۱.۵ درصد از فروش خود در قالب مالیات بر ارزش افزوده محکوم می‌گردند.

محل مصرف منابع حاصل از ماده ۲۷، به استناد ماده ۴۰ از همین قانون^{۱۵}، این چنین تعیین گردیده که این منابع از طریق ادارات کل امور مالیاتی استان‌ها، به نسبت جمعیت در میان شهرداری‌ها، دهیاری‌ها و فرمانداری‌ها هر استان توزیع می‌شود. این در حالی است که همزمان در ماده ۱۲ قانون هوای پاک^{۱۶}، ماده ۱۵ قانون حفاظت از خاک^{۱۷} و ماده ۴ قانون حفاظت، احیاء و مدیریت تالابها^{۱۸} نیز کلیه واحدهایی که آلاینده محیط‌زیست هستند مکلف به پرداخت جرائم دیگری گردیده‌اند. بنابراین مشکلاتی که بر ماده ۲۷ قانون مالیات بر ارزش افزوده حاکم است عبارتند از:

۱. اساساً جانمایی دریافت این عوارض به میزان ۰.۵، ۱ و ۱/۵ درصد از فروش با عنوان عوارض آلاینده‌ها یک جانمایی اشتباه است، چرا که درآمد حاصل از فروش یک واحد، برابر است با هزینه خرید مواد اولیه به علاوه هزینه‌های فرآیندی و حاشیه سود (فروش=مواد اولیه+فرآیند+سود). بر همین اساس، یک شرکت روی مواد اولیه ورودی به واحد یا محصول خروجی از واحد محیط‌زیست را آلوده نمی‌کند، بلکه روی فرآیند خود محیط‌زیست را آلوده می‌کند. بنابراین، جانمایی درست دریافت این عوارض باید روی سود واحدها باشد (مالیات مستقیم)، نه درصدی از فروش واحدها (مالیات بر ارزش افزوده).
۲. عوارض ماده ۲۷، اصلاً عوارض نیست (عوارض یا بهای خدمات، مبلغی است که در مقابل ارائه خدمتی به پرداخت‌کنندگان آن مبلغ دریافت می‌گردد)، چرا که تنها از واحدهای تولیدی آلاینده و بر اساس آلاینده‌ها دریافت می‌گردد. پس این عوارض ماهیتی سلبی، تنبیهی و کیفری داشته و جریمه تلقی می‌شود. بر همین اساس عوارض ماده ۲۷، به صورت ماهوی جریمه است و جایگاه آن در قانون مالیات بر ارزش افزوده نیست.

کالا یا خدمات، مشمول عوارض سبز می‌شوند. این حکم در مورد کلیه واحدهای آلاینده، اعم از واحدهای معاف و غیرمعاف، صادراتی و واحدهای مستقر در مناطق آزاد تجاری-صنعتی و مناطق ویژه اقتصادی جاری است. معیارهایی که در تعیین سطح آلاینده‌ها، مبنای عمل سازمان محیط‌زیست قرار می‌گیرد، حداکثر سه ماه پس از لازم‌الاجراء شدن این قانون، توسط کارگروهی متشکل از نمایندگان سازمان حفاظت محیط‌زیست و وزارتخانه‌های بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، صنعت، معدن و تجارت، کشور و امور اقتصادی و دارایی (سازمان) تهیه می‌شود و به تصویب هیأت وزیران می‌رسد. میزان فروش واحدهای موضوع این ماده براساس سامانه مؤدیان یا اظهارنامه‌ای که به همین منظور به سازمان ارائه می‌شود، تعیین می‌گردد.

^{۱۵} ماده ۴۰ قانون مالیات بر ارزش افزوده (مصوب سال ۱۴۰۰) - عوارض و جریمه‌های آلاینده‌ها موضوع ماده (۲۷) این قانون پس از واریز به حساب تمرکز وجوه اداره کل امور مالیاتی استان برای هر شهرستان به نسبت جمعیت بین شهرداری‌ها، دهیاری‌ها و فرمانداری‌های (سهام روستاهای فاقد دهیاری و مناطق عشایری) همان شهرستان توزیع می‌گردد. در صورتی که آلودگی واحدهای بزرگ تولیدی (پنجاه نفر و بیشتر) به بیش از یک شهرستان در یک استان سرایت کند، عوارض آلاینده‌ها هر شهرستان به نسبت جمعیت، اثرپذیری و فاصله از واحد آلاینده، در کمیته‌ای مرکب از رئیس سازمان برنامه و بودجه استان و فرمانداران شهرستان‌های ذی‌ربط، مدیرکل محیط‌زیست و مدیرکل امور مالیاتی استان بین شهرستان‌های متأثر توزیع می‌شود.

^{۱۶} ماده ۱۲ قانون هوای پاک (مصوب سال ۱۳۹۶) - سازمان مکلف است که تمامی مراکز و واحدهای صنعتی، تولیدی، عملیات معدنی، خدماتی، عمومی و کارگاهی را که آلودگی آنها بیش از حد مجاز مصوب است، مشخص نموده و مراتب را با تعیین نوع، میزان آلودگی، وسعت منطقه تحت تأثیر و حساسیت منطقه به مالکان یا مسؤولان یا مدیران عامل و یا بالاترین مقام تصمیم‌گیر واحد ابلاغ کند تا در مهلت معینی که توسط سازمان تعیین می‌شود نسبت به رفع آلودگی یا تغییر تولید یا تغییر فرآیند تولید یا تعطیلی کار و فعالیت خود (بر اساس نوع آلودگی و ماهیت فرآیند کنترلی) اقدام نمایند. در طی مدت تعیین تکلیف این واحدها، طبق مفاد این قانون، به واحدهای مذکور، جریمه ایجاد و انتشار آلودگی تعلق می‌گیرد.

^{۱۷} ماده ۱۵ قانون حفاظت از خاک (مصوب سال ۱۳۹۸) - سازمان مکلف است نسبت به شناسایی واحدهای آلاینده اقدام نموده و به آلوده‌کننده اخطار دهد که ظرف مهلت معینی متناسب با نوع ماده آلاینده نسبت به حذف و رفع منشأ آلودگی، بازسازی خاک و جبران خسارت وارده اقدام کند. در صورتی که اشخاص ذی‌نفع نسبت به اخطار یا دستور سازمان معترض باشند، می‌توانند برای یکبار از سازمان درخواست تمدید مهلت مذکور را نمایند. مستنکف علاوه بر توقف فعالیت، رفع آلودگی و جبران خسارت محیط‌زیستی به جزای نقدی دو تا پنج برابر خسارت وارده و در صورت تکرار علاوه بر موارد یادشده به حداکثر جزای نقدی با حکم مراجع قضایی محکوم می‌شود.

^{۱۸} ماده ۴ قانون حفاظت، احیاء و مدیریت تالابها (مصوب سال ۱۳۹۶) - اشخاص حقیقی و حقوقی متخلف از احکام این قانون و مقررات مصوب پس از اقامه دعوا توسط سازمان، علاوه بر توقف فعالیت و جبران خسارت وارده، حسب تشخیص مرجع قضایی به پرداخت جریمه به میزان سه تا پنج برابر خسارت وارده و در صورت تکرار، علاوه بر جبران خسارت به پرداخت جریمه به میزان شش تا هشت برابر خسارت وارده محکوم می‌شوند.

۳. اخذ همزمان جریمه با عنوان عوارض از محل ماده ۲۷ قانون مالیات بر ارزش افزوده و اخذ جرائم موضوع مواد ۱۲، ۱۵ و ۴ قوانین هوای پاک، حفاظت از خاک و حفاظت تالابها، به دلیل «انتشار آلودگی»، مصداق بارز اخذ جرائم مکرر به یک دلیل واحد است که در آن مجرم در مقابل ارتکاب یک جرم از محل ۴ قانون همزمان مجازات می‌شود.

۴. محل دریافت عوارض ماده ۲۷ با موضوع دریافت آن هیچ ارتباط معنادار، منطقی و مشخصی ندارد و این عوارض منجر به ارائه خدمتی مرتبط با رفع آلاینده‌ها به بنگاه پرداخت‌کننده یا جبران خسارات وارده بر شهروندان در معرض آلودگی نمی‌گردد، چرا که شهرداری‌ها و دهیاری‌ها که این منابع را دریافت می‌کنند، نه هیچ مسئولیتی یا امکانی برای پایش، کاهش یا پیشگیری از آلاینده‌های واحدهای صنعتی یا معدنی ندارند و نه هیچ مسئولیتی نسبت به ارائه تسهیلات مرتبط به کاهش آلاینده‌ها و ارتقاء فرآیندهای صنعتی و معدنی. علاوه بر این نیز شهرداری‌ها و دهیاری‌ها مسئولیتی نسبت به اجرای عملیات جبران خسارات مرتبط با آلاینده‌های گاز، آب، خاک و صوت واحدهای آلاینده، چه در محل تولید آلودگی و چه در محل انتشار ندارند و مسئولیت و خدماتی در قبال واحدهای مستقر در شهرک‌های صنعتی نیز عهده‌دار نیستند. بنابراین، در ماده ۲۷ قانون مالیات بر ارزش افزوده، عوارضی با موضوع محیط‌زیست از واحدهای آلاینده دریافت شده و به شهرداری‌ها پرداخت می‌گردد که در پی آن، هیچ‌گونه خدمتی مرتبط با موضوع این عوارض، نه به پرداخت‌کننده در جهت پیشگیری و نه به زیان‌دیده در جهت درمان ارائه نمی‌گردد.

۵. در ماده ۴۰ قانون مالیات بر ارزش افزوده هیچ‌گونه محل هزینه یا هدفی مرتبط با علت دریافت این عوارض بیان نشده که این امر پایش اثربخشی دریافت و هزینه این عوارض در رفع آلاینده‌ها یا جبران خسارات ناشی از آنرا غیرممکن می‌سازد.

۶. وضع عوارض، مالیات یا جرائمی از جنس ماده ۲۷ در اقتصادهایی به مانند کلیت نظام اقتصادی کشور ما که رقابت حاکم نیست، ابعاد بازار محدود است و عرضه در اختیار معدودی از تولیدکنندگان است، صرفاً و تنها موجب بالا رفتن قیمت تمام‌شده محصول برای مصرف‌کنندگان و تحمیل اثر تورمی به جامعه می‌گردد. به عبارتی وقتی در یک اقتصاد بسته و انحصاری، عوارض از بالادست دریافت شود، بنگاه بالادستی عین رقم را روی کالای خود گذاشته و فشار آنرا در قالب گرانی به زنجیره‌های بعدی خود وارد می‌آورد، بدون اینکه نیاز به بهبود عملکرد داشته‌باشد. بنابراین در اقتصاد ایران، پیامدهای مخرب وضع چنین عوارضی در محیط کسب‌وکار ایران، یا خود را در قالب افزایش زنجیره‌ای قیمت تمام‌شده کالاها متناسب با پرداخت عوارض و تحمیل اثر تورمی هنگفت به جامعه و کاهش قدرت خرید شهروندان نشان می‌دهد یا در قالب کاهش سود کسب‌وکارها، تعدیل نیرو یا تعطیلی بنگاه‌های اقتصادی و دامن زدن به بحران‌های اقتصادی و اجتماعی کشور.

۷. وضع عوارض بدون پیش‌بینی محل هزینه مرتبط با علت دریافت آن یا مکانیزم اثرگذاری هدفمند آن، به شکلی که دقیقاً در وضع عوارض ماده ۲۷ قانون مالیات بر ارزش افزوده رخ داده‌است، صرفاً و تنها سبب ایجاد یک موقعیت قوی و چسبیده تعارض منافع، با ایجاد شرایط «آلاینده‌ها بیشتر مساوی است با مالیات‌ستانی بیشتر» می‌گردد و با گذشت زمان، تمایل دستگاه اجرایی از کمک به رفع آلاینده‌ها محیط‌زیست به ادامه آلاینده‌ها برای مالیات‌ستانی و کسب درآمد بیشتر بدل می‌شود و حتی کاهش این منابع ناشی از بهبود عملکرد محیط‌زیستی واحدها، منجر به کسری بودجه دستگاه بروکراتیک نسبت به پیش‌بینی‌های خود در ابتدای سال مالی خواهد شد.

نتیجتاً در وضع مالیات آلاینده‌ها در ماده ۲۷ قانون مالیات بر ارزش افزوده به عنوان یک ابزار مبتنی بر بازار در حکمرانی محیط‌زیست ایران و بدون توجه به پیش‌نیازهای آن از جمله شیوه‌ی هماهنگی اقتصاد، موقعیتی پیش می‌آید که ابزار محیط‌زیستی خود تبدیل به ضد خود شده و آثار تخریبی آن بر محیط‌زیست و اقتصاد کشور به صورت توأمان تحمیل می‌گردد.

۲،۳،۳،۲. امتداد مسئولیت تولیدکننده

یکی از مهم‌ترین ابزارهای مبتنی بر بازار در نظام مدیریت پسماند کشورها، چارچوب‌های امتداد مسئولیت تولیدکننده یا EPR است. در این چارچوب‌ها، هزینه‌ی مدیریت پسماند یک کالا در لحظه‌ی تولید از تولیدکننده آن اخذ گردیده، بخش کوچکی از آن در هنگام تفکیک و تحویل توسط مصرف‌کننده به وی، و بخش بزرگتری از آن در هنگام بازیافت یا دفع به بازیافت‌کننده یا دفع‌کننده کالا پرداخت می‌گردد.

مهم‌ترین هدف از وضع چارچوب‌های EPR، افزایش رقابت‌پذیری تولید از مواد خام ثانویه^{۱۹} (صنعت بازیافت) با تولید از مواد خام اولیه و کاهش تولید کالاهای بازیافت‌ناپذیر است. طبیعتاً، این هدف از این مسیر محقق می‌گردد که با اخذ هزینه‌ی مدیریت پسماند از تولیدکننده اولیه^{۲۰} و پرداخت آن به بازیافت‌کننده یا دفع‌کننده، کالای نو از کالای بازیافتی گران‌تر شده و تمایل به خرید کالاهای بازیافتی افزایش یابد. از طرف دیگر نیز تمایل به تولید کالاهای بازیافت‌ناپذیر کاهش می‌یابد. در خصوص مصرف‌کنندگان نیز انگیزه برای تفکیک مواد قابل بازیابی از پسماندها ایجاد شده و مشارکت ایشان در چرخه افزایش می‌یابد.

از دیگر نکات مهم در خصوص چارچوب‌های EPR آن است که اولاً چارچوب‌های EPR، اساساً مکانیزم‌های مالیات‌ستانی برای حاکمیت یا اهرم‌های وضع جرائم نیستند، بلکه مکانیزم‌های ودیعه‌گذاری هستند و عملاً نقش حاکمیت در اجرای آنها صرفاً تنظیم‌گری و تسهیل‌گری جریان مالی میان نقش‌آفرینان در بازار، اعم از تولیدکننده، مصرف‌کننده و بازیافت‌کننده است.

همچنین، این چارچوب‌ها برای کالاهایی مشخص، مانند انواع بسته‌بندی‌های پلاستیکی تدوین می‌شوند که در آنها هزینه مدیریت پسماند، در چارچوب نظام مسئولیت تولیدکننده‌ی هر کالا با کالای دیگر متفاوت است و از ماهیت کالا، فرآیند بازیافت یا دفع، هزینه‌های جمع‌آوری، ردپای محیط‌زیستی و... تبعیت می‌کند. گفتنی است برقراری چنین نظام‌هایی برای تمامی کالاها، باعث سنگینی و تورم سیستم اجرایی شده و عملاً چارچوب EPR را از دقت، کارآمدی و اثربخشی خارج می‌کند.

از اولین چارچوب‌های EPR در جهان می‌توان به چارچوب REPA^{۲۱} اشاره کرد که در انتهای دهه‌ی ۸۰ از کشور سوئد آغاز شد و در پی آن، چارچوب Green-Dot^{۲۲} در آلمان شکل گرفت. امروزه بیش از ۴۰۰ چارچوب سیاستی EPR در سطح جهان وجود دارد که بیش از ۷۰٪ آنها از سال ۲۰۰۱ به بعد تدوین گردیده‌اند.



شکل ۶ - علامت شبکه Green-Dot در آلمان

¹⁹ Secondary Raw Material

²⁰ Primary Producer

²¹ Reparegistret

^{۲۲} سیستم Green-Dot یا Der Grüne Punkt شبکه‌ای است که توسط صنایع بخش خصوصی آلمان تأمین مالی شده و در ابتدای دهه‌ی ۹۰ میلادی با اسم سیستم دوگانه‌ی آلمان (DSD یا Duales System Deutschland) معرفی گردید و موفقیت آن باعث گردید سیستم‌هایی با منطق مشابه در سراسر اروپا راه‌اندازی شوند. طراحی این سیستم بر این مبناست که شرکت‌هایی که محصول آنها نیاز به بسته‌بندی دارند، نسبت به مدیریت پسماندهای مرتبط با بسته‌بندی‌های خود مسئول بوده که یا رأساً یا از طریق شخص ذی‌صلاح اقدام نمایند و با عضویت در این شبکه بر بسته‌بندی خود، علامت Green-Dot را درج نمایند. مصرف‌کنندگان نیز با مشاهده این علامت روی بسته‌بندی، آنرا به اشخاص خاص یا مخازن خاص دارای علامت در مکان‌های عمومی تحویل دهند.

این سیستم توسط بخش خصوصی تأمین مالی شده که میزان پرداختی هر شرکت برای حق عضویت و گواهی Green-Dot بسته به ناحیه و جنس بسته‌بندی متفاوت است.

در ایران نیز مقرراتی شبیه به چارچوب‌های EPR، به ترتیب در ماده ۱۲ آیین‌نامه اجرایی قانون مدیریت پسماندها^{۳۳} و در ماده ۶ قانون کمک به ساماندهی پسماندهای عادی با مشارکت بخش غیردولتی^{۳۴} تصویب گردیده‌است. علت آنکه چنین مقرراتی یک‌بار در آیین‌نامه قانون و بار دیگر با ۱۵ سال فاصله زمانی در قانون مصوب گردیده‌اند، این بوده که ماده ۱۲ آیین‌نامه اجرایی قانون مدیریت پسماندها فی‌نفسه با اصل ۵۱ قانون اساسی، عبارت از «هیچ نوع مالیات وضع نمی‌شود مگر به موجب قانون» در تعارض بوده‌است و تنها در برخی سال‌ها بر مبنای قوانین بودجه سنواتی و به صورت محدود اجرایی شده‌است. بنابراین، ماده ۶ قانون کمک به ساماندهی پسماندها تصویب شد تا چارچوب EPR در کشور اجرایی شود، هر چند که این ماده از قانون نیز دارای نارسایی‌های بسیاری در منطق، متن و نحوه اجراء است که اصلاً آنرا به چیزی جدا و کاملاً متفاوت از چارچوب‌های EPR بدل می‌سازد. مهم‌ترین مسائل مترتب بر مواد یادشده عبارتند از:

۱. همانطور که پیش‌تر بیان شد، پیاده‌سازی چارچوب‌هایی مانند EPR، در اقتصادهای غیررقابتی مثل ایران، صرفاً و تنها موجب بالا رفتن قیمت تمام‌شده محصول برای مصرف‌کنندگان و تحمیل اثر تورمی به جامعه از بالادست به پایین دست اقتصاد می‌گردد.
۲. گرچه در ماده ۱۲ آیین‌نامه، منطق محدودسازی کالاهای مشمول چارچوب EPR تا حدی رعایت شده‌است، هزینه‌ی مدیریت پسماند برای تمام کالاهای هزینه‌بازیافتی معادل نیم‌درهزار ارزش کالا در نظر گرفته‌شده که این امر با تبعیت هزینه‌بازیافت با ماهیت کالا و روش‌های مدیریت پسماند در تضاد قرار دارد. مثلاً در کشور ایتالیا، ۱۸ درصد از قیمت یک قوطی روغن موتور، هزینه‌ی بازیافت آن است. در ماده ۶ قانون شرایط به مراتب بغرنج‌تر می‌گردد، از این جهت که این ماده اصلاً دلالت بر EPR به عنوان یک نظام ودیعه‌گذاری برای افزایش رقابت‌پذیری در فضای کسب‌وکار ندارد، بلکه EPR را به ابزاری برای مالیات‌ستانی و تأمین منابع مالی برای وزارت کشور نموده‌است تا از محل آن تأسیسات تبدیل پسماند به مواد و انرژی ایجاد کند. بر همین مبنا، اساساً نه‌تنها منطق این ماده هیچ نسبتی با EPR ندارد، بلکه با افزایش دخالت دولت در بازار، خود امکان اجرای انواع سیاست‌های مبتنی بر بازار را در فضای اقتصادی کشور ناممکن‌تر از پیش می‌سازد. از نقطه‌نظر فنی نیز، دامنه شمول این ماده صرفاً کالاهایی است که تمام یا بخشی از آنها قابل بازیافت است. حال آنکه برای کالاهای بازیافت‌ناپذیر که مخاطرات بیشتری برای محیط‌زیست دارند، هیچ‌گونه تمهیدی در آن اندیشیده نشده‌است. گفتنی است متن اولیه این ماده در لایحه مصوب دولت مشابه متن ماده ۱۲ آیین‌نامه بود، اما آن متن در هنگام قرائت در صحن مجلس در جلسه علنی روز ۳۱ تیرماه ۱۳۹۸ به متن کنونی تغییر یافت و گرچه مورد اعتراض برخی نمایندگان قرار گرفت، در نهایت به شکل کنونی تصویب گردید. [11]

^{۳۳} ماده ۱۲ آیین‌نامه اجرایی قانون مدیریت پسماندها (مصوب سال ۱۳۸۴) - تولیدکنندگان و واردکنندگان اقلام مشروح زیر باید پسماند حاصل از کالاهای خود را بازیافت نمایند. در صورتی که نتوانند به این امر اقدام نمایند، باید برابر نیم در هزار ارزش کالا را همزمان با فروش و یا ورود، به صندوق [ملی محیط‌زیست] پرداخت نمایند. صندوق باید به نسبت بازیافت پسماند حاصل از هر یک از اقلام مزبور، مبالغ دریافتی را در اختیار واحدهای بازیافت‌کننده آن قلم از پسماند قرار دهد. متخلفین به مجازات‌های تعیین شده در ماده (۱۶) قانون محکوم خواهند شد.

۱. مواد پلیمری از قبیل پلاستیک‌ها، PEP و لاستیک
۲. کالاهای شیشه‌ای، کریستال
۳. اشیای ساخته شده از فلزات ساده و آلیاژی
۴. اشیای ساخته شده از چوب و نئوپان
۵. کالاهای ساخته شده از کاغذ و مقوا
۶. انواع روغنهای روانکار
۷. کالاهایی که حداقل از دو جزء شیشه، فلز، پلیمر، سلولز تشکیل شوند.
۸. لوازم برقی و الکترونیکی
۹. انواع مصالح ساختمانی از نوع کانی‌های غیر فلزی

^{۳۴} ماده ۶ قانون کمک به ساماندهی پسماندهای عادی با مشارکت بخش غیردولتی (مصوب سال ۱۳۹۹) - تولیدکنندگان و واردکنندگان مواد اولیه، قطعات و کالاهایی که تمام یا قسمتی از آنها قابل بازیافت است، موظف به بازیافت پسماند حاصل از مواد و کالاهای خود هستند، در غیر این صورت موظفند یک‌درهزار ارزش کالای خود را در ابتدای زنجیره از طریق وزارت امور اقتصادی و دارایی به حساب متمرکز وجوه وزارت کشور نزد خزانه داری کل کشور واریز کنند. منابع وصولی در اختیار وزارت کشور قرار می‌گیرد تا پس از مبادله موافقتنامه با سازمان برنامه و بودجه کشور برای بازیافت پسماندهای حاصل از کالاهای مزبور (ایجاد تأسیسات منطقه‌ای تبدیل پسماند به مواد و انرژی) با اولویت مشارکت بخش خصوصی و با نظارت سازمان حفاظت محیط‌زیست مصرف شود.

در نتیجه می‌توان چنین گفت که در ایران، سیاست‌گذاری و حکمرانی کلان نظام مدیریت پسماندها تحت تأثیر کلیت نظام سیاست‌گذاری و حکمرانی کلان کشور، تا حد زیادی بر روش سنتی و دستوری با دخالت، نفوذ و عاملیت نهاد حاکمیت استوار است و در آن جایگاه چندانی بر مشارکت شهروندان بر پایه احترام به حقوق مالکیت و مشارکت بخش خصوصی بر پایه افزایش رقابت‌پذیری و افزایش شاخص‌های آزادی فضای کسب‌وکار قابل تصور نیست. در عین حال نیز، ابزارهایی مانند چارچوب‌های EPR که با هدف کارآمدسازی سیستم مدیریت پسماندها طراحی می‌گردند، در طول مسیر به کارگیری، تغییر ماهیت داده و تبدیل به مالیات و درآمد دولت می‌شوند.

۲،۳،۳،۳. خصوصی‌سازی شهرداری‌ها و رشد جریان‌های زباله‌گردی

سال‌های آغازین دهه هفتاد و پس از پایان جنگ تحمیلی، سال‌های رشد فرآیند خصوصی‌سازی در ایران بود. این فرآیند که بر اساس نسخه‌های بانک جهانی در کشورها پیاده‌سازی می‌شد، بر این مبنا بود که با تغییر شیوه‌های هماهنگی از هماهنگی بروکراتیک به هماهنگی مبتنی بر بازار، وظایف اجرایی دولت به بخش خصوصی برون‌سپاری گردیده، دولت به جای تصدی‌گری به تنظیم‌گری پرداخته و با کوچک‌تر شدن دولت، هزینه‌های اداره کشور کاهش و کیفیت اجرای فرآیندها افزایش یابد.

این‌ها همه در حالی رخ داد که بر پایه نظریه حکمرانی خوب، کوچک‌سازی دولت نقطه شروع اصلاحات اقتصادی نبوده و در شرایطی که آزادی‌های سیاسی و حاکمیت قانون به رسمیت شناخته نمی‌شود، خصوصی‌سازی و آزادسازی قیمت‌ها نمی‌تواند به پیدایش اقتصاد بازار بینجامد. به عبارتی، در فقدان حکمرانی خوب، مافیا بازار را قبضه می‌کند. [12]

یکی از نمودها و آثار مشهود اجرای سیاست‌های مرتبط با خصوصی‌سازی بدون توجه به پیش‌نیازهای این سیاست‌ها، امروزه در ارتباط نهاد شهرداری در کلانشهرهای ایران، به عنوان یک نهاد عمومی با امور «خدمت‌رسانی» و «سودمحوری» مشاهده می‌گردد. اینگونه که در دهه هفتاد، وظایف شهرداری‌ها با شدت و سرعت در ردیف برون‌سپاری به بخش خصوصی قرار گرفت که یکی از این وظایف پیمانکاری جمع‌آوری پسماند مناطق شهری بود. اما از آنجا که در آن مقطع زمانی، تنها بخشی از جامعه که توان، تجربه و تقاضای ورود به این بازار را داشتند قشر نمکی‌های قدیم تهران بودند، به اخذ پیمانکاری مناطق اقدام نموده و عملاً قشری سنتی، تا حد زیادی غیررسمی و از طبقه‌ای خاص از جامعه، تبدیل به شرکت‌های پیمانکار جمع‌آوری پسماند شهری شدند. این روند تا آنجا ادامه یافت که تا سال ۱۳۷۷، کل مناطق ۲۲ گانه شهر تهران مشمول قراردادهای پیمانکاری جمع‌آوری پسماند خشک گردید. [13]

گرچه تا سال‌های پایانی دهه هفتاد رقم پیمان جمع‌آوری پسماند مناطق برای شهرداری‌ها چندان جذاب و قابل ملاحظه نبود، اما با بزرگتر شدن روزافزون شهرداری‌ها و افزایش هزینه‌های این نهاد، رفته‌رفته نگرشی به پسماند به مثابه «طلای کثیف» و سرمایه‌ای گرانبها برای شهرداری‌ها شکل گرفت و حتی رقابت میان مدیران این نهاد بر سر بالا بردن کف مزایده‌ها و درآمدزایی برای پسماند ایجاد شد. این ریل‌گذاری ناصحیح و ادامه مسیر برای حدود سه دهه، اکنون به دنبال خود یک موقعیت تعارض منافع با زمینه‌ی قوی برای ایجاد چسبندگی به مسیر را پدید آورده که در آن:

۱. نهاد شهرداری به عنوان یک نهاد عمومی خدماتی، که موظف است در برابر خدمات خود، بهای خدمات دریافت نماید، به پسماند هم به مثابه سرمایه‌ای نگریست که باید درآمد خود از فروش آنرا به حداکثر ممکن رساند. بر همین اساس، این نهاد اولاً تا حد امکان کف مزایده‌ها را برای پیمانکاران مدیریت شهری بالا می‌برد، ثانیاً با تفسیر موسعی از قانون مدیریت پسماندها، هر کالای قابل بازیابی را نیز پسماند دانسته، و حتی اگر این کالاها در اختیار شهروندان باشد، نهاد شهرداری آنرا متعلق به خود می‌داند. [14]^{۲۵}

۲. از آنجا که در ماده ۴ قانون مدیریت پسماندها، قانون‌گذار با تعریف پسماند به عنوان «آنچه از نظر تولیدکننده‌ی آن زائد تلقی می‌شود» آستانه تشخیص و تبدیل کالا به پسماند را به تولیدکننده یا مالک آن سپرده، مالک یک کالای قابل بازیابی که دارای ارزش اقتصادی است، می‌تواند آنرا زائد تلقی نکرده و پس از تفکیک، به مانند سایر کالاها، به خریدار ذی‌صلاح به فروش برساند.

^{۲۵} از متن: الویری، نماینده شورای شهر تهران: «سال گذشته درآمد حاصل از زباله‌ها حدود ۳۰ میلیارد تومان بوده و این درآمد در سال جاری به ۳۰۰ میلیارد تومان می‌رسد! دریافت عوارض و اخذ هزینه‌های خدمات شهری، دو شاهراه اساسی برای تامین منابع مالی شهرداری تهران است و اگر این راه‌ها را مسدود کنیم، شهرداری مجبور می‌شود به راه‌های خلاف روی آورد.»

اما به دلیل آنکه نهاد شهرداری به کالاهای قابل بازیابی به عنوان فرصتی برای خلق درآمد می‌نگرد، عملاً یک موقعیت تعارض منافع میان نهاد شهرداری از یک سو و شهروند فروشنده و بخش خصوصی خریدار از سوی دیگر پدید می‌آید. این موقعیت به این شکل است که اولاً نهاد شهرداری ترجیح می‌دهد تولید پسماند کاهش پیدا نکند، ثانیاً کالاهای قابل بازیابی هم از دید تولیدکننده زائد تلقی شده و بدون تفکیک وارد پسماندها شوند و ثالثاً بخش خصوصی به عنوان یک رقیب بالقوه وارد بازار رقابت نشود.

۳. در غیاب امکان فعالیت رسمی متقاضیان خدمات جمع‌آوری و بلا توجیه بودن تفکیک از مبدأ توسط شهروندان، کالاهای قابل بازیابی وارد سطل‌های زباله در معابر شده و جریان‌های غیررسمی زباله‌گرد، این کالاها را از سطل‌ها جمع‌آوری نموده و با شبکه‌سازی‌های گسترده خود به بخش غیرقابل‌رصد در اقتصاد کشور تبدیل می‌شوند. همچنین با توجه به سابقه و خاستگاه پیمانکاران از یک سو و افزایش مداوم و سالیانه کف مزایادات پیمانکاری مدیریت پسماند مناطق شهری، اصولاً تمایل ایشان به فعالیت رسمی هم تمایل چندان پرننگی نباشد.

موارد فوق در کنار یکدیگر زمینه‌ای مساعد برای رشد روزافزون فساد، اخلال در رقابت، فعالیت اقتصادی غیرشفاف و در یک کلام حکمرانی بد فراهم آورده که دارای شبکه‌هایی منسجم با گردش‌های مالی بالا و غیر قابل رصد است. گواه ارتباط تنگاتنگ موارد فوق، اعتراف برخی مسئولان نهادهای حاکمیتی به آن است که باندهای مافیایی و تبهکار گاه با بدنه‌ی شهرداری‌ها در ارتباط بوده و شهرداری مافیای پسماند را می‌شناسد. [15] ۲۶

در همین حال، در بخش تقاضا برای کالاهای قابل بازیابی که صنایع بازیافت قرار دارند، شرایط به گونه‌ای است که انحصار جمع‌آوری‌کنندگان در بخش عرضه، دست‌به‌دست شدن مواد قابل بازیابی در شبکه‌های سوداگری، افزوده شدن سود دلالتی بر آن در هر معامله و فعالیت غیرشفاف تأمین‌کنندگان، گاه قیمت مواد قابل بازیابی را تا حدی بالا می‌برد که بازیافت آن در واحدهای صنعتی مجاز و تحت نظارت مقررات و تابع استانداردهای کیفی، فاقد توجیه اقتصادی می‌شود.

پس وقتی بازیافت در واحدهای رسمی و تحت پوشش مقررات کشور و تابع استانداردهای بهداشتی، محیط‌زیستی و قوانین کار و ایمنی و بهداشت محیط کار فاقد توجیه اقتصادی باشد، یقیناً این امر در واحدهای فاقد مجوز (زیرپله‌ای) صورت می‌گیرد که هزینه تمام‌شده فعالیت آنها به مراتب از واحدهای مجاز کمتر است. هرچند فعالیت این بنگاه‌ها به دور از هر گونه نظارت و شفافیتی، سبب گردیده که بدون توجه و تعهد به قوانین کشوری، گاه و بیگاه اخبار دردناک و تکان‌دهنده‌ای از به کارگیری مهاجران افغان یا کودکان کار در خشن‌ترین شرایط و محیط‌های کاری بدون رعایت حداقل حقوق انسانی را شاهد باشیم.

۲.۴. یافته‌ها

بر مبنای آنچه در این فصل ارائه شد:

۱. حکمرانی، فرآیند تصمیم‌گیری است و فرآیندی است که تصمیم‌ها در آن اجرا می‌شوند. حکمرانی خوب روشی از حکمرانی است که با اجرای سیاست‌های اقتصادی بر پایه‌ی شاخص‌های هشت‌گانه‌ی مشارکت، شفافیت، پاسخگویی (مسئولیت‌پذیری)، انعطاف‌پذیری، بهره‌وری (کارآمد و اثربخش)، قانون‌محوری، وفاق‌محوری و برابری (عدالت)، می‌تواند در سایه‌ی عدالت اجتماعی زمینه‌ی دستیابی به توسعه‌ی پایدار در کشورها را فراهم نماید.
۲. در نگرش نهادگرایانه به جامعه و تقسیم آن به سه نهاد اصلی شهروندان، حاکمیت و بازار، نسبت حکمرانی خوب با هر یک از نهادهای اجتماعی یادشده به ترتیب در قالب مردم‌سالاری، قانون‌مداری و بهره‌وری پدیدار می‌گردد. بر همین مبنا، در پیاده‌سازی حکمرانی خوب در سیاست‌گذاری کلان اقتصادی، فرآیندی حائز بهره‌وری است که از کیفیت، کارآمدی (مقرون‌به‌صرفه‌بودن) و شفافیت متقابل میان نقش‌آفرینان نهاد حاکمیت، شهروندان و بازار به‌رمنند باشد.

^{۲۶} از متن: سیاوشی، نماینده مردم تهران، ری، شمیرانات و اسلامشهر در مجلس شورای اسلامی: «شهرداری سرباندها و مافیای زباله را می‌شناسد و در جریان قرار دارد که چه افرادی در مناطق پایتخت برای جمع‌آوری زباله پمپاژ نیرو می‌کنند.»

۳. اقتصاد علمی است که رفتار انسان را در ارتباط میان اهداف او و منابع محدودی که می‌توانند استفاده‌های دیگری داشته‌باشند، مورد مطالعه قرار می‌دهد. شیوه‌های هماهنگی در تخصیص منابع در اقتصاد کلان کشورها به دو شیوه‌ی اصلی هماهنگی مبتنی بر بازار آزاد (تخصیص منابع بر پایه‌ی عرضه و تقاضا و یا لیبرالیسم) و هماهنگی بروکراتیک (تخصیص منابع بر پایه‌ی تمرکز و بازتوزیع و یا سوسیالیسم) تقسیم می‌شوند.
۳. اقتصاد از مسیر شیوه‌های هماهنگی در مناسبات اجتماعی تنیده شده و بازار به عنوان یک نهاد اجتماعی، بر امر شکل‌گیری و یکپارچگی جوامع اثر می‌گذارد. از این منظر، نقش اقتصاد در جامعه به مانند چسبی است که ارتباط و بده‌بستان‌های میان حاکمیت، شهروندان و بازار را شکل می‌دهد و حتی به واسطه‌ی شیوه‌های مختلف هماهنگی این ارتباط متقابلاً جهت‌دهی و راهبری می‌گردد. بر همین اساس، نقش اقتصاد در جهت‌دهی به حکمرانی کلان محیط‌زیست نیز نقشی بسیار پررنگ گردیده و امروزه عملاً دو رویکرد اصلی در حکمرانی کلان محیط‌زیست نیز خود تابعی از شیوه‌های هماهنگی اقتصادی در جوامع هستند. این دو رویکرد در سیاست‌گذاری کلان محیط‌زیست عبارتند از رویکردهای دستوری و رویکردهای مبتنی بر بازار.
۴. رویکردهای دستوری در سیاست‌گذاری و حکمرانی کلان محیط‌زیست اصولاً در اقتصادهای مبتنی بر هماهنگی بروکراتیک، بر مبنای تمرکزگرایی، وضع مقررات، الزامات و نظارت بر آنها پیکربندی می‌گردد. بنابراین بهره‌وری این روش‌ها، نسبت مستقیم و بستگی تنگاتنگی با شیب هرم قدرت، گستره نفوذ سیستم بروکراتیک، تمرکز اختیارات، خصلت اقتدارگرایی نظام حاکمیت و حتی تضمین اجرای الزامات با بهره‌گیری از سوبه‌های قهری و سلبی قدرت در اداره جامعه دارد.
۵. رویکردهای مبتنی بر بازار در سیاست‌گذاری و حکمرانی کلان محیط‌زیست اصولاً در اقتصادهای مبتنی بر نظام بازار آزاد، بر مبنای مشارکت‌محوری، نهادگرایی، کاهش دخالت‌های حاکمیت در اداره جامعه و آزادسازی اقتصاد پیکربندی گردیده که در آنها نقش حاکمیت از تصدی‌گر یا مجری، به تنظیم‌گر روابط در جامعه تغییر می‌یابد.
۶. بر مبنای ارزیابی‌های سالیانه بنیاد هریتج، شاخص آزادی اقتصاد ایران در سال ۲۰۲۳ برابر با عدد ۴۲ از ۱۰۰ و معادل با شرایط «سرکوب‌شده» بوده و ایران در میان ۱۸۰ کشور، رتبه ۱۶۹ را به خود اختصاص داده‌است. این در حالی است که عدد میانگین این شاخص در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا برابر با ۵۷ و در جهان برابر با ۶۰ است. بر اساس این گزارش، بزرگترین ریشه‌های سرکوب اقتصاد در ایران عبارتند از ضعف در حاکمیت قانون، عدم احترام به حقوق مالکیت، تورم فزاینده، رقابت‌ناپذیری و بی‌ثباتی فضای کسب‌وکار ناشی از حکمرانی دستوری، محدودیت‌های تجارت بین‌الملل ناشی از تحریم‌ها و عدم امکان دسترسی به شبکه‌ی بانکی بین‌المللی. این در حالی است که مهم‌ترین پیش‌نیاز حرکت از رویکردهای حکمرانی دستوری محیط‌زیست به حکمرانی مبتنی بر بازار در جوامع، تبعیت نظام اقتصادی جوامع از قواعد بازار آزاد بر مبنای دو رکن اصلی احترام به حقوق مالکیت شهروندان و افزایش رقابت‌پذیری بخش خصوصی در بازار است.
۷. بر اساس آنچه در کشور ایران از پیکربندی نظام اقتصادی که سهم حاکمیت از آن چیزی بالغ بر ۷۰ الی ۸۵ درصد است و دستگاه بروکراسی دخالت و نفوذ بسیار بالایی در تصمیم‌گیری، اجرا و نظارت در اقتصاد دارد؛ تا نیم‌قرن تورم دو رقمی، تا انباشت قوانین و الزامات، تا بی‌ثباتی و ریسک بالای فضای کسب‌وکار، تا ابعاد غول‌آسای دستگاه بروکراتیک، می‌توان چنین ادعا نمود که حکمرانی محیط‌زیست در ایران عمدتاً مبتنی بر رویکردهای حکمرانی دستوری است، هر چند که نظام بروکراتیک در برخی از موارد تلاش به بهره‌گیری از رویکردهای مبتنی بر بازار هم داشته‌است. هر چند که اساساً در چنین شرایطی امکان پیاده‌سازی سیاست‌های مبتنی بر بازار، امکانی بسیار کم‌رنگ و حتی ناشدنی است و تجربه‌ی کشور در حکمرانی کلان محیط‌زیستی نیز همین را نشان می‌دهد.
۸. از مهم‌ترین تجربیات ناموفق ایران در بهره‌گیری از رویکردهای مبتنی بر بازار در حکمرانی محیط‌زیست که به بیراهه رفته و حتی در قالب ایجاد موقعیت‌های تعارض منافع و فشار تورمی به ضد اهداف اولیه‌ی خود تبدیل شده‌اند، می‌توان به نظام مالیات بر آلاینده‌ی در ماده ۲۷ قانون مالیات بر ارزش افزوده (عوارض سبز)، نظام ودیعه‌گذاری یا امتداد مسئولیت تولیدکننده در ماده ۶ قانون کمک به ساماندهی پسماندهای عادی و خصوصی‌سازی شهرداری‌ها و رشد شبکه‌های زباله‌گردی در ایران اشاره کرد.

فصل ۳: صندوق‌های تأمین مالی حاکمیتی در ایران و صندوق ملی محیط‌زیست

در ایران، صندوق‌های تأمین مالی بسیاری توسط نهاد حاکمیت چه پیش از انقلاب اسلامی و چه پس از آن با مصوبه مجلس یا هیئت‌وزیران با اهداف و مأموریت‌های متفاوت تأسیس گردیده‌اند. فهرست این صندوق‌ها بر مبنای نهاد تصویب‌کننده اساسنامه و تاریخ تأسیس آنها و بر اساس داده‌های سایت مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی معرفی گردیده تا بر اساس آنها مستعدترین صندوق‌ها به منظور تأمین مالی پروژه‌های مرتبط با مدیریت یکپارچه‌ی پسماندهای صنعتی شناسایی شود. [16]

۳.۱. صندوق‌های تأمین مالی در نهاد حاکمیت

قوانین و مقررات حاکم بر ایجاد صندوق‌های تأمین مالی در نهاد حاکمیت بر اساس تصویب مجلس شورای اسلامی پس از انقلاب و مجلس شورای ملی پیش از انقلاب به ترتیب تاریخ عبارتند از:

۱. قانون تأسیس صندوق بیمه همگانی حوادث طبیعی (سال ۱۳۹۹)
 ۲. قانون تأسیس صندوق ضمانت سرمایه‌گذاری صنایع کوچک (سال ۱۳۸۳)
 ۳. قانون برنامه سوم توسعه و حساب ذخیره ارزی (سال ۱۳۷۹) که امروزه به نام صندوق توسعه ملی شناخته می‌شود.
 ۴. قانون ایجاد صندوق ذخیره بسیجیان (سال ۱۳۷۶)
 ۵. قانون تأسیس صندوق حمایت از تحقیقات و توسعه صنایع الکترونیک (سال ۱۳۷۵)
 ۶. قانون تشکیل صندوق حمایت و کلا و کارگشایان دادگستری (سال ۱۳۷۵)
 ۷. قانون صندوق رفاه دانشجویان (سال ۱۳۷۱)
 ۸. قانون ایجاد و نگهداری صندوق بازنشستگی کادر انتظامی سازمان پلیس قضایی (سال ۱۳۶۲)
 ۹. قانون موافقتنامه تأسیس صندوق بین‌المللی توسعه کشاورزی (سال ۱۳۵۶)
 ۱۰. قانون تشکیل صندوق مشترک شهرداری‌ها (سال ۱۳۵۳) که این صندوق با مصوبه سال ۱۳۶۲ مجلس، منحل گردیده‌است.
 ۱۱. قانون تشکیل صندوق پس‌انداز مستخدمان رسمی کشوری (سال ۱۳۵۳)
 ۱۲. قانون تشکیل صندوق امداد روستاییان (سال ۱۳۵۳)
 ۱۳. قانون تأسیس صندوق حمایت مصرف‌کننده (سال ۱۳۵۳)
 ۱۴. اساسنامه صندوق ضمانت صادرات ایران (سال ۱۳۵۲)
 ۱۵. قانون تأسیس صندوق توسعه کشاورزی ایران (سال ۱۳۴۵)
- همچنین مصوبات هیات وزیران در ارتباط با تشکیل صندوق‌ها عبارتند از:
۱. اساسنامه صندوق ملی مسکن (سال ۱۴۰۱)
 ۲. اساسنامه صندوق بیماری‌های خاص و صعب‌العلاج (سال ۱۴۰۱)
 ۳. اساسنامه صندوق توسعه صنایع دستی و فرش دستباف و احیا و بهره‌برداری از اماکن تاریخی و فرهنگی (سال ۱۴۰۱)
 ۴. اساسنامه صندوق بیمه حوادث طبیعی ساختمان (سال ۱۴۰۰)
 ۵. اساسنامه صندوق حمایت از فرصت‌های شغلی افراد دارای معلولیت تحت پوشش سازمان بهزیستی کشور (سال ۱۳۹۹)
 ۶. اساسنامه صندوق حمایت و بازنشستگی آینده‌ساز (سال ۱۳۹۸)
 ۷. اساسنامه صندوق توسعه حمل و نقل کشور (سال ۱۳۹۸)
 ۸. اساسنامه صندوق حمایت از تحقیقات و توسعه صنایع پیشرفته (سال ۱۳۹۸)
 ۹. اساسنامه صندوق تأمین خسارت‌های بدنی (سال ۱۳۹۷)
 ۱۰. اساسنامه صندوق کارآفرینی امید (سال ۱۳۹۶) که پیش‌تر با نام صندوق اشتغال، ازدواج و مسکن مهر امام رضا (ع) و مصوبه شورای عالی اداری (سال ۱۳۸۵) تأسیس گردیده‌بود.

۱۱. اساسنامه صندوق حمایت از توسعه مدارس غیردولتی (سال ۱۳۹۶)
۱۲. اساسنامه صندوق تثبیت بازار سرمایه (سال ۱۳۹۴)
۱۳. اساسنامه صندوق اشتغال و کارآفرینی ایثارگران (سال ۱۳۹۴)
۱۴. اساسنامه صندوق ملی محیط‌زیست (سال ۱۳۹۳)
۱۵. اساسنامه صندوق سرمایه‌گذاری طرح حرمین مطهر (سال ۱۳۹۲)
۱۶. اساسنامه صندوق نوآوری و شکوفایی (سال ۱۳۹۱)
۱۷. اساسنامه صندوق ضمانت سپرده‌ها (سال ۱۳۹۰)
۱۸. اساسنامه صندوق تأمین اجتماعی (سال ۱۳۸۹)
۱۹. اساسنامه صندوق توسعه صنایع دریایی (سال ۱۳۸۸)
۲۰. اساسنامه صندوق بازنشستگی کشوری (سال ۱۳۸۷)
۲۱. اساسنامه صندوق بیمه خدمات درمانی (سال ۱۳۸۷)
۲۲. اساسنامه صندوق ضمانت سرمایه‌گذاری صنایع کوچک (سال ۱۳۸۴)
۲۳. اساسنامه صندوق حمایت از نویسندگان و هنرمندان (سال ۱۳۸۲)
۲۴. اساسنامه صندوق حمایت از تحقیقات و توسعه صنایع الکترونیک (سال ۱۳۸۲)
۲۵. اساسنامه صندوق حمایت از توسعه سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی (سال ۱۳۸۲)
۲۶. اساسنامه صندوق حمایت از قهرمانان و پیشکسوتان ورزش (سال ۱۳۸۲)
۲۷. اساسنامه صندوق بیمه سرمایه‌گذاری فعالیت‌های معدنی (سال ۱۳۸۰)
۲۸. اساسنامه صندوق رفاه دانشجویان (سال ۱۳۷۳)
۲۹. اساسنامه صندوق حمایت از فرصت‌های شغلی (سال ۱۳۷۰)
۳۰. اساسنامه صندوق ضمانت سرمایه‌گذاری تعاون (سال ۱۳۶۸)

۳,۲ صندوق‌های مستعد به منظور اعطای تسهیلات مدیریت یکپارچه‌ی پسماندهای صنعتی

۳,۲,۱. غربال‌گری یکم بر اساس عنوان صندوق‌ها

بر اساس عنوان صندوق‌های تأمین‌های مالی در ایران، به نظر می‌رسد صندوق‌های زیر ماهیت صنعتی یا محیط‌زیستی داشته و برای اعطای تسهیلات حمایتی مدیریت یکپارچه‌ی پسماندها به واحدهای صنعتی مستعدتر باشند:

۱. صندوق حمایت از تحقیقات و توسعه صنایع پیشرفته (سال ۱۳۹۸)
۲. صندوق کارآفرینی امید (سال ۱۳۹۶)
۳. صندوق ملی محیط‌زیست (سال ۱۳۹۳)
۴. صندوق نوآوری و شکوفایی (سال ۱۳۹۱)
۵. صندوق ضمانت سرمایه‌گذاری صنایع کوچک (سال ۱۳۸۴)
۶. صندوق توسعه ملی (سال ۱۳۷۹)

۳,۲,۲. غربال‌گری دوم بر اساس اساسنامه، مستندات و عملکرد صندوق‌ها

بر اساس مطالعه‌ی اساسنامه صندوق‌های مستعد ارائه‌شده با تأکید بر بخش اهداف و مأموریت‌ها، در این بخش صندوق‌هایی که برای اعطای تسهیلات حمایتی مدیریت یکپارچه‌ی پسماندها به واحدهای صنعتی موضوعیت داشته‌باشند غربال‌گری می‌گردد و نهادهای تصمیم‌گیر در هیئت‌مدیره آن مطالعه می‌شود.

۳,۲,۲,۱. صندوق حمایت از تحقیقات و توسعه صنایع پیشرفته

صندوق حمایت از تحقیقات و توسعه صنایع پیشرفته، صندوقی وابسته به وزارت صنعت، معدن و تجارت است که موضوع فعالیت آن عبارت است از خدمات کارشناسی و حمایت مالی و اعتباری از تحقیقات و توسعه صنایع پیشرفته توسط اشخاص حقیقی یا حقوقی در بخش خصوصی و تعاونی. این حمایت به صورت اعطای تسهیلات با نرخ ترجیحی، سرمایه‌گذاری خطرپذیر غیرمستقیم، بیمه‌های تخصصی از طریق شرکت‌ها و مؤسسات بیمه‌ای مربوطه، کمک‌های بلاعوض، پرداخت یارانه سود تسهیلات و صدور ضمانت‌نامه در زمینه‌های تخصصی زیر صورت می‌پذیرد:

۱. خرید، انتقال، جذب و توسعه فناوری‌های پیشرفته و خدمات مربوط به آنها
۲. مطالعه و تحقیقات کاربردی و توسعه‌ای
۳. خدمات مهندسی و طراحی
۴. سرمایه‌گذاری خطرپذیر
۵. نمونه‌سازی (آزمایشگاهی، نیمه‌صنعتی و صنعتی)
۶. تولید نیمه‌صنعتی، صنعتی و انبوه
۷. ارائه خدمات تخصصی، نصب و راه‌اندازی، کاروری (اپراتوری)، پشتیبانی و نگهداری
۸. شرکت در نمایشگاه‌ها، بازاریابی، همکاری‌های فنی و اقتصادی بین‌المللی و ارتقای صادرات و خدمات مرتبط
۹. برگزاری و شرکت در همایش‌ها، رویدادها، مسابقات و جشنواره‌ها
۱۰. آموزش، اطلاع‌رسانی، تدوین، انباشت و اشاعه دانش فنی
۱۱. جذب سرمایه‌گذاری خارجی
۱۲. اخذ عاملیت مالی و مشارکت کارگزاری در راستای اهداف صندوق

سرفصل صنایع پیشرفته موضوع اساسنامه نیز شامل موارد زیر است:

۱. فناوری‌های زیستی: انواع محصولات دارویی پیشرفته و مجموعه ابزارها (کیت‌های تشخیص، مکمل‌های غذایی، زیست‌بسپارها (بیوپلیمرها)، واکنش‌گاه‌ها (راکتورها)ی زیستی، تراشه‌های فناوری زیستی (بیو فناوری)، تولید انواع کودهای زیستی (کودهای بیولوژیک) و زی‌مایه‌ها (آنزیم‌ها)
۲. فناوری نانو (محصولات و مواد)
۳. برق، الکترونیک، لیزر و فوتونیک (مواد، قطعات و سامانه‌ها)
۴. مواد پیشرفته فلزات و محصولات مبتنی بر فناوری‌های شیمیایی
۵. الکترونیک و واپایش (کنترل): ریزالکترونیک (میکرو الکترونیک)، مدارها، سخت‌افزار رایانه و سامانه‌ها
۶. فناوری اطلاعات و ارتباطات و نرم‌افزارهای رایانه‌ای
۷. خودکارسازی (اتوماسیون) پیشرفته و سامانه‌های هوشمند
۸. تجهیزات پیشرفته ساخت، تولید و آزمایشگاهی
۹. تجهیزات پزشکی پیشرفته
۱۰. هوافضا: پرنده‌ها و ماهواره‌های غیرنظامی
۱۱. انرژی‌های نو و تجدیدپذیر
۱۲. محصولات پیشرفته سایر بخش‌ها
۱۳. سایر صنایع پیشرفته نوپدید طبق اعلام وزارت صنعت، معدن و تجارت

سرمایه‌ی ثبتی این صندوق در هنگام تأسیس عبارت از ۱۲۵ میلیارد تومان متعلق به دولت و مجمع عمومی آن متشکل از وزیران صنعت، معدن و تجارت، امور اقتصادی و دارایی، ارتباطات و فناوری اطلاعات، علوم، تحقیقات و فناوری، دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح، نیرو و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و رئیس سازمان برنامه و بودجه کشور بوده‌است که این مجمع، هیئت‌مدیره صندوق را انتخاب می‌نماید. بر اساس موارد فوق، می‌توان چنین نتیجه‌گیری نمود که:

۱. گرچه موضوعات مرتبط با عملکرد محیط‌زیستی صنایع، به طور مستقیم در موضوع فعالیت صندوق حمایت از تحقیقات و توسعه صنایع پیشرفته قرار نمی‌گیرد، اما ارتقاء فناوری‌های یک واحد صنعتی به منظور بهبود عملکرد محیط‌زیستی با بهره‌گیری از فناوری‌های پیشرفته‌ای که این صندوق حمایت می‌کند، می‌تواند موضوعیت داشته‌باشد. هر چند که این صندوق از نظر توان مالی چندان قوی به نظر نمی‌رسد.

۲. سازمان حفاظت محیط‌زیست در ساختار و ترکیب مجمع این صندوق حضور نداشته و این امر بروکراسی مرتبط با ارائه‌ی تسهیلات رفع آلاینده‌ی را اندکی پیچیده می‌نماید.

۳. هیچ نماینده‌ای از نهاد بازار یا بخش خصوصی (اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران، اتاق اصناف ایران و اتاق تعاون ایران) به عنوان تسهیلات‌گیرندگان و از نهاد شهروندان به عنوان مالیات‌دهندگان، در ترکیب مجمع این صندوق حضور نداشته و عملاً نهاد حاکمیتی، آن هم محدود به دستگاه اجرایی در این صندوق برای شناخت فناوری‌های پیشرفته و ارائه تسهیلات به صنایع به‌رمند از آنها تصمیم‌گیری می‌نماید. این در حالی است که اولاً عمر فناوری‌های پیشرفته در جهان امروز به کمتر از ۶ ماه رسیده و تبلور امر پیشرفتگی یک فناوری، در ارائه محصول ارزان‌تر یا باکیفیت‌تر در بازار صورت می‌پذیرد. پس به نظر می‌رسد نیاز باشد ترکیب صندوق در قالبی مشارکتی اصلاح‌گردیده تا ضمن رعایت سه‌جانبه‌گرایی در تصمیم‌گیری‌های مرتبط با آن، فرآیندهای تصمیم‌گیری در آن به شاخص‌های حکمرانی خوب نزدیک‌تر گردد.

سایت این صندوق به آدرس www.airdfh.ir قابل دسترسی است که در آن گزارش‌هایی از اثربخشی عملکرد صندوق در سال‌های ۹۴، ۹۶، ۹۷ و ۹۹ ارائه گردیده‌است. هر چند که این گزارش‌ها بیشتر در قالب مقایسه‌های آماری عملکرد صندوق با سال‌های گذشته‌ی خود بوده و در آنها بهره‌وری صندوق صرفاً در نسبت عملکردی تسهیلات اعطایی به سرمایه در دسترس صندوق دیده شده‌است. [17]

۳.۲.۲. صندوق کارآفرینی امید

صندوق کارآفرینی امید، صندوقی است که ابتدا در سال ۱۳۸۵ با مصوبه شورای عالی اداری و با نام صندوق اشتغال، ازدواج و مسکن مهر امام رضا (ع) تأسیس گردید. این صندوق در سال ۱۳۸۶ با صندوق‌های قرض‌الحسنه توسعه اشتغال روستایی، صندوق اندوخته ازدواج جوانان و صندوق حمایت از فرصت‌های شغلی ادغام گردیده و در سال ۱۳۸۸ به صندوق اشتغال و ازدواج مهر امام رضا (ع) تغییر نام داد و مجدداً در سال ۱۳۹۳ و به دنبال الزام شورای پول و اعتبار به عدم فعالیت موسسات مالی با نام ائمه‌ی اطهار، نام آن به صندوق کارآفرینی امید تغییر کرد. این صندوق در سال ۱۳۹۵ و با مصوبه‌ی هیئت‌وزیران از فهرست شرکت‌های دولتی ملزم به انجام حسابرسی عملیاتی خارج گردیده و اساسنامه‌ی آن در سال ۱۳۹۶ به تصویب هیئت‌وزیران رسید. هرچند که این اساسنامه در سال‌های ۱۳۹۷ دو بار و ۱۴۰۰ دو بار دیگر مورد اصلاح قرار گرفت.

بر اساس آخرین اساسنامه، صندوق کارآفرینی امید یک مؤسسه‌ی عمومی غیردولتی و دارای شخصیت حقوقی و استقلال اداری و مالی است که موضوع فعالیت و حدود عملیات آن شامل موارد زیر است:

۱. تجهیز منابع مالی (به غیر از سپرده‌های مردمی) جهت فعالیت‌های اعتباری، اعطای انواع تسهیلات مالی از طریق بانک‌های عامل، مؤسسات اعتباری و صندوق‌های قرض‌الحسنه مجاز و ارائه خدمات الکترونیکی و نیز کمک مالی به اشخاص حقیقی و حقوقی با اولویت مناطق روستایی و محروم کشور

۲. اعطای تسهیلات به منظور حمایت، توانمندسازی و ساماندهی زنجیره‌های تولید، خوشه‌های کسب و کار، پشتیبانان مشاغل خانگی، خویشتن‌فرمایی و ایجاد و توسعه کسب و کارهای خرد و کوچک و نیز حمایت از طرح‌های کارآفرینی از جمله اجتماعی و دانش‌آموزی

۳. قبول و اعطای عاملیت ارائه خدمات مالی از جمله وجوه اداره‌شده، کمک‌های فنی و اعتباری و یارانه سود تسهیلات در راستای اهداف صندوق در چهارچوب ضوابط و تعهدات مندرج در تفاهم‌نامه‌ها و قراردادهای منعقد

۴. اعطای تسهیلات به صورت شبکه‌سازی و نشان تجاری (نمانام) با مشارکت کلیه سازمان‌ها و ذی‌نفعان و کارآفرینان برای ایجاد اشتغال پایدار

۵. اعطای تسهیلات اشتغال، ازدواج، ساخت، تأمین و تعمیرات مسکن و رفع نیازهای ضروری مانند هزینه های تهیه جهیزیه، درمان بیماری و کمک هزینه های تحصیلی با اولویت مناطق کمتر توسعه یافته و گروه های اجتماعی کم درآمد
 ۶. انجام امور مربوط به جذب منابع پولی به غیر از سپرده های اشخاص حقیقی و حقوقی در چهارچوب قوانین و مقررات موضوعه
 ۷. قبول و انجام وظایف وکالت، وصایت، نظارت، تولیت، نمایندگی و اداره امور مربوط به اموال مشتریان طبق قوانین و مقررات مربوط
 ۸. قبول و جمع آوری کمک های بلاعوض نقدی و هدایای سازمان ها، نهادهای دولتی و عمومی غیردولتی و سایر اشخاص حقیقی و حقوقی در جهت تقویت بنیه ی مالی صندوق
 ۹. تحصیل وام و اعتبار از داخل و خارج از کشور با رعایت قوانین و مقررات مربوط
 ۱۰. انعقاد قرارداد و تأمین منابع مالی مربوط جهت ارائه خدمات فنی، مالی و مشاوره ای، آموزشی و تحقیقاتی و توانمندسازی و بازاریابی در حوزه وظایف اشتغال و کارآفرینی
 ۱۱. ایجاد نظام تأمین مالی خرد به منظور اعطای تسهیلات
 ۱۲. خرید سهام صندوق های خرد محلی، منطقه ای یا محصولی تخصصی یا بانک های موضوعی با رعایت قوانین و مقررات مربوط
 ۱۳. تأسیس، بهره برداری و توسعه مراکز حمایتی نظیر مراکز شتاب دهنده با هدف راهبری تخصصی و ایجاد زنجیره حمایتی هم افزا در راستای اهداف و مأموریت های صندوق
 ۱۴. ایجاد شرکت ها و موسسات وابسته با رعایت قوانین و مقررات مربوط
- سرمایه ی این صندوق در اساسنامه مصوب سال ۱۴۰۰ بالغ بر ۲۳۰۰ میلیارد تومان اعلام شده و هیئت امنای آن متشکل از رئیس جمهور یا نماینده ی وی، رئیس سازمان برنامه و بودجه، سرپرست نهاد ریاست جمهوری و وزرای تعاون، کار و رفاه اجتماعی، جهاد کشاورزی، امور اقتصادی و دارایی، صنعت، معدن و تجارت، ورزش و جوانان و میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی به همراه معاون علمی و فناوری رئیس جمهور است که این هیئت امناء، دو عضو هیئت مدیره صندوق را از میان گزینه های پیشنهادی رئیس جمهوری انتخاب کرده و سه عضو دیگر هیئت مدیره شامل سرپرست نهاد ریاست جمهوری، معاون مربوط معاون اول رئیس جمهوری و یکی از معاونان سازمان برنامه و بودجه هستند.
- بر اساس موارد فوق، می توان چنین نتیجه گیری نمود که دامنه ی فعالیت های صندوق کارآفرینی امید، بیشتر در حوزه ی کارآفرینی در سطح بنگاه های خرد، ایجاد اشتغال و توانمندسازی جوامع موضوعیت می یابد و موضوعات مرتبط با عملکرد محیط زیستی صنایع نسبت چندانی با حوزه ی فعالیت های صندوق کارآفرینی امید ندارد. علاوه بر این نیز حاشیه های مرتبط با این صندوق متأثر از نحوه ی اداره آن در دو دهه ی اخیر و همچنین میزان سرمایه ی آن به حدی است که به نظر نمی رسد اساساً از همکاری فعال اقتصادی با این صندوق نتیجه ی مطلوبی حاصل گردد.

۳.۲.۲.۳. صندوق ملی محیط زیست

صندوق ملی محیط زیست، موسسه ای عمومی غیردولتی و وابسته به سازمان حفاظت محیط زیست است که در سال ۱۳۸۴ و به استناد بند ب ماده ۶۸ قانون برنامه چهارم توسعه ایجاد گردیده تا در جهت کمک به تقلیل آلاینده های محیط زیستی، جلوگیری از تخریب محیط زیست، حفظ و حمایت از محیط زیست و حفاظت، احیا و بهره برداری پایدار از محیط زیست، منابع طبیعی و تنوع زیستی فعالیت نماید. اساسنامه ی اولیه ی این صندوق در سال ۱۳۸۴ توسط هیئت وزیران تصویب گردیده و در سال های ۱۳۸۷، ۱۳۹۲ و ۱۳۹۴ مورد بازبینی قرار گرفته است.

موضوع و حدود فعالیت این صندوق عبارت است از:

۱. تأمین و تجهیز منابع مالی از محل های پیش بینی شده در قانون در جهت تحقق اهداف قانونی تشکیل صندوق
۲. اعطای تسهیلات مالی به کارخانجات، کارگاه ها و به طور کلی هر گونه منابع آلاینده در جهت کاهش آلودگی های محیط زیستی
۳. اعطای تسهیلات مالی برای جلوگیری از تخریب محیط زیست از طریق حفظ، احیا و مدیریت تنوع زیستی (شامل زیستگاه، زیست بوم، گونه و ژن)
۴. حمایت مالی و همکاری در طرح ها و پروژه های محیط زیستی و طرح های گردشگری طبیعی

۵. حمایت مالی و همکاری در طرح های آموزشی و فرهنگ سازی جهت بهبود شرایط محیطیستی

۶. اعطای تسهیلات مالی به مخترعین و محققین محیطیست در جهت گسترش و تکمیل تحقیقات برای تولید انبوه و استفاده عمومی از تجهیزات کنترل و کاهش آلودگی

تأمین اعتبار اولیه این صندوق در سال ۱۳۸۴ با تخصیص مبلغ یک میلیارد تومان و سپس تا مبلغ ۵ میلیارد تومان از قانون بودجه سال ۱۳۹۳ کل کشور صورت گرفته است و در قوانین بودجه‌ی سال‌های آتی به این رقم افزوده شده است. اعضای مجمع عمومی این صندوق عبارتند از رئیس سازمان حفاظت محیطیست، وزیر امور اقتصادی و دارایی، وزیر صنعت، معدن و تجارت، وزیر امور خارجه، وزیر نیرو، وزیر جهاد کشاورزی و رئیس سازمان برنامه و بودجه.

بر اساس موارد فوق، می‌توان چنین نتیجه‌گیری نمود که:

۱. با توجه به دامنه‌ی فعالیت این صندوق، قطعاً صندوق ملی محیطیست مستعدترین صندوق برای اعطای تسهیلات رفع آلاینده‌ی چه در مرحله‌ی ارتقاء فناوری و چه در مرحله کنترل آلاینده‌های تولیدی است؛ هر چند که این صندوق از نقطه نظر توان مالی، فاصله‌ی بسیار زیادی با سایر صندوق‌های تأمین مالی حاکمیتی دارد و منابع آن تقریباً محدود و در گروی دریافت جرائم از محل ماده ۱۲ قانون هوای پاک، ماده ۱۵ قانون حفاظت از خاک و ماده ۴ قانون حفاظت، احیاء و مدیریت تالاب‌ها یا تعریف ردیف بودجه در قوانین بودجه‌ی سنواتی است.
۲. سازمان حفاظت محیطیست در ساختار و ترکیب مجمع این صندوق نقش کلیدی داشته و این امر بروکراسی مرتبط با دریافت تسهیلات را به صورت بالقوه کاهش می‌دهد.
۳. هیچ نماینده‌ای از نهاد بازار یا بخش خصوصی (اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران، اتاق اصناف ایران و اتاق تعاون ایران) به عنوان تسهیلات‌گیرندگان و از نهاد شهروندان به عنوان مالیات‌دهندگان، در ترکیب مجمع این صندوق حضور نداشته و عملاً نهاد حاکمیتی در این صندوق برای اعطای تسهیلات به صنایع تصمیم‌گیری می‌نماید. بر همین اساس به نظر می‌رسد نیاز باشد ترکیب صندوق در قالبی مشارکتی اصلاح گردیده تا ضمن رعایت سه‌جانبه‌گرایی در تصمیم‌گیری‌های مرتبط با آن، فرآیندهای تصمیم‌گیری در آن به شاخص‌های حکمرانی خوب نزدیک‌تر گردد.

سایت این صندوق به آدرس www.irnef.ir قابل دسترسی است که در آن گزارش‌های مرتبط با عملکرد صندوق از سال ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۰ و گزارش خلاصه عملکرد سال ۱۴۰۱ صندوق قابل دسترسی است. شایان ذکر است که گرچه این صندوق از منظر گزارش‌دهی، شرایط نسبتاً بهتری در مقایسه با سایر صندوق‌ها دارد، گزارش‌های آن همچنان از جنس ارائه‌ی آمار است و هیچ کدام به صورت کمی و کیفی به ارزیابی بهره‌وری تسهیلات اعطایی توسط صندوق نمی‌پردازد. [18] [19]

۳.۲.۲.۴. صندوق نوآوری و شکوفایی

صندوق نوآوری و شکوفایی، موسسه‌ی عمومی غیردولتی است که در سال ۱۳۹۱ با مصوبه هیئت‌وزیران و تأیید شورای نگهبان به منظور کمک به تحقق و توسعه اقتصاد دانش بنیان، تکمیل زنجیره ایده تا بازار و تجاری‌سازی نوآوری‌ها، دستاوردهای پژوهشی و اختراعات و کاربردی نمودن دانش از طریق ارایه کمک‌ها و خدمات مالی و پشتیبانی به شرکت‌ها و مؤسسات دانش بنیان تأسیس گردیده و اساسنامه‌ی آن در سال‌های ۱۳۹۱، ۱۳۹۲، ۱۳۹۶ و ۱۴۰۱ مورد بازبینی و اصلاح قرار گرفته است. حمایت‌های مالی این صندوق شامل انواع کمک بلاعوض، یارانه، ارایه تسهیلات، پرداخت تمام یا بخشی از سود تسهیلات و جرایم متعلقه، انواع خدمات ضمانت‌نامه و مشارکت و سرمایه‌گذاری در طرح‌های نوآوری و فناوری با استفاده از سپرده‌گذاری، جذب و هدایت منابع بانک‌ها و مؤسسات اعتباری و صندوق‌ها در راستای اهداف و وظایف و اختیارات صندوق است. موضوع فعالیت این صندوق عبارت است از:

۱. برآورد منابع مالی مورد نیاز و تأمین آن از طریق منابع دولتی، بودجه‌های سنواتی، اخذ کمک، سود سرمایه‌گذاری و کارمزد تسهیلات، درآمد حاصل از سرمایه‌گذاری و سپرده‌گذاری و وجوه مازاد صندوق و سایر منابع در راستای اهداف صندوق
۲. دریافت هرگونه تسهیلات و جلب مشارکت حسب مورد از بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری
۳. بررسی وضعیت مالی و اقتصادی شرکت‌ها و مؤسسه‌های دانش‌بنیان به منظور اعطای تسهیلات

۴. ارایه خدمات مالی و تسهیلاتی به شرکتها و مؤسسات و فعالیتهای دانش‌بنیان به صورت اعطای کمک بلاعوض و یارانه و تسهیلات کوتاه‌مدت و بلندمدت و ارایه خدمات ضمانت‌نامه‌ای به صورت مستقیم و غیرمستقیم
۵. مشارکت و سرمایه‌گذاری ریسک‌پذیر در مراحل تجاری‌سازی طرح‌ها و فعالیتهای دانش‌بنیان به صورت مستقیم و غیرمستقیم و نیز کمک مالی بلاعوض در این مورد
۶. شناسایی و انتخاب شبکه کارگزاری در ارائه خدمات مالی و تسهیلاتی و پشتیبانی صندوق
۷. کمک مالی و حمایت از نهادهای پشتیبان تجاری‌سازی نوآوری و فناوری و فراهم کردن خدمات توانمندسازی شرکتها و مؤسسات دانش‌بنیان
۸. مشارکت در تدوین سیاستها و تعیین اولویتهای و مقررات مرتبط با اهداف صندوق در کشور و کمک به ساماندهی و هم‌افزایی حمایت‌های موجود در کشور
۹. نظارت بر مراحل تخصیص منابع صندوق به شرکتها و مؤسسات و فعالیتهای دانش‌بنیان
۱۰. همکاری با مؤسسات و نهادها و مجامع تخصصی داخلی و خارجی
۱۱. مدیریت بهینه منابع در اختیار به منظور حفظ ارزش سرمایه صندوق
۱۲. انجام هرگونه فعالیت در راستای اهداف صندوق
۱۳. سایر حمایت‌ها و کمک‌های مالی براساس مصوبه هیئت امنا

سرمایه‌ی ثبتي این صندوق در ابتدا ۳۰۰۰ میلیارد تومان از محل صندوق توسعه‌ی ملی تعیین گردیده و هیئت امنای آن شامل رئیس‌جمهور، معاون علمی و فناوری رئیس‌جمهور، وزیر دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح، وزیر علوم، تحقیقات و فناوری، وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات، وزیر امور اقتصادی و دارایی، وزیر صنعت، معدن و تجارت، وزیر جهاد کشاورزی، رئیس‌کل بانک مرکزی و چهار نفر از اعضای کمیسیون‌های آموزش، تحقیقات و فناوری، صنایع و معادن، اقتصاد و کشاورزی، آب، منابع طبیعی و محیط‌زیست به انتخاب مجلس شورای اسلامی به عنوان ناظر هستند. هیئت امنا اعضای هیئت‌عامل صندوق شامل پنج نفر به پیشنهاد رئیس‌جمهوری را انتخاب می‌نمایند.

بر اساس موارد فوق، می‌توان چنین نتیجه‌گیری نمود که:

۱. گرچه صندوق نوآوری و شکوفایی از نظر توان مالی صندوقی قوی است، دامنه‌ی فعالیتهای آن تقریباً در تمامی موارد محدود به کسب‌وکارهای دانش‌بنیان بوده که این امر سبب می‌گردد موضوعات مرتبط با عملکرد محیط‌زیستی صنایع چه در حوزه‌ی ارتقاء فناوری و پیشگیری از تولید آلاینده‌ها و چه در حوزه‌ی کنترل آلاینده‌ها پس از تولید، در صورت عدم گذر از فیلترهای مرتبط با کسب‌وکارهای دانش‌بنیان در معاونت علمی و فناوری ریاست‌جمهوری از محدوده‌ی عملیاتی این صندوق خارج شده و اساساً امکان بهره‌گیری از تسهیلات این صندوق، برای صنایع ناممکن گردد.
۲. سازمان حفاظت محیط‌زیست در ساختار و ترکیب مجمع این صندوق نیز حضور نداشته و این امر بروکراسی مرتبط با ارائه‌ی تسهیلات رفع آلاینده‌گی را پیچیده می‌نماید.
۳. هیچ نماینده‌ای از نهاد بازار یا بخش خصوصی (اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران، اتاق اصناف ایران و اتاق تعاون ایران) به عنوان تسهیلات‌گیرندگان و از نهاد شهروندان به عنوان مالیات‌دهندگان، در ترکیب مجمع این صندوق حضور نداشته و عملاً نهاد حاکمیتی در این صندوق برای شناخت فعالیتهای دانش‌بنیان و ارائه تسهیلات به آنها تصمیم‌گیری می‌نماید. این در حالی است که اولاً عمر فناوری‌های پیشرفته در جهان امروز به کمتر از ۶ ماه رسیده و تبلور دانش‌بنیان بودن یک کسب‌وکار، خود را در ارائه محصول ارزان‌تر یا باکیفیت‌تر در بازار نشان می‌دهد. پس به نظر می‌رسد نیاز باشد ترکیب صندوق در قالبی مشارکتی اصلاح گردیده تا ضمن رعایت سه‌جانبه‌گرایی در تصمیم‌گیری‌های مرتبط با آن، فرآیندهای تصمیم‌گیری در آن به شاخص‌های حکمرانی خوب نزدیک‌تر گردد.

سایت این صندوق به آدرس www.inif.ir قابل دسترسی است که در آن گزارشی از اثربخشی یا کارآمدی عملکرد صندوق در سال‌های فعالیت آن مشاهده نمی‌گردد و صرفاً آمار مرتبط با فعالیتهای صندوق ارائه شده‌است.

۳.۲.۲.۵. صندوق ضمانت سرمایه‌گذاری صنایع کوچک

صندوق ضمانت سرمایه‌گذاری صنایع کوچک با تصویب قانون آن در سال ۱۳۸۳ در مجلس شورای اسلامی و اساسنامه‌ی آن در سال ۱۳۸۴ در هیئت دولت تأسیس گردیده‌است که در سال‌های ۸۶ و ۸۷ اساسنامه‌ی آن مورد اصلاح و بازبینی قرار گرفته‌است. هدف از ایجاد این صندوق که زیر نظر وزارت صنعت، معدن و تجارت فعالیت می‌کند، فراهم آوردن موجبات توسعه سرمایه‌گذاری بخش غیردولتی در صنایع کوچک، کوتاه کردن مدت زمان اجرای طرح‌های اشتغال‌زا و دارای توجیه اقتصادی، با اولویت مناطق کمتر توسعه یافته و تضمین و تسهیل در توثیق تسهیلات اعطایی به طرح‌های مذکور بوده‌است. در تعریف این صندوق، صنایع کوچک به صنایعی اطلاق گردیده که شاغلین در آنها کمتر از ۵۰ نفر باشد که این امر با تعریف جهانی نیز مطابقت دارد^{۲۷}.

موضوع فعالیت این صندوق عبارت است از:

۱. کمک به توسعه صنایع کوچک از طریق تضمین حداکثر ۷۰ درصد (در مناطق کمتر توسعه یافته تا ۸۵ درصد) اصل و سود تسهیلات اعطایی بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری
 ۲. استفاده از وجوه اداره شده و سایر منابع مالی در چارچوب سیاست‌های صنعتی و برنامه‌های توسعه کشور در زمینه احداث، توسعه، بهسازی و نوسازی، سرمایه در گردش، توسعه پیمانکاری‌های فرعی، تحقیق و توسعه، خرید فناوری و دانش فنی و تجهیزات آزمایشگاهی و توسعه منابع انسانی
 ۳. انجام سایر امور در راستای تحقق هدف صندوق
- سرمایه‌ی اولیه‌ی این صندوق یادشده در هنگام تأسیس ۵۰ میلیارد تومان بوده‌است و در سال ۱۳۹۴ با مصوبه هیئت‌وزیران مبلغ ۲۵ میلیون دلار به حساب آن واریز شده‌است. اعضای مجمع عمومی عبارتند از وزیر صنعت، معدن و تجارت، وزیر امور اقتصادی و دارایی، وزیر جهاد کشاورزی، وزیر کار، تعاون و رفاه اجتماعی و رئیس سازمان برنامه و بودجه که مجمع عمومی اعضاء هیئت‌مدیره صندوق را انتخاب می‌نمایند. بر اساس موارد فوق، می‌توان چنین نتیجه‌گیری نمود که:
۱. امروزه در کشورهای توسعه یافته، خلق ارزش اقتصادی با تکیه بر تکمیل حلقه‌های نهایی زنجیره‌ی تولید و اشتغال‌زایی در بنگاه‌های اقتصادی خرد، کوچک و متوسط صورت می‌پذیرد و از این منظر صندوق ضمانت سرمایه‌گذاری صنایع کوچک استعداد خوبی برای تخصیص سرمایه به ارتقاء فناوری یا کنترل آلاینده‌ها در این صنایع دارد و مطابق اساسنامه، این صندوق تقریباً هر آنچه مرتبط با سرمایه‌گذاری در واحدهای صنعتی کوچک است را پوشش می‌دهد.
 ۲. سازمان حفاظت محیط‌زیست در ساختار و ترکیب مجمع این صندوق نیز حضور نداشته و این امر بروکراسی مرتبط با ارائه‌ی تسهیلات رفع آلاینده‌گی را پیچیده می‌نماید.
 ۳. هیچ نماینده‌ای از نهاد بازار یا بخش خصوصی (اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران، اتاق اصناف ایران و اتاق تعاون ایران) به عنوان تسهیلات‌گیرندگان و از نهاد شهروندان به عنوان مالیات‌دهندگان، در ترکیب مجمع این صندوق حضور نداشته و عملاً نهاد حاکمیتی در این صندوق برای تخصیص تسهیلات به صنایع تصمیم‌گیری می‌نماید. این در حالی است که بخش خصوصی، خود بازار را بهتر از حاکمیت می‌شناسد و حلقه‌های پیشران در زنجیره‌ی تولید را بهتر، کارآمدتر و اثربخش‌تر احصاء می‌کند. پس به نظر می‌رسد نیاز باشد ترکیب صندوق در قالبی مشارکتی اصلاح گردیده تا ضمن رعایت سه‌جانبه‌گرایی در تصمیم‌گیری‌های مرتبط با آن، فرآیندهای تصمیم‌گیری در آن به شاخص‌های حکمرانی خوب نزدیک‌تر گردد.

^{۲۷} در ادبیات اقتصادی اروپا، بنگاه‌های اقتصادی از منظر تعداد نیروی انسانی به صورت زیر طبقه‌بندی می‌گردند:

- بنگاه اقتصادی بزرگ (از ۲۵۰ نفر به بالا)
- بنگاه اقتصادی متوسط (از ۵۰ تا ۲۵۰ نفر)
- بنگاه اقتصادی کوچک (از ۱۰ تا ۵۰ نفر)
- بنگاه اقتصادی خرد (زیر ۱۰ نفر)

سایت این صندوق به آدرس sif.ir قابل دسترسی است که با توجه به گذشت حدود ۲۰ سال از تأسیس آن، روی سایت صرفاً و تنها یک گزارش از عملکرد صندوق در سال ۱۳۹۹ موجود است که در آن نیز صرفاً به ارائه‌ی آمار عملکرد پرداخته شده است.

۳,۲,۲,۶. صندوق توسعه ملی

صندوق توسعه ملی، ابتدا در سال ۱۳۷۹ و به موجب ماده ۶۰ قانون برنامه سوم توسعه، با نام حساب ذخیره ارزی ایجاد شد تا در جهت ایجاد ثبات در میزان درآمدهای ارزی و ریالی حاصل از صدور نفت خام در دوران برنامه سوم توسعه، تبدیل دارائی حاصل از فروش نفت به دیگر انواع ذخایر و سرمایه‌گذاری و امکان تحقق دقیق فعالیت‌های پیش‌بینی شده در آن برنامه، فعالیت نماید. این صندوق که بنا بود در عمل نقش صندوق ثروت ملی ایران را بازی کند، منابع خود را از محل مازاد درآمد ارزی حاصل از صادرات نفت خام در پایان هر سال نسبت به ارقام پیش‌بینی شده تأمین می‌نمود. با تصویب قانون برنامه پنجم توسعه در سال ۱۳۹۰، به موجب ماده ۸۴ این قانون، حساب ذخیره ارزی به صندوق توسعه ملی تغییر نام داد که منابع آن از محل حداقل ۲۰ درصد از منابع حاصل از صادرات نفت (نفت خام، و میعانات گازی، گاز و فرآورده‌های نفتی) و ارزش صادرات تهاتری اقلام فوق‌الذکر، افزایش سهم واریزی از منابع یادشده هر ساله به میزان ۳ درصد، ۵۰ درصد مانده نقدی حساب ذخیره ارزی در پایان سال ۱۳۸۹ و سال‌های بعد، منابع قابل تحویل از بازارهای پولی بین‌المللی، سود خالص صندوق طی سال مالی، درآمد حاصل از سود موجودی حساب صندوق در بانک مرکزی، معادل میانگین نرخ سود سپرده‌های بانک مرکزی در بازارهای خارجی با محاسبه و پرداخت هر سه ماه یک‌بار می‌گردید.

همچنین محل مصرف این منابع نیز به شرح زیر تعیین شد:

۱. اعطای تسهیلات به بخش‌های خصوصی، تعاونی و بنگاه‌های اقتصادی متعلق به مؤسسات عمومی غیردولتی برای تولید و توسعه سرمایه‌گذاری‌های دارای توجیه فنی، مالی و اقتصادی
۲. اعطای تسهیلات صادرات خدمات فنی و مهندسی به شرکت‌های خصوصی و تعاونی ایرانی که در مناقصه‌های خارجی برنده می‌شوند از طریق منابع خود یا تسهیلات سندیکایی
۳. اعطای تسهیلات خرید به طرف‌های خریدار کالا و خدمات ایرانی در بازارهای هدف صادراتی کشور
۴. سرمایه‌گذاری در بازارهای پولی و مالی خارجی
۵. اعطای تسهیلات به سرمایه‌گذاران خارجی با در نظر گرفتن شرایط رقابتی و بازدهی مناسب اقتصادی به منظور جلب و حمایت از سرمایه‌گذاری در ایران با رعایت اصل هشتماد (۸۰) قانون اساسی
۶. تأمین هزینه‌های صندوق

اعضای هیئت امنای این صندوق عبارتند از رئیس‌جمهور، رئیس سازمان برنامه و بودجه، وزیر امور اقتصادی و دارائی، وزیر کار، تعاون و رفاه اجتماعی، وزیر نفت، رئیس کل بانک مرکزی، رئیس اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران (عضو ناظر و بدون حق رأی)، رئیس اتاق تعاون ایران (عضو ناظر و بدون حق رأی)، دو نفر نماینده از کمیسیون‌های اقتصادی و برنامه و بودجه و محاسبات به انتخاب مجلس شورای اسلامی و دادستان کل کشور.

گرچه مطابق بند ۲۲ سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران که توسط مقام معظم رهبری ابلاغ گردید، بنا بود ماهیت ایجاد این صندوق تغییر نگاه راهبردی به درآمدهای حاصل از نفت و گاز و تبدیل شدن آن از منبع تأمین بودجه عمومی دولت به منابع و سرمایه‌های زاینده اقتصادی باشد، اما به گواه بسیاری از شواهد این صندوق در دوران تصدی دولت‌های مختلف، کم‌وبیش محلی برای جبران کسری بودجه یا تأمین هزینه‌های جاری دولت‌های بوده است. از طرف دیگر نیز میزان موجودی، نحوه‌ی اداره و هزینه‌های مدیریتی این صندوق در دو دهه‌ی اخیر حاشیه‌های بسیاری داشته است که بر اساس آنها می‌توان چنین گفت که صندوق توسعه ملی در ایران تا حد

زیادی از اهداف اولیه‌ی خود منحرف شده و از مأموریت اصلی خود بازمانده است. [20] [21] [22] [23]

و خامت شرایط در خصوص صندوق توسعه ملی تا آنجاست که بنا به اعلام رئیس هیئت عامل این صندوق شرایط صندوق توسعه ملی ایران در مقایسه با صندوق‌های ثروت ملی جهان بسیار هشداردهنده است چرا که در حالی که متوسط نرخ بازده صندوق‌ها در جهان حدود ۶ درصد بوده، متوسط نرخ بازگشت سرمایه برای صندوق توسعه ملی صفر بوده است و عملاً صندوق توسعه ملی بعد از ۱۰ سال فعالیت کوچک

شده است. همچنین این صندوق ۱۵۰ میلیارد دلار سرمایه داشته که حدود ۱۰۰ میلیارد آن توسط دولت‌ها برداشت شده و حدود ۴۰ میلیارد نیز تسهیلات پرداخت گردیده است. [24]

بر اساس موارد فوق، می‌توان چنین نتیجه‌گیری نمود که:

۱. گرچه صندوق توسعه ملی از نظر توان مالی بسیار قوی و از نظر اساسنامه بسیار مستعد برای اعطای تسهیلات ارتقاء فناوری به صنایع بوده است، اما سیل منابع مالی عظیم حاصل از فروش نفت با قیمت بالای صد دلار در کنار مدیریت فاجعه‌بار و ریخت‌وپاش این منابع خصوصا در دولت‌های نهم و دهم، عملا این صندوق را به ضد خود در توسعه کشور بدل نموده و در مدت ۱۰ سال فعالیت، صندوق توسعه ملی به جای آنکه توسعه یابد و منابع آن بیشتر شود، کوچک‌تر و فقیرتر شده است.

۲. فارغ از تهی شدن مفهوم اولیه‌ی صندوق توسعه ملی از کارکرد، سازمان حفاظت محیط‌زیست نیز در ساختار و ترکیب مجمع این صندوق حضور نداشته و این امر بروکرسی مرتبط با ارائه‌ی تسهیلات رفع آلاینده‌ی یا ارتقاء فناوری را پیچیده می‌نماید.

۳. در ساختار این صندوق دو نماینده از نهاد بازار و بخش خصوصی (اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران و اتاق تعاون ایران) به عنوان تسهیلات‌گیرندگان حضور داشته و گرچه این دو نماینده فاقد حق رأی هستند، اما حضورشان به مشارکتی‌تر شدن فرآیندهای تصمیم‌گیری در صندوق کمک می‌کند.

بر اساس موارد فوق، حساسیت‌ها و حاشیه‌های مرتبط با صندوق توسعه ملی، به نظر می‌رسد بتوان بر روی آن به عنوان یک صندوق مستعد برای اعطای تسهیلات مرتبط با مدیریت یکپارچه‌ی پسماندها حساب باز نمود.

۳.۲.۳. مستعدترین صندوق به منظور اعطای تسهیلات مدیریت یکپارچه‌ی پسماندهای صنعتی

بر اساس آنچه بیان شد می‌توان چنین نتیجه‌گیری نمود که با توجه به دامنه‌ی فعالیت صندوق‌های تأمین مالی حاکمیتی در ایران و بروکرسی اعطای این تسهیلات قطعا صندوق ملی محیط‌زیست مستعدترین صندوق برای اعطای تسهیلات رفع آلاینده‌ی چه در مرحله‌ی ارتقاء فناوری و چه در مرحله کنترل آلاینده‌های تولیدی است و محدودیت‌های مرتبط با فناوری‌های نوین، ماهیت دانش‌بنیان پروژه‌های اقتصادی و ابعاد واحدهای صنعتی را ندارد. بعد از این صندوق نیز با فاصله‌ی نسبتا زیاد، صندوق‌های ضمانت سرمایه‌گذاری صنایع کوچک، حمایت از تحقیقات و توسعه صنایع پیشرفته و نوآوری و شکوفایی قرار دارند.

شایان ذکر است صندوق ملی محیط‌زیست از نقطه‌نظر توان مالی، فاصله‌ی بسیار زیادی با سایر صندوق‌های تأمین مالی حاکمیتی، از جمله صندوق توسعه ملی یا صندوق کارآفرینی امید دارد.

همچنین از میان صندوق‌هایی که در این بخش مورد مطالعه قرار گرفت، تنها صندوق توسعه ملی با حضور نمایندگان بخش خصوصی بدون حق رأی، به صورت محدودی ساختار تصمیم‌گیری نهادگرایانه و مشارکتی را رعایت کرده و هیچ‌یک از صندوق‌های دیگر نماینده‌ای از نهاد بازار یا بخش خصوصی در ترکیب مجمع یا هیئت عامل خود ندارند که این ایراد به صندوق ملی محیط‌زیست نیز وارد است. بنابراین فارغ از انتخاب صندوق ملی محیط‌زیست به عنوان مستعدترین صندوق به منظور ارائه‌ی تسهیلات مدیریت یکپارچه‌ی پسماندهای صنعتی، در خصوص سایر صندوق‌ها می‌توان راهکارهای زیر را با تأکید بر اصلاح اساسنامه پیشنهاد نمود:

۱. افزوده شدن ردیف‌های مرتبط با پروژه‌های کاهش ردپای محیط‌زیستی فعالیت‌های صنعتی به موضوع فعالیت صندوق‌ها
۲. افزوده شدن نمایندگان سازمان حفاظت محیط‌زیست و اتاق‌های سه‌گانه (اتاق ایران، اتاق اصناف و اتاق تعاون) به ارکان صندوق‌ها
۳. ادغام صندوق‌های مشابه و ایجاد وحدت رویه در سازوکار تخصیص منابع به صندوق‌ها
۴. افزایش شاخص‌های حکمرانی خوب و پیاده‌سازی فرآیندهای بلوغ سازمانی به منظور افزایش کارآمدی و اثربخشی تخصیص منابع، افزایش مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها، افزایش برابری، عدالت و قانون‌محوری در روندها و فرآیندهای تخصیص و افزایش شفافیت در گزارش‌دهی سرنوشت منابع از منظر پایداری، تغییر گفتمان و عقلانیت

۳.۳. بررسی ساختار و عملکرد صندوق ملی محیط‌زیست

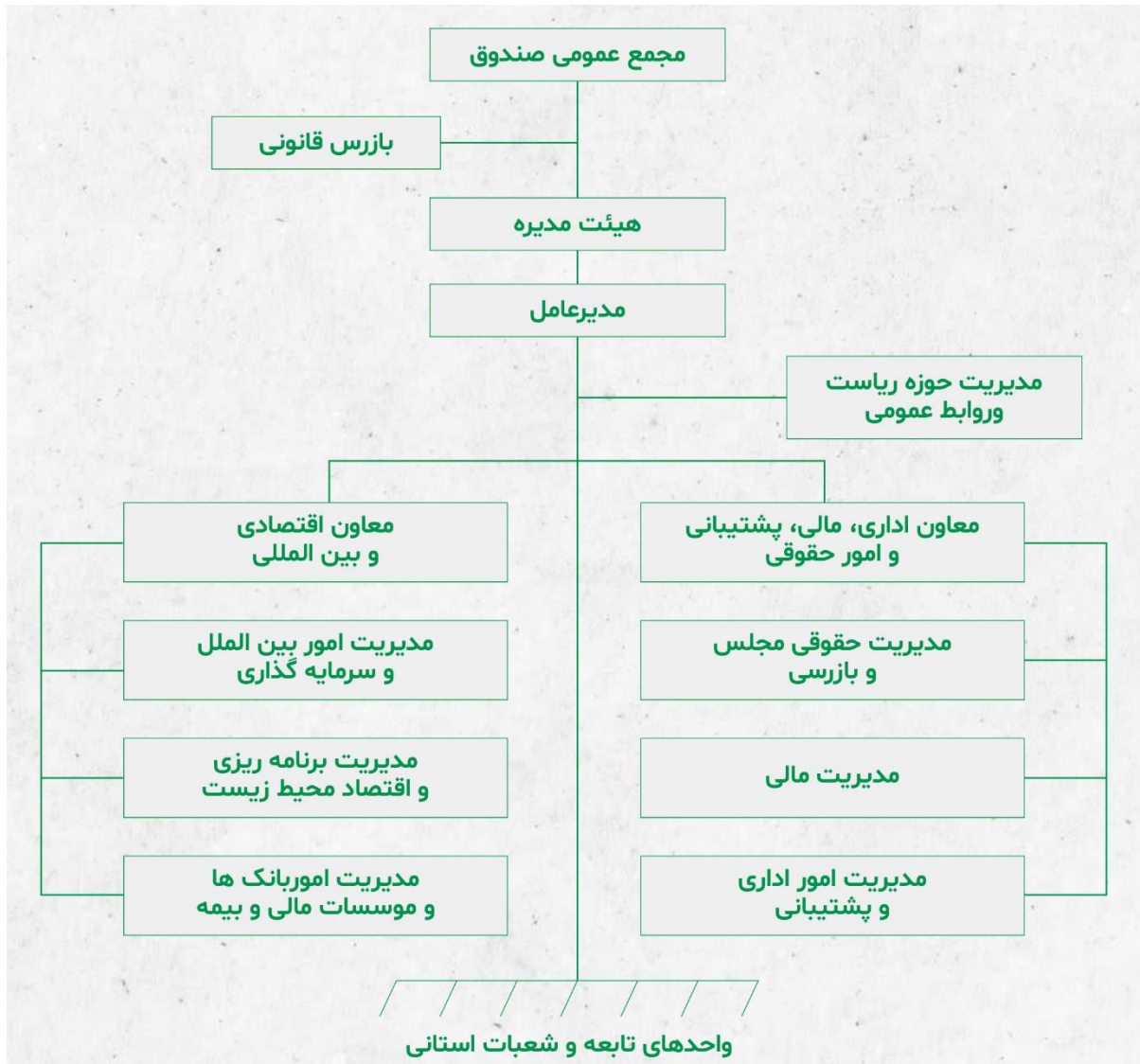
در این بخش، ساختار و عملکرد صندوق ملی محیط‌زیست را از نقطه‌نظر منابع جذب و تأمین مالی، ساختار و عملکرد آن مورد بررسی قرار داده تا راهکارهایی به منظور افزایش بهره‌وری فرآیند اعطای تسهیلات توسط این صندوق ارائه گردد.

۳.۳.۱. ارزیابی ساختار و عملکرد صندوق ملی محیط‌زیست

۳.۳.۱.۱. بررسی گزارش عملکرد صندوق ملی محیط‌زیست

بر اساس گزارش عملکرد صندوق ملی محیط‌زیست از سال ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۰، ساختار سازمانی صندوق ملی محیط‌زیست به شکل

زیر است:



شکل ۷ - چارت سازمانی صندوق ملی محیط‌زیست

مجمع عمومی این صندوق عبارت است از رئیس سازمان حفاظت محیط‌زیست (رئیس مجمع)، وزیر امور اقتصادی و دارایی، وزیر صنعت، معدن و تجارت، وزیر امور خارجه، وزیر نیرو، وزیر جهاد کشاورزی و رئیس سازمان برنامه و بودجه که مجمع هیئت‌مدیره ۵ نفره‌ی صندوق را برای دو سال انتخاب می‌نماید. برای ساختار اجرایی صندوق، ۹۰ پست در چارت سازمانی تعریف گردیده که در حال حاضر تعداد کارکنان صندوق حداکثر ۲۰ نفر است. بنا به گزارش عملکرد صندوق، در حال حاضر کارهای اداری مرتبط با صندوق بیشتر برون‌سپاری می‌گردد و تلاش بر آن است که استخدام پرسنل به تناسب گسترش فعالیت‌های صندوق صورت پذیرد.

محل تأمین بودجه‌ی صندوق نیز تاکنون عمدتاً بر پایه‌ی دریافت جرائم مرتبط با تخریب محیط‌زیست و یا پیش‌بینی ردیف بودجه در قوانین بودجه‌ی سالیانه بوده‌است. بر همین اساس می‌توان محل‌های تأمین منابع صندوق را به صورت زیر طبقه‌بندی نمود:

۱. تأمین سرمایه‌ی اولیه صندوق بر اساس ماده ۴ اساسنامه مصوب سال ۱۳۹۶

۲. جرائم مرتبط با تخریب محیط‌زیست

- ماده ۱۲ قانون هوای پاک (مصوب سال ۱۳۹۶)
- ماده ۱۵ قانون حفاظت از خاک (مصوب سال ۱۳۹۸)
- ماده ۴ قانون حفاظت، احیاء و مدیریت تالابها (مصوب سال ۱۳۹۶)
- ماده ۱۲ آیین‌نامه اجرایی قانون مدیریت پسماندها

۳. ردیف‌های بودجه‌ی سالیانه

- بند «ن» تبصره ۶ قانون بودجه سال ۱۳۹۹^{۲۸} (این بند در سال ۱۴۰۰ از بودجه سالیانه‌ی کشور حذف گردید)
- بند «و» تبصره ۶ قانون بودجه سال ۱۳۹۹^{۲۹}

۴. کمک‌های مردمی خیرین و دوست‌داران محیط‌زیست

۵. سود سپرده گذاری نزد بانک

در گزارش عملکرد مالی صندوق از سال ۱۳۹۴ تا ۱۳۹۹ که به صورت زیر ارائه گردیده‌است مشاهده می‌گردد در سه سال از فعالیت صندوق، عملاً تراز مالی آن منفی بوده و منابع صندوق کفاف هزینه‌های جاری صندوق را هم نداده‌است. هر چند که در سال ۱۳۹۹ و با تخصیص منابع قانون بودجه، درآمدهای وصولی صندوق جهشی چشم‌گیر داشته و از ۲۰ میلیارد تومان در سال ۱۳۹۸ به حدود ۱۰۰۰ میلیارد تومان در انتهای سال ۱۳۹۹ می‌رسد.

شرح	عنوان	۱۳۹۴	۱۳۹۵	۱۳۹۶	۱۳۹۷	۱۳۹۸	۱۳۹۹
منابع	وصولی از محل اجرای قوانین	۰	۰	۶۷۵۰	۴۰۳۵۸	۴۴۰۰۰	۹۲۲۶۶۸۰
	وصولی از محل مطالبات	۰	۰	۱۰۰۰۰	۰	۰	۰
	سایر (کمکها، سود بانکی و...)	۶۰۲	۵۳۵۳	۹۰۹۱	۳۳۰۸۳	۱۶۵۱۸۲	۲۸۲۳۰۱
	جمع	۶۰۲	۵۳۵۳	۲۵۸۴۱	۷۳۴۴۱	۲۰۹۱۸۲	۹۵۰۸۹۸۱
مصارف	هزینه کارکنان اداری و تشکیلاتی	۲۱۶۷	۲۱۰۷	۳۳۰۱	۲۸۴۰	۱۵۸۷۷	۳۱۳۲۱
	هزینه‌های عمومی اداری و تشکیلاتی	۱۵۲۳	۳۳۶۴	۶۱۶۲	۱۱۰۴۳	۷۱۴۴۳	۲۳۸۰۲۳
	تامین هزینه مخارج سرمایه‌های	۱۵۰	۹۷۰	۹۰۰	۵۸۰۸	۱۵۵۱۷	۵۵۶۶۹
	جمع	۳۸۴۰	۶۴۴۱	۱۰۳۶۳	۱۹۶۹۱	۱۰۲۸۳۷	۳۲۵۰۱۳
تفاوت منابع و مصارف	-۳۲۳۸	-۱۰۸۸	-۱۵۴۷۸	۵۳۷۴۹	۱۰۶۳۴۵	۹۱۸۳۹۶۸	

شکل ۸ - عملکرد مالی صندوق ملی محیط‌زیست در سال‌های ۱۳۹۴ تا ۱۳۹۹ (اعداد به میلیون ریال)

^{۲۸} سی‌وپنج درصد (۳۵٪) از عوارض آلاینده‌ی وصول شده از محل یک‌درصد (۱٪) از قیمت فروش تبصره (۱) ماده (۳۸) قانون مالیات بر ارزش افزوده به سازمان حفاظت محیط‌زیست (صندوق ملی محیط‌زیست) اختصاص می‌یابد تا پس از مبادله موافقتنامه با سازمان برنامه‌بودجه کشور بر اساس ماده (۵) اساسنامه صندوق مذکور صرف اعطای تسهیلات مالی برای کاهش آلودگی‌های محیط‌زیستی و جلوگیری از تخریب محیط‌زیست شود.

^{۲۹} به منظور کاهش اثرات مخرب پسماندها، درآمد حاصل از اجرای بندهای (ث) و (ص) ماده (۳۸) قانون برنامه ششم توسعه، ناشی از فروش کالاهایی که مصرف آنها منجر به تولید پسماند مخرب محیط‌زیست می‌شود، توسط سازمان امور مالیاتی به ردیف درآمدی شماره ۱۶۰۱۸۹ واریز می‌شود. منابع وصولی تا سقف ده‌هزارمیلیارد (۱۰.۰۰۰.۰۰۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال از محل ردیف ۳۹-۵۳۰۰۰۰ جدول شماره (۹) این قانون در اختیار سازمان حفاظت محیط‌زیست (صندوق ملی محیط‌زیست) قرار می‌گیرد تا پس از مبادله موافقتنامه با سازمان برنامه‌بودجه کشور برای بازیافت پسماندهای حاصل از کالاهای مزبور (ایجاد تأسیسات منطقه‌ای تبدیل پسماند به مواد و انرژی) با اولویت مشارکت بخش خصوصی مصرف شود.

آیین‌نامه اجرایی این بند مشتمل بر میزان عوارض تا سقف یک‌درصد (۱٪) هر کالا، فهرست کالاهای مشمول، نرخ هزینه مدیریت پسماند کالاها و فرآیند اجرایی ظرف مدت دوماه پس از ابلاغ این قانون به پیشنهاد مشترک سازمان حفاظت محیط‌زیست، وزارتخانه‌های کشور، صنعت، معدن و تجارت و امور اقتصادی و دارایی و سازمان برنامه‌بودجه کشور تدوین می‌شود و به تصویب هیئت‌وزیران می‌رسد.

در بخش فعالیت‌های ملی و استانی صندوق، در خصوص منابع بند «و» تبصره ۶ قانون بودجه سال ۱۳۹۹، اعتباری در حدود ۱۶ میلیارد تومان بر ۴ پروژه هزینه شده که ۳ پروژه مرتبط با خرید تجهیزات و احداث تأسیسات در نوار شمالی کشور و ۱ پروژه مرتبط با پسماند منطقه الموت بوده‌است. این پروژه‌ها، در اولویت‌بندی اولیه ۱۶ عنوان بوده‌اند که با توجه به محدودیت منابع، تنها ۴ پروژه از میان پروژه‌ها انتخاب شده‌است.

در خصوص منابع ماده ۱۲ آیین‌نامه اجرایی قانون مدیریت پسماندها نیز منابعی معادل ۶ میلیارد تومان در اختیار ۶ پروژه قرار گرفته‌است که هیچ یک از شرکت‌های متقاضی، برای اتحادیه صنایع بازیافت ایران به عنوان یگانه تشکل اقتصادی این حوزه با حضور بیش از ۳۰۰ شرکت فعال در صنعت بازیافت کشور شناخته‌شده نبودند و در یک عنوان از این پروژه‌ها، تسهیلات به شخص حقیقی اعطاء گردیده‌است. در خصوص سایر منابع صندوق هم حدود ۷۳ درصد از منابع به احداث تصفیه‌خانه‌های فاضلاب، ۱۸ درصد از منابع به رفع و کاهش آلودگی هوا و ۹ درصد از منابع به مراکز پردازش و بازیافت تخصیص یافته‌است. همچنین ۱۷ قرارداد مطالعاتی نیز با دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌های کشور منعقد گردیده‌است که در این قراردادها مجموعاً ۱۷ میلیارد تومان هزینه شده‌است و به ۸ سازمان مردم‌نهاد نیز برای قراردادهایی با موضوعات عمدتاً توانمندسازی جوامع، مجموعاً حدود ۱۰۴ میلیارد تومان پرداخت شده‌است.

در این گزارش عملکرد، مطلبی در خصوص سرنوشت پروژه‌ها و قراردادهای، خصوصاً از منظر پایداری^{۳۰}، عقلانیت اقلیمی^{۳۱} و تغییر گفتمان^{۳۲} مشاهده نمی‌گردد، حال آنکه این سه مؤلفه، اصولاً مؤلفه‌های اصلی و پیش‌نیاز در ارائه تسهیلات و ارزیابی کارآمدی و اثربخشی اجرای پروژه‌های اقتصادی-محیط‌زیستی هستند. [25] [26]

سایر هزینه‌های صندوق نیز عمدتاً شامل خرید تجهیزات، ماشین‌آلات، موتورسیکلت، خودرو و خرید زمین و ساخت یا بازسازی ساختمان‌های ادارت کل محیط‌زیست استانی صورت پذیرفته‌است.

صندوق در این مدت حدود ۳۹ تفاهم‌نامه منعقد نموده که تمامی آنها با نهادهای حاکمیتی یا برخی از شرکت‌ها بوده و در میان فهرست تفاهم‌نامه‌ها، هیچ تفاهم‌نامه‌ای با اتاق ایران، اتاق‌های استانی یا تشکل‌های اقتصادی به نمایندگی از بخش خصوصی مشاهده نمی‌شود. [18]

۲،۳،۱،۲. بررسی گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی

عملکرد صندوق ملی محیط‌زیست در گزارش معاونت مطالعات زیربنایی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی نیز با عنوان ارزیابی ساختار و عملکرد صندوق ملی محیط‌زیست در سال ۱۴۰۰ مورد مطالعه قرار گرفته که بر مبنای آن، صندوق به دلیل مشکلات ساختاری و فرآیندی نتوانسته مدیریت مناسبی برای هزینه‌کرد بهینه منابع ورودی به خود، پس از جهش سال ۱۳۹۹ داشته‌باشد؛ گرچه با توجه به ۵۰ برابر شدن ورودی به صندوق در طی یک‌سال، طبیعتاً هم امکان مدیریت مناسب منابع نه در صندوق، و نه هیچ سازمان دیگری به دلیل ارگانیک نبودن رشد سازمان وجود ندارد.

بر اساس این گزارش مهم‌ترین نارسایی و کاستی‌ها در عملکرد صندوق عبارت بوده‌اند از:

۱. عدم شفافیت و اطلاع‌رسانی دقیق، آن‌چنان که با جهش ورود منابع به صندوق در سال ۱۳۹۹، کمتر صنعت یا پروژه‌ای از ماهیت یا شیوه و فرایند کارکرد صندوق آگاهی داشته و این امر سبب عدم تناسب میان شرایط محیط‌زیستی کشور و پروژه‌های منتخب گردیده‌است.

^{۳۰} پایداری یا Sustainability به توان یک سازمان برای بقا و توسعه در بلندمدت از جنبه‌های توسعه‌ی انسانی، برابری اجتماعی، توجیه‌پذیری اقتصادی و حفاظت محیط‌زیستی اطلاق می‌گردد. مفهوم پایداری عموماً در سطح سازمان‌ها کاربرد دارد، حال آنکه مفهوم توسعه‌ی پایدار مسیر رسیدن به پایداری در سطح جوامع و سیاست‌های کلان را نشان می‌دهد.

^{۳۱} عقلانیت اقلیمی یا Climate Rationality به توجیه‌پذیری علمی و فنی یک پروژه در محل اجرای آن می‌پردازد، آن‌چنان که بر پایه‌ی آن بتوان سناریوی ادامه‌ی وضع موجود را با سناریوی شرایط پس از اجرای پروژه مقایسه نموده و تأثیر پروژه بر شرایط کنونی از حیث کاهش ردپای محیط‌زیستی یا افزایش تطابق‌پذیری اقلیمی را اثبات نمود.

^{۳۲} تغییر گفتمان یا Paradigm Shift در پروژه‌های اقتصادی-محیط‌زیستی، آستانه‌ای است که در آن یک پروژه بتواند ادامه‌دار شده و دارای نتایجی میان‌مدت و بلندمدت شود. به عبارتی یک پروژه وقتی دارای تغییر گفتمان است که صرفاً یک سرمایه‌گذاری یک‌باره با عدم موفقیت نباشد، بلکه با پایداری، به دنبال خود تغییرات بلندمدت ایجاد کند که این امر با ایجاد ظرفیت‌های محلی به منظور حفظ، اداره و ادامه‌ی پروژه همراه است.

۲. ساختار نامناسب صندوق که سبب وابستگی بیش از حد آن به سازمان محیط‌زیست گردیده و چابکی را از صندوق گرفته‌است. به عبارت دیگر، صندوق تبدیل به محلی برای دریافت اعتبارات توسط ادارات کل سازمان گردیده که این امر با حضور برخی از پرسنل سازمان در رده‌های تصمیم‌گیر در صندوق، عملاً حلقه‌ی بسته یا موقعیت تعارض منافع را ایجاد می‌نماید. در این گزارش پیشنهاد شده که افزوده شدن نماینده قوه قضاییه در ساختار صندوق، موجب پویایی صندوق و کاهش بسترهای فساد می‌گردد.

۳. عدم سازمان نظام مهندسی محیط‌زیست که بر طبق این گزارش جای خالی آن برای ارزیابی، سطح‌بندی و ارزش‌گذاری پروژه‌ها و همچنین استانداردسازی و تعرفه‌گذاری خدمات الزامی است و با توسعه تشکیلات انتظامی خود از بروز تخلفات و تضییع حقوق جلوگیری می‌نماید.

۴. عدم ایجاد سازمان انجام کار متناسب در صندوق در ۵ سال فعالیت آن پیش از ورود منابع سال ۱۳۹۹ نیز از نقایص صندوق برشمرده شده‌است. [1]

با مطالعه این گزارش و بررسی ۴ کاستی و نارسایی اصلی صندوق که در این گزارش به آنها اشاره شده، از نقطه‌نظر نهادگرایی و مشارکت بخش خصوصی در فرآیندها می‌توان چنین بیان کرد که:

۱. عدم وجود ارتباط سازمان‌یافته میان صندوق ملی محیط‌زیست و اتاق ایران به نمایندگی از بخش خصوصی، نکته‌ی مهمی در عدم کارکرد مطلوب این صندوق بوده‌است که این ایراد از یک‌سو ناشی از عدم حضور نماینده‌ی اتاق در مجمع یا هیئت‌مدیره‌ی صندوق و حتی عدم وجود تفاهم‌نامه میان اتاق ایران، اتاق‌های استانی و تشکل‌های اقتصادی عضو اتاق با صندوق است. به عبارتی، در شرایط کنونی فاصله‌ی سازمانی صندوق با بخش خصوصی بسیار دور بوده (صندوق -) سازمان حفاظت محیط‌زیست -) ادارات کل حفاظت محیط‌زیست استان‌ها -) سازمان‌های صنعت، معدن و تجارت استان‌ها -) شهرک‌های صنعتی استان‌ها -) صنایع) که در واقع این ارتباط می‌تواند مستقیم باشد (صندوق -) اتاق ایران یا تشکل‌های عضو اتاق -) تولیدکنندگان).

اما از سوی دیگر، عدم ارتباط میان سازمان حفاظت محیط‌زیست و اتاق ایران، به صورت ریشه‌ای‌تر، متأثر از کلیشه‌های رایج «صنعت = دشمن محیط‌زیست» یا «محیط‌زیست = محیط ایست» بوده‌است و هیچ‌گاه ارتباط سازمان‌یافته و نظام‌مندی میان این دو نهاد برقرار نبوده‌است (هرچند که عدم احساس نیاز حاکمیت به بخش خصوصی تا حد زیادی نیز ناشی از ساختار اقتصادی کشور ماست که در آن ۸۵ درصد اقتصاد در اختیار حاکمیت و تنها ۱۵ درصد در اختیار بخش خصوصی است). به عبارت دیگر، نگرش همگرا نمودن اقتصاد با محیط‌زیست برای توسعه‌ی پایدار، در سطوح ارشد مدیریت سازمان حفاظت محیط‌زیست، نگرشی متداول نبوده و شاید دیدار آقای دکتر سلاجقه، رئیس این سازمان با نمایندگان بخش خصوصی در تاریخ ۳ آبان‌ماه ۱۴۰۱ و توافق بر ایجاد کمیته‌ی همکاری‌های مشترک میان سازمان و اتاق ایران، اولین نمونه از جنس نگرش توسعه‌ی پایدار و همگرا نمودن اقتصاد و محیط‌زیست در سطح مدیریت ارشد سازمان حفاظت محیط‌زیست در تاریخ این سازمان باشد. [27]

۲. در خصوص ساختار صندوق، اولین نکته‌ای که در نگاه اول به ماهیت صندوق ملی محیط‌زیست به نظر می‌رسد تناقضات موجود در تعریف آن است. مطابق ماده‌ی ۲ اساسنامه‌ی صندوق، «صندوق مؤسسه عمومی غیردولتی وابسته به سازمان حفاظت محیط‌زیست است که دارای شخصیت حقوقی مستقل و استقلال مالی و اداری بوده...»؛ که وجود قیدهای «وابسته به سازمان» و «شخصیت حقوقی مستقل و استقلال مالی و اداری» در یک عبارت عجیب است. از طرف دیگر نیز مطابق ماده ۹ اساسنامه‌ی صندوق، اعضای مجمع عمومی صندوق عبارتند از رییس سازمان حفاظت محیط‌زیست، وزیر امور اقتصادی و دارایی، وزیر صنعت، معدن و تجارت، وزیر امور خارجه و معاون برنامه ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور که ترکیب این اعضا نیز «غیردولتی» بودن آنرا به شدت زیر سوال می‌برد.

بر همین اساس، وابستگی صندوق به سازمان، تعارض منافع در ساختار آن و ناتوانی بدنه‌ی اجرایی آن ناشی از درآمدهای اندک در طول سالیان پیش از ۱۳۹۹، ایرادات واردی است؛ هر چند به نظر می‌رسد که راه‌حل رفع تعارض منافع، چابکی و توانمندسازی ساختار صندوق، افزودن نماینده قوه قضاییه نیست.

بلکه این راه‌حل شامل اصلاح در ساختار مجمع و هیئت‌مدیره صندوق در قالب مشارکت‌محوری و نهادگرایی با حضور نمایندگان بخش خصوصی، ایجاد ارتباط سازمان‌یافته میان صندوق و تشکل‌های عضو اتاق ایران به نمایندگی از صنعت، توانمندسازی گام‌به‌گام بدنه‌ی صندوق و برون‌سپاری امور از جمله اهلیت‌سنجی متقاضیان دریافت تسهیلات، اولویت‌بندی پروژه‌ها، ارزیابی پیشرفت و ارزش‌یابی عملکرد شرکت‌ها به تشکل‌های اقتصادی است. زیرا قطعاً تشکل‌های اقتصادی و فعالان کسب‌وکار شرایط بازار، نیازها، استعدادها و توانمندی‌های آنرا بهتر از هر نهاد یا سازمان دولتی دیگری می‌شناسند و قادر به اولویت‌بندی آنها هستند.

۳. تعریف نهادی با عنوان سازمان نظام مهندسی محیط‌زیست که نه تنها امور مرتبط با مشاوره‌های اقتصادی-محیط‌زیستی را انجام می‌دهد، بلکه با اختیارات انتظامی از تخلفات و تضييع حقوق عامه جلوگیری می‌نماید، تعریف عجیبی است. در کنار هم قرار گرفتن این تعریف و تعیین تعرفه خدمات توسط چنین نهادی که اساساً نسبتی با رقابت‌پذیری در بازار ندارد، مصداق سرکوب بازار است و نشان از عدم آشنایی نگارندگان این گزارش در مرکز پژوهش‌های مجلس با نهاد بازار، بخش خصوصی، شرکت‌های مشاور و تشکل‌های اقتصادی دارد.

نهایتاً بر اساس موارد یادشده، می‌توان چنین نتیجه‌گیری نمود که اصلاح ساختار صندوق ملی محیط‌زیست با نگرشی مشارکت‌محور و با حضور نمایندگان بخش خصوصی در ساختار مجمع و هیئت‌مدیره‌ی آن و تقویت ارتباط سازمان‌یافته‌ی صندوق و تشکل‌های اقتصادی به دنبال این گام، امکان حل بسیاری از مشکلات مرتبط با ساختار و عملکرد صندوق ملی محیط‌زیست را داشته و به مرور مشکلات اجرایی و اداری آن در زمینه‌ی ارتباطات، توانمندی و برون‌سپاری امور اجرایی را رفع می‌نماید.

۳.۳.۲. ایجاد موقعیت تعارض منافع در تأمین مالی از محل جرائم

جدای از موقعیت ایجاد حلقه‌ی بسته و تعارض منافع در ساختار صندوق ملی محیط‌زیست که پیش‌تر مورد مطالعه قرار گرفت، تعریف جرائم ناشی از تخریب محیط‌زیست به عنوان منبع درآمد برای یک سازمان حاکمیتی، به صورت خودبه‌خود زمینه‌ساز ایجاد موقعیتی چسبنده برای تعارض منافع، عبارت از «آلایندگی بیشتر = درآمد بیشتر» می‌گردد که این امر با رشد سازمان از منظر بروکراسی در بستر زمان و افزایش هزینه‌های سازمان متناسب با این رشد، به مرور سازمانی چون صندوق ملی محیط‌زیست را به ضد خود بدل می‌سازد. به بیان دیگر، از آنجا که هر سازمان همانند یک موجود زنده، تمایل به بقاء و رشد دارد، وقتی توسعه‌ی سازمانی چون صندوق ملی محیط‌زیست تابعی از دریافت جرائم تخریب محیط‌زیست شد و این سازمان با دریافت این جرائم رشد کرد، از یک‌سو تمایل این سازمان به دریافت جریمه‌ی بیشتر به منظور رشد بیشتر بدل می‌گردد و از سوی دیگر کاهش تخریب محیط‌زیست برابر با کاهش درآمدهای سازمان شده که این امر به دنبال خود، ضرورت کاهش ابعاد سازمان را مطرح خواهد نمود و سازمان خودبه‌خود در برابر آن مقاومت نشان خواهد داد.

بر همین اساس، تعریف جرائم تخریب محیط‌زیست به عنوان یک منبع درآمد برای صندوقی که هدف از ایجاد آن جلوگیری از تخریب محیط‌زیست است، به مرور زمان این صندوق را به ضد خود بدل می‌سازد.

۳.۳.۳. شکست صندوق در رقابت با دستگاه‌های اجرایی در جذب منابع

بر اساس تجربیات نگارنده به عنوان یکی از نمایندگان اتحادیه صنایع بازیافت و اتاق ایران در روند تدوین و تصویب ماده ۶ قانون کمک به ساماندهی پسماندهای عادی با مشارکت بخش غیردولتی، ماده ۲۷ قانون مالیات بر ارزش افزوده (عوارض سبز) و همچنین بند «ن» تبصره‌ی ۶ قانون بودجه‌ی سال ۱۳۹۷، بند «ط» تبصره‌ی ۶ قانون بودجه سال ۱۳۹۸ و بند «و» تبصره ۶ قانون بودجه سال ۱۴۰۰، الگویی که بر فرآیند تصویب تمامی مواد قانونی یادشده در مجلس شورای اسلامی حاکم بود این بود که در لوایح مصوب دولت که به مجلس شورای اسلامی ارائه می‌شد، محل دریافت منابع مرتبط با این مواد صندوق ملی محیط‌زیست درج می‌گردید. اما در بررسی این لوایح در کمیسیون‌ها یا صحن مجلس، بنا بر لابی و ارتباطات گسترده‌ی وزارت کشور در مجلس شورای اسلامی از یک‌سو و توان بسیار اندک کارشناسی و ارتباطی سازمان حفاظت محیط‌زیست در دفاع از لایحه‌ی دولت یا جایگاه صندوق از سوی دیگر، عبارت صندوق ملی محیط‌زیست در اغلب موارد به سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های وزارت کشور تغییر یافت.

بر همین اساس و با مطالعه‌ی سازوکار جذب منابع مالی در صندوق‌هایی مانند صندوق توسعه ملی، صندوق کارآفرینی امید و یا صندوق ضمانت سرمایه‌گذاری صنایع کوچک که اغلب با تصویب هیئت‌وزیران در ابتدای تأسیس یا در طول دوره‌ی فعالیت موفق به جذب منابع مالی گردیده‌اند، می‌توان به دو نتیجه‌ی زیر رسید:

۱. اساساً سازوکار جذب منابع مالی در صندوق‌های حاکمیتی در ایران، از قاعده یا نظام مشخصی تبعیت نمی‌کند و قائم به نظر اشخاص در دولت‌های مختلف و شاید حتی بر مبنای میزان نفوذ نهاد متولی آن صندوق در تصمیم‌گیری‌های نهاد حاکمیت است.
۲. تاکنون از نظر دولت‌های مختلف، تزریق منابع مالی به صندوق ملی محیط‌زیست در اولویت نبوده و به نظر هم نمی‌رسد سازمان حفاظت محیط‌زیست بازیگری قوی و صاحب نفوذ در تصمیم‌گیری‌های نهاد حاکمیت باشد.

۳.۳.۴. شرایط اعطای تسهیلات صندوق ملی محیط‌زیست

نگارنده به نمایندگی از اتحادیه صنایع بازیافت ایران، در دو مقطع زمانی در سال‌های ۱۴۰۰ (در پاسخ به نامه‌ی شماره‌ی ۱۴۰۰/۳۰۰/۴۸۵۶ معاون محیط‌زیست انسانی سازمان حفاظت محیط‌زیست با موضوع اطلاع‌رسانی پیرامون اعطای تسهیلات به صنایع آلاینده جهت رفع آلاینده‌گی) و ۱۴۰۲ (پیرو گفتگو با معاون محیط‌زیست انسانی سازمان حفاظت محیط‌زیست در حاشیه‌ی جلسات بررسی و تدوین معیارهای تعیین سطح آلاینده‌گی ماده ۲۷ قانون مالیات بر ارزش افزوده) به مذاکره با صندوق ملی محیط‌زیست در خصوص بررسی شرایط دریافت تسهیلات رفع آلاینده‌گی صنایع پرداخته‌است که بر اساس این مذاکرات، نرخ بهره‌ی تسهیلات ایجاد واحد صنعتی یا اجرای پروژه‌های رفع آلاینده‌گی در سال ۱۴۰۰ عبارت بوده از ۸ الی ۱۲ درصد که این نرخ مبتنی بر بخشنامه بانک مرکزی در سال ۱۴۰۲ به ۱۳ الی ۱۷ درصد افزایش یافته‌است^{۳۳}. مدت زمان بازپرداخت تسهیلات ایجاد واحد یا اجرای پروژه‌های رفع آلاینده‌گی (چه در قالب ارتقاء فرآیند و چه در قالب کنترل آلاینده‌های پس از تولید) نیز ۵ سال است.

بر همین اساس، نرخ بهره‌ی این تسهیلات در سال ۱۴۰۰ برای صنایع بسیار جذاب بوده، اما در سال ۱۴۰۲ و با افزایش آن تا ۱۷ درصد، تفاوت آنچنانی با نرخ بهره‌ی بانکی ندارد و شرکت‌های خوش‌حساب و شناخته‌شده، خود رأساً قادر به دریافت تسهیلات با بهره‌های حدود ۱۸ درصد بدون طی مراحل بروکراتیک تصویب پروژه در صندوق ملی محیط‌زیست هستند، فلذا تسهیلات صندوق، مزیت رقابتی چندانی نسبت به تسهیلات بانکی برای صنایع خوش‌حساب و شناخته‌شده ندارد.

^{۳۳} نرخ پایه‌ی بهره‌ی تسهیلات ۱۷ درصد است که در صورت دانش‌بنیان بودن شرکت یا پروژه ۲ درصد از آن کسر شده و در صورت اجرای پروژه در مناطق محروم ۲ درصد دیگر نیز از آن کسر می‌گردد.

تاریخ: ۱۴۰۰/۰۲/۱۹
شماره: ۱۴۰۰/۳۰۰/۴۸۵۶
پیوست: ندارد

ریاست جمهوری



بسمه تعالی

جناب آقای صدر نژاد، دبیر محترم انجمن صنفی صنایع بازیافت ایران
موضوع: اطلاع رسانی پیرامون اعطای تسهیلات به صنایع آلاینده جهت رفع آلاینده‌گی

با سلام و احترام؛

با عنایت به اجرای برنامه بند (ن) تبصره ششم قانون بودجه سال ۱۳۹۹ با موضوع اعطای تسهیلات به صنایع آلاینده جهت رفع آلودگی به اطلاع می‌رساند، منابع مالی لازم در صندوق ملی محیط زیست جهت اعطای تسهیلات به این صنایع موجود بوده و اعطای تسهیلات در صورت احراز شرایط مندرج در ذیل قابل اجراء می‌باشد:

- ۱) ارائه فرم تکمیل شده صندوق ملی محیط زیست با برنامه زمانی کم‌تر از یک سال جهت اجراء که به تأیید اداره کل محیط‌زیست استان مربوطه رسیده باشد.
 - ۲) ارائه اطلاعات آلاینده‌گی واحد صنعتی
 - ۳) ارائه مطالعات فاز یک برنامه رفع آلاینده‌گی که توسط مشاور تهیه شده است.
 - ۴) لیست و مشخصات فنی تجهیزات مورد نیاز جهت رفع آلاینده‌گی به همراه پیش‌فاکتور معتبر تجهیزات
 - ۵) برآورد هزینه‌ی کل طرح شامل: ابنیه و سازه‌ای، مکانیکال، الکتریکال، طراحی و مشاوره و ... همچنین لازم به ذکر است شرایط اعطای تسهیلات به صورت وام با سود ۱۰ تا ۱۲ درصد و با اقساط بلند مدت (۴ تا ۵ ساله با توجه به طرح ارسالی) می‌باشد.
- در صورت نیاز به ارائه آموزش‌های لازم جهت دریافت تسهیلات با دبیرخانه بررسی پروژه‌های صنایع آلاینده مستقر در این معاونت (آقای مهندس میرزایی ۰۹۱۰۲۱۱۲۶۴۶ و خانم مهندس شرفخانی ۰۹۱۲۵۵۸۰۷۵۹) هماهنگی صورت پذیرد.

معاون محیط زیست انسانی

تهران، ضلع شمالی بزرگراه شهید حکیم، بین شیخ فضل‌ا... و یادگار امام، پارک طبیعت پردیسان تلفن ۴۲۷۸۱۰۰۰
آدرس اینترنتی: www.doe.ir پست الکترونیکی: info@doe.ir صندوق پستی: ۱۴۱۵۵-۷۲۸۲

شکل ۹ - نامه‌ی شماره‌ی ۱۴۰۰/۳۰۰/۴۸۵۶ معاون محیط‌زیست انسانی سازمان حفاظت محیط‌زیست با موضوع اطلاع‌رسانی پیرامون اعطای تسهیلات به صنایع آلاینده جهت رفع

آلاینده‌گی در سال ۱۴۰۰

۳,۳,۵. مشکلات صنعت‌گران با بانک عامل

از دیگر مشکلات موجود در فرآیند اعطای تسهیلات رفع آلایندگی به صنایع که با تغییر مدیریت صندوق ملی محیط‌زیست در دولت سیزدهم پیش آمده، تغییر بانک عامل این صندوق از بانک ملی به بانک توسعه تعاون است. فارغ از تجربیات مکرر نمایندگان تشکل‌ها و اتاق ایران در جلسات کمیته‌های ستاد تسهیل و رفع موانع تولید میان صنعت‌گران و این بانک خاص؛ مطابق اظهار شرکت مجتمع صنایع لاستیک قم از اعضای قدیمی، شناخته‌شده و با سابقه‌ی صنعت بازیافت کشور در اتحادیه صنایع بازیافت ایران از تجربه‌ی خود که رأساً فرآیند اخذ تسهیلات رفع آلایندگی را از سال ۱۴۰۱ آغاز نمود و در سال ۱۴۰۲ بدون هیچ نتیجه‌ای پایان داد، روندهای اداری و بروکراتیک اخذ تسهیلات از بانک توسعه تعاون روندی به مراتب دشوارتر، زمان‌برتر و فرساینده‌تر از روند اخذ تسهیلات از بانک ملی ایران است. (پیوست ۱)

این تأخیرات و دشواری‌های بروکراتیک که گاه از ۶ ماه تا ۱ سال هم طول می‌کشد، وقتی در کنار روند مداوم افزایش تورم و کاهش ارزش پول ملی قرار می‌گیرد، اساساً تمامی محاسبات واحدهای صنعتی را برهم‌زده و اخذ تسهیلات رفع آلایندگی را خالی از معنا می‌کند. بر همین اساس به نظر می‌رسد نیاز به تغییر بانک عامل، یا ایجاد رقابت میان بانک‌ها برای قرار گرفتن میان صندوق ملی محیط‌زیست و فعال اقتصادی امری ضروری در مسیر کارآمدسازی اعطای تسهیلات رفع آلایندگی باشد.

۳,۴. یافته‌ها

بر مبنای آنچه در این فصل ارائه شد:

۱. پس از مطالعه و بررسی بیش از ۳۰ صندوق تأمین مالی حاکمیتی با تمرکز بر اساسنامه، دامنه‌ی فعالیت صندوق‌ها و بروکرایی اعطای تسهیلات؛ قطعاً صندوق ملی محیط‌زیست مستعدترین صندوق برای اعطای تسهیلات رفع آلایندگی چه در مرحله‌ی ارتقاء فناوری و چه در مرحله کنترل آلاینده‌های تولیدی است و محدودیت‌های مرتبط با فناوری‌های نوین، ماهیت دانش‌بنیان پروژه‌های اقتصادی و ابعاد واحدهای صنعتی را ندارد. بعد از این صندوق نیز با فاصله‌ای نسبتاً زیاد، صندوق‌های ضمانت سرمایه‌گذاری صنایع کوچک، حمایت از تحقیقات و توسعه صنایع پیشرفته و نوآوری و شکوفایی قرار دارند.
۲. صندوق ملی محیط‌زیست از نقطه‌نظر توان مالی، فاصله‌ی بسیار زیادی با سایر صندوق‌های تأمین مالی حاکمیتی، از جمله صندوق توسعه ملی یا صندوق کارآفرینی امید دارد. هر چند که توان مالی بالای صندوق توسعه ملی متأثر از سیل منابع مالی عظیم حاصل از فروش نفت با قیمت بالای صد دلار در کنار مدیریت فاجعه‌بار و ریخت‌وپاش این منابع خصوصاً در دولت‌های نهم و دهم، عملاً این صندوق را به ضد خود در توسعه کشور بدل نموده و در مدت ۱۰ سال فعالیت، صندوق توسعه ملی به جای آنکه توسعه یابد و منابع آن بیشتر شود، کوچک‌تر و فقیرتر شده‌است. بر همین اساس، در فضای حکمرانی کلان اقتصادی ایران و غیاب شاخص‌های حکمرانی خوب، توان مالی بالای صندوق‌های تأمین مالی نه‌تنها الزاماً باعث افزایش کارکرد ایشان در راستای اهداف اولیه نمی‌شود، بلکه در اغلب موارد باعث به انحراف کشیده شدن آنها از اهداف اولیه‌ی خود و ایجاد تعارضات ساختاری می‌گردد.
۳. از میان صندوق‌هایی که در این فصل مورد مطالعه قرار گرفت، تنها صندوق توسعه ملی با حضور نمایندگان بخش خصوصی بدون حق رأی، به صورت محدودی ساختار تصمیم‌گیری نهادگرایانه و مشارکتی را رعایت کرده و هیچ‌یک از صندوق‌های دیگر نماینده‌ای از نهاد بازار یا بخش خصوصی در ترکیب مجمع یا هیئت عامل خود ندارند که این ایراد به صندوق ملی محیط‌زیست نیز وارد است.
۴. برخی از صندوق‌های مورد بررسی در این گزارش، اساساً فاقد گزارش عملکرد بوده و در صندوق‌هایی هم که گزارش‌های عملکرد مشاهده می‌گردد، گزارش‌ها صرفاً به ارائه‌ی آمار پرداخته و در آنها هیچ نشانی از سرنوشت پروژه‌ها و قراردادهای، خصوصاً از منظر پایداری، توجیه‌پذیری و تغییر گفتمان پس از اجرای پروژه مشاهده نمی‌گردد، حال آنکه این سه مؤلفه، مؤلفه‌های اصلی و پیش‌نیاز در ارائه‌ی تسهیلات و ارزیابی کارآمدی و اثربخشی اجرای پروژه‌های اقتصادی هستند.

میزان حاشیه‌ها، بیماری‌های بروکراتیک و انحراف از ماهیت	میزان منابع مالی	حضور نماینده بخش خصوصی در ارکان صندوق	حضور نماینده سازمان در ارکان صندوق	ارتباط اساسنامه‌ای با اقتصاد محیط‌زیست	عنوان صندوق
بسیار کم	بسیار کم	×	×	کم	صندوق حمایت از تحقیقات و توسعه صنایع پیشرفته
بسیار زیاد	زیاد	×	×	بسیار کم	صندوق کارآفرینی امید
کم	متوسط	×	✓	بسیار زیاد	صندوق ملی محیط‌زیست
متوسط	زیاد	×	×	کم	صندوق نوآوری و شکوفایی
کم	کم	×	×	متوسط	صندوق ضمانت سرمایه‌گذاری صنایع کوچک
بسیار زیاد	بسیار زیاد	✓	×	متوسط	صندوق توسعه ملی

جدول ۱ - جمع‌بندی بررسی صندوق‌های مستعد ارائه‌ی تسهیلات مدیریت یکپارچه‌ی پسماندهای صنعتی

۵. عدم وجود ارتباط سازمان‌یافته میان صندوق ملی محیط‌زیست و اتاق ایران به نمایندگی از بخش خصوصی، نکته‌ی مهمی در عدم کارکرد مطلوب این صندوق بوده‌است که این ایراد از یک‌سو ناشی از عدم حضور نماینده‌ی اتاق در مجمع یا هیئت‌مدیره‌ی صندوق و حتی عدم وجود تفاهم‌نامه میان اتاق ایران، اتاق‌های استانی و تشکل‌های اقتصادی عضو اتاق با صندوق است. صندوق ملی محیط‌زیست تا سال ۱۴۰۰، حدود ۳۹ تفاهم‌نامه منعقد نموده که تمامی آنها با نهادهای حاکمیتی یا برخی از شرکت‌ها بوده و در میان فهرست تفاهم‌نامه‌ها، هیچ تفاهم‌نامه‌ای با اتاق ایران، اتاق‌های استانی یا تشکل‌های اقتصادی به نمایندگی از بخش خصوصی مشاهده نمی‌شود.

۶. در شرایط کنونی فاصله‌ی سازمانی صندوق با بخش خصوصی بسیار دور بوده (صندوق -> سازمان حفاظت محیط‌زیست -> ادارات کل حفاظت محیط‌زیست استان‌ها -> سازمان‌های صنعت، معدن و تجارت استان‌ها -> شهرک‌های صنعتی استان‌ها -> صنایع) که ارتباط می‌تواند مستقیم باشد (صندوق -> اتاق ایران یا تشکل‌های عضو اتاق -> تولیدکنندگان).

۷. عدم ارتباط میان سازمان حفاظت محیط‌زیست و اتاق ایران، به صورت ریشه‌ای‌تر، متأثر از کلیشه‌های رایج «صنعت = دشمن محیط‌زیست» یا «محیط‌زیست = محیط ایست» بوده‌است و هیچ‌گاه ارتباط سازمان‌یافته و نظام‌مندی میان این دو نهاد برقرار نبوده‌است. به عبارت دیگر، نگرش همگرا نمودن اقتصاد با محیط‌زیست برای توسعه‌ی پایدار، در سطوح ارشد مدیریت سازمان حفاظت محیط‌زیست، نگرشی متداول نبوده و شاید دیدار آقای دکتر سلاجقه، رئیس این سازمان با نمایندگان بخش خصوصی در تاریخ ۳ آبان‌ماه ۱۴۰۱ و توافق بر ایجاد کمیته‌ی همکاری‌های مشترک میان سازمان و اتاق ایران، اولین نمونه از جنس نگرش

توسعه‌ی پایدار و همگرا نمودن اقتصاد و محیط‌زیست در سطح مدیریت ارشد سازمان حفاظت محیط‌زیست در تاریخ این سازمان باشد.

۸. در شرایطی که صندوق ملی محیط‌زیست تا سال ۱۳۹۹ در تأمین هزینه‌های اداری خود نیز دچار مشکل بوده‌است، منابع ورودی به آن بر اساس بندهای «ن» و «و» تیصره ۶ قانون بودجه سال ۱۳۹۹، جهشی در حدود ۵۰ برابر در یک‌سال داشته که طبیعتاً امکان مدیریت مناسب منابع نه در صندوق، و نه هیچ سازمان دیگری به دلیل ارگانیک نبودن رشد سازمان و ماهیت جهش‌وار آن وجود ندارد.

۹. در خصوص ساختار صندوق ملی محیط‌زیست، اولین نکته‌ای که در نگاه اول به ماهیت آن جلب نظر می‌کند، تناقضات موجود در تعریف آن است. مطابق ماده‌ی ۲ اساسنامه‌ی صندوق، «صندوق مؤسسه عمومی غیردولتی وابسته به سازمان حفاظت محیط زیست است که دارای شخصیت حقوقی مستقل و استقلال مالی و اداری بوده...»؛ که وجود قیدهای «وابسته به سازمان» و «شخصیت حقوقی مستقل و استقلال مالی و اداری» در یک عبارت عجیب است. از طرف دیگر نیز مطابق ماده ۹ اساسنامه‌ی صندوق، اعضای مجمع عمومی صندوق عبارتند از رییس سازمان حفاظت محیط زیست، وزیر امور اقتصادی و دارایی، وزیر صنعت، معدن و تجارت، وزیر امور خارجه و معاون برنامه ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور که ترکیب این اعضاء نیز «غیردولتی» بودن آنرا به شدت زیر سوال می‌برد. اصلاح در ساختار مجمع و هیئت‌مدیره صندوق در قالب مشارکت‌محوری و نهادگرایی با حضور نمایندگان بخش خصوصی، ایجاد ارتباط سازمان‌یافته میان صندوق و تشکل‌های عضو اتاق ایران به نمایندگی از صنعت، توانمندسازی گام‌به‌گام بدنه‌ی صندوق و برون‌سپاری امور از جمله اهلیت‌سنجی متقاضیان دریافت تسهیلات، اولویت‌بندی پروژه‌ها، ارزیابی پیشرفت و ارزش‌یابی عملکرد شرکت‌ها به تشکل‌های اقتصادی ممکن است. زیرا قطعاً تشکل‌های اقتصادی و فعالان کسب‌وکار شرایط بازار، نیازها، استعدادها و توانمندی‌های آنرا بهتر از هر نهاد یا سازمان دولتی دیگری می‌شناسند و قادر به اولویت‌بندی آنها هستند.

۱۰. جدای از موقعیت ایجاد حلقه‌ی بسته و تعارض منافع در ساختار صندوق ملی محیط‌زیست مبتنی بر تصمیم‌گیری مدیران سازمان حفاظت محیط‌زیست برای اعطای تسهیلات از طرف صندوق به ادارت کل زیرمجموعه‌ی سازمان و هر نهاد مورد نظر ایشان؛ تعریف جرائم ناشی از تخریب محیط‌زیست به عنوان منبع درآمد برای یک سازمان حاکمیتی، به صورت خودبه‌خود زمینه‌ساز ایجاد موقعیتی چسبنده برای تعارض منافع، عبارت از «آلایندگی بیشتر = درآمد بیشتر» می‌گردد که این امر با رشد سازمان از منظر بروکراسی در بستر زمان و افزایش هزینه‌های سازمان متناسب با این رشد، به مرور سازمانی چون صندوق ملی محیط‌زیست را به ضد خود بدل می‌سازد. وقتی توسعه‌ی سازمانی چون صندوق ملی محیط‌زیست تابعی از دریافت جرائم تخریب محیط‌زیست شد و این سازمان با دریافت این جرائم رشد کرد، از یک‌سو تمایل این سازمان به دریافت جریمه‌ی بیشتر به منظور رشد بیشتر بدل می‌گردد و از سوی دیگر کاهش تخریب محیط‌زیست برابر با کاهش درآمدهای سازمان شده که این امر به دنبال خود، ضرورت کاهش ابعاد سازمان را مطرح خواهد نمود و سازمان خودبه‌خود در برابر آن مقاومت نشان خواهد داد.

۱۱. نرخ بهره‌ی تسهیلات اعطایی صندوق ملی محیط‌زیست برای ایجاد واحد صنعتی یا اجرای پروژه‌های رفع آلایندگی در سال ۱۴۰۰ عبارت بوده از ۸ الی ۱۲ درصد که این نرخ مبتنی بر بخشنامه بانک مرکزی در سال ۱۴۰۲ به ۱۳ الی ۱۷ درصد افزایش یافته‌است. مدت زمان بازپرداخت تسهیلات ایجاد واحد یا اجرای پروژه‌های رفع آلایندگی (چه در قالب ارتقاء فرآیند و چه در قالب کنترل آلاینده‌های پس از تولید) نیز ۵ سال است. بر همین اساس، نرخ بهره‌ی این تسهیلات در سال ۱۴۰۰ برای صنایع بسیار جذاب بوده، اما در سال ۱۴۰۲ و با افزایش آن تا ۱۷ درصد، تفاوت آنچنانی با نرخ بهره‌ی بانکی ندارد و شرکت‌های خوش‌حساب و شناخته‌شده، خود رأساً قادر به دریافت تسهیلات با بهره‌های حدود ۱۸ درصد بدون طی مراحل بروکراتیک تصویب پروژه در صندوق ملی محیط‌زیست هستند.

۱۲. تغییر بانک عامل صندوق ملی محیط‌زیست از بانک ملی به بانک توسعه تعاون از دیگر مشکلات موجود در فرآیند اعطای تسهیلات رفع آلایندگی به صنایع است و به گواه بسیاری فعالان اقتصادی، روندهای اداری و بروکراتیک اخذ تسهیلات از این بانک، روندی به مراتب دشوارتر، زمان‌برتر و فرساینده‌تر از روند اخذ تسهیلات از بانک ملی ایران بوده‌است. شایان توجه است که تأخیر و

دشواری‌های بروکراتیک اخذ تسهیلات رفع آلایندگی، وقتی در کنار روند مداوم افزایش تورم و کاهش ارزش پول ملی قرار می‌گیرد، اساساً تمامی محاسبات واحدهای صنعتی را برهم‌زده و اخذ تسهیلات رفع آلایندگی را خالی از معنا می‌کند.

۱۳. منظور ارائه تسهیلات مدیریت یکپارچه‌ی پسماندهای صنعتی، می‌توان راهکارهای زیر را با تأکید بر اصلاح اساسنامه‌ی این صندوق‌ها پیشنهاد نمود:

- افزوده شدن ردیف‌های مرتبط با پروژه‌های کاهش ردپای محیط‌زیستی فعالیت‌های صنعتی به موضوع فعالیت صندوق‌ها
 - افزوده شدن نمایندگان سازمان حفاظت محیط‌زیست و اتاق‌های سه‌گانه (اتاق ایران، اتاق اصناف و اتاق تعاون) به ارکان صندوق‌ها
 - ادغام صندوق‌های مشابه و ایجاد وحدت رویه در سازوکار تخصیص منابع به صندوق‌ها
 - افزایش شاخص‌های حکمرانی خوب و پیاده‌سازی فرآیندهای بلوغ سازمانی به منظور افزایش کارآمدی و اثربخشی تخصیص منابع، افزایش مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها، افزایش برابری، عدالت و قانون‌محوری در روندها و فرآیندهای تخصیص و افزایش شفافیت در گزارش‌دهی سرنوشت منابع از منظر پایداری، تغییر گفت‌وگو و عقلانیت
۱۴. با مطالعه‌ی سازوکار جذب منابع مالی در صندوق‌ها در طول مدت فعالیت ایشان، با تأکید بر جذب منابع توسط برخی از صندوق‌ها با تصویب هیئت‌وزیران در ابتدای تأسیس یا در طول دوره‌ی فعالیت، می‌توان به دو نتیجه‌ی زیر رسید:
- اساساً سازوکار جذب منابع مالی در صندوق‌های حاکمیتی در ایران، از قاعده یا نظام مشخصی تبعیت نمی‌کند و قائم به نظر اشخاص در دولت‌های مختلف و شاید حتی بر مبنای میزان نفوذ نهاد متولی آن صندوق در تصمیم‌گیری‌های نهاد حاکمیت است.
 - تاکنون از نظر دولت‌های مختلف، تزریق منابع مالی به صندوق ملی محیط‌زیست در اولویت نبوده و به نظر هم نمی‌رسد سازمان حفاظت محیط‌زیست بازیگری قوی و صاحب نفوذ در تصمیم‌گیری‌های نهاد حاکمیت باشد.

فصل ۴: بررسی دیدگاه‌های جامعه درباره ارتباط اقتصاد و محیط‌زیست در حکمرانی

در این فصل از پژوهش با توزیع پرسشنامه‌هایی پیرامون نسبت اقتصاد و محیط‌زیست در حکمرانی، دیدگاه‌های جامعه هدف گردآوری و بررسی می‌گردد و در مواردی نیز یافته‌های این پژوهش در مقایسه با دیدگاه‌های جامعه ارزیابی می‌گردد.

۴.۱. ساختار پرسشنامه‌ها

به منظور گردآوری دیدگاه‌ها، شناخت دغدغه‌ها و اولویت‌بندی چالش‌ها از نقطه‌نظر فعالان بخش خصوصی یا دولتی، در این بخش از پژوهش، پرسشنامه‌هایی طراحی گردیده که بر اساس آن بتوان راهکارهایی به منظور بیشینه‌سازی همگرایی اقتصاد و محیط‌زیست یافت. این پرسشنامه که به صورت ناشناس پاسخ داده می‌شود، در قالب ۶۰ سوال طراحی شده و مدت زمان پاسخگویی به آن ۲۰ دقیقه محاسبه شده است. پرسشنامه‌ی یادشده در پیوست ۲ ارائه گردیده است.

ساختار پرسشنامه به ترتیب زیر است:

۱. بخش اول پرسشنامه شامل ۱۱ سوال، مختصات جامعه‌ی هدف را از منظر فعالیت در بخش خصوصی یا دولتی، رده‌ی سنی، سابقه‌ی شغلی، ابعاد بنگاه اقتصادی، جایگاه آن در زنجیره‌ی ارزش، فعالیت در سازمان‌های مردم‌نهاد و میزان علاقه به دنبال کردن مطالب مرتبط با اقتصاد و محیط‌زیست ترسیم می‌نماید.
 ۲. بخش دوم پرسشنامه شامل ۱۰ سوال با محوریت دانش محیط‌زیستی است که دارای پاسخ درست یا نادرست هستند و از پاسخگو تقاضا می‌شود این بخش را بر اساس دانش کنونی خود پاسخ دهد. هدف از این بخش آن است که میزان دانش و تخصص محیط‌زیستی پاسخگو را مورد ارزیابی قرار دهد.
 ۳. بخش سوم پرسشنامه شامل ۷ سوال با محوریت حکمرانی کلان اقتصادی است که در این بخش و سایر بخش‌های پرسشنامه پاسخ درست یا نادرست وجود ندارد و هدف از آن، مشخص کردن نوع نگرش اقتصادی کلان پاسخگو در طیفی میان هماهنگی مبتنی بر بازار و هماهنگی بروکراتیک است.
 ۴. بخش چهارم پرسشنامه شامل ۱۸ سوال با محوریت حکمرانی کلان اقتصادی در ایران است که هدف از این بخش، مشخص کردن دیدگاه پاسخگو در خصوص موضوعات مرتبط با شیوه‌ی هماهنگی، شرایط اقتصادی، تأمین مالی و نحوه نقش‌آفرینی حاکمیت در حکمرانی اقتصادی و میزان دخالت دولت در بازار است.
 ۵. بخش پنجم پرسشنامه شامل ۷ سوال به واکاوی دیدگاه پاسخگو در حکمرانی کلان محیط‌زیست بر مبنای ابزارهای دستوری و ابزارهای مبتنی بر بازار می‌پردازد.
 ۶. بخش ششم و پایانی پرسشنامه نیز شامل ۷ سوال به آشنایی پاسخگو با صندوق ملی محیط‌زیست و ارزیابی حد پذیرش و انتظارات وی در قبال نرخ بهره در اخذ تسهیلات می‌پردازد.
- در طراحی این پرسشنامه تلاش گردیده که سوالات کوتاه، ساده و تا حد امکان دو گزینه‌ای بوده و هر سوال تنها به یک موضوع بپردازد. از طرف دیگر تا حد امکان از ایجاد سوگیری‌های شناختی ناشی از ترتیب سوالات جلوگیری گردیده و توالی سوالات حالتی متعادل داشته‌باشد. همچنین به منظور صحت‌سنجی و بررسی متقابل اعتبار پاسخ‌ها^{۳۴}، سوالات سوال زیر، که از منطقی نزدیک به یکدیگر پیروی می‌کنند، در بخش‌های مختلف پرسشنامه طراحی شده‌اند.
- انتظار نگارنده بر این بوده که پاسخگو به این سوالات پاسخی متحد دهد. بنابراین پرسشنامه‌هایی که در آنها به هر سه گروه از این پرسش‌ها، پاسخ‌های غیرمتحد یافت شود، از اعتبار ساقط بوده و از فرآیند بررسی خارج می‌گردند:

³⁴ Cross-Checking

پرسش‌های مرتبط با فرآیند صحت‌سنجی

<p>۴۷. به نظر شما پیاده‌سازی کدامیک از موارد زیر در ایران، می‌تواند به حفظ محیط‌زیست بیشتر کمک کند؟</p> <ul style="list-style-type: none"> • نقش‌آفرینی مقتدرانه نهاد حاکمیت در جامعه (شیب زیاد هرم قدرت و اختیارات گسترده نهاد حاکمیت) • نقش‌آفرینی مشارکت‌محور نهاد حاکمیت، شهروندان و بخش خصوصی (شیب کم هرم قدرت و تنظیم‌گری روابط میان نهادها توسط حاکمیت) 	<p>۲۲. کدامیک از موارد زیر را ترجیح می‌دهید؟</p> <ul style="list-style-type: none"> • اصولاً خیر و سعادت جامعه از طرف حاکمیت به مردم (از بالا به پایین) در جامعه تسری پیدا می‌کند. • اصولاً خیر و سعادت جامعه از طرف مردم به حاکمیت (از پایین به بالا) در جامعه تسری پیدا می‌کند.
<p>۳۰. کدامیک از موارد زیر را ترجیح می‌دهید؟</p> <ul style="list-style-type: none"> • فروش نفت توسط دولت و ورود مستقیم منابع حاصل از آن به اقتصاد کشور به منظور معیشت بهتر نسل‌های کنونی (الگوی کشورهای عربی) • فروش نفت توسط دولت و جلوگیری از ورود منابع حاصل از آن به اقتصاد به منظور سرمایه‌گذاری بر فعالیت‌های مولد برای نسل‌های آینده ولو به قیمت فشار به نسل‌های کنونی (الگوی کشورهای اروپایی) • فروش نفت توسط شرکت‌ها و مالکان منابع نفتی (مالکیت خصوصی منابع) و پرداخت مالیات از طرف شرکت‌ها به دولت‌ها 	<p>۲۸. کدامیک از موارد زیر را ترجیح می‌دهید؟</p> <ul style="list-style-type: none"> • اگر در زیر زمین متعلق به شخصی، یک منبع نفتی کشف شود، این منبع باید متعلق به مالک زمین باشد. • اگر در زیر زمین متعلق به شخصی، یک منبع نفتی کشف شود، این منبع جزء منابع ملی است و به همه مردم کشور تعلق دارد.
<p>۴۹. به نظر شما پیاده‌سازی کدامیک از موارد زیر در ایران، می‌تواند به حفظ محیط‌زیست بیشتر کمک کند؟</p> <ul style="list-style-type: none"> • تدوین قوانین، مقررات، الزامات و استانداردهای سخت‌گیرانه‌تر با ضمانت اجرایی بالا • آزاد کردن اقتصاد، کاهش ریسک فضای کسب‌وکار و ایجاد فضای رقابتی میان بنگاه‌های اقتصادی 	<p>۳۲. کدامیک از موارد زیر را ترجیح می‌دهید؟</p> <ul style="list-style-type: none"> • حمایت از فعالان اقتصادی در ایران، نیازمند قانون‌گذاری، اجرا و نظارت دقیق بر حسن اجرای آنها است. • حمایت از فعالان اقتصادی در ایران، نیازمند مقررات‌زدایی و کاهش مداخلات دولت‌ها در مناسبات اقتصادی است.

جدول ۲ - گروه پرسش‌های مرتبط با فرآیند اعتبارسنجی پاسخ‌ها

۴.۲. نحوه توزیع و گردآوری پرسشنامه‌ها و آمار مشارکت در پاسخگویی

پرسشنامه‌های یادشده به صورت آنلاین روی سایت پرس‌لاین به آدرس <https://survey.porsline.ir/s/RFuAXHx9> از تاریخ ۱۴۰۲/۷/۲۹ تا ۱۴۰۲/۸/۱۳ قرار گرفت و از طریق شبکه‌های مختلف، از جمله امور تشکل‌ها و کمیسیون‌های اتاق ایران و اتاق تهران و همچنین کانال‌ها و گروه‌های مربوط به اتحادیه صنایع بازیافت در فضای مجازی به مخاطبان اطلاع‌رسانی شد. تعداد پاسخ‌های دریافت‌شده در این مدت ۱۵۰ پاسخ با نرخ پاسخ‌دهی ۴۸ درصد بوده است^{۳۵}. پاسخ‌ها نیز در ۶۳ درصد از موارد از طریق موبایل، در ۳۶ درصد از کامپیوتر و در ۱ درصد از موارد از تبلت ارسال گردیده‌اند.

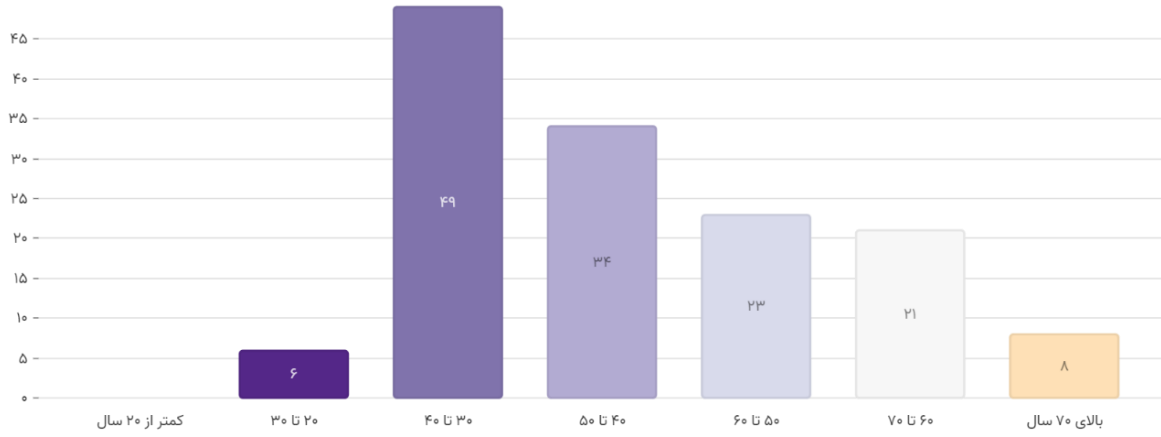
۴.۳. تحلیل پاسخ‌ها

بر اساس تحلیل پاسخ‌های پرسشنامه‌ها، ۹ پاسخ در فرآیند صحت‌سنجی رد می‌شوند. مشروح پاسخ‌ها در پیوست ۳ ارائه گردیده است. بر این اساس در سرفصل‌های این پرسشنامه‌ها نتایج از قرار زیر است:

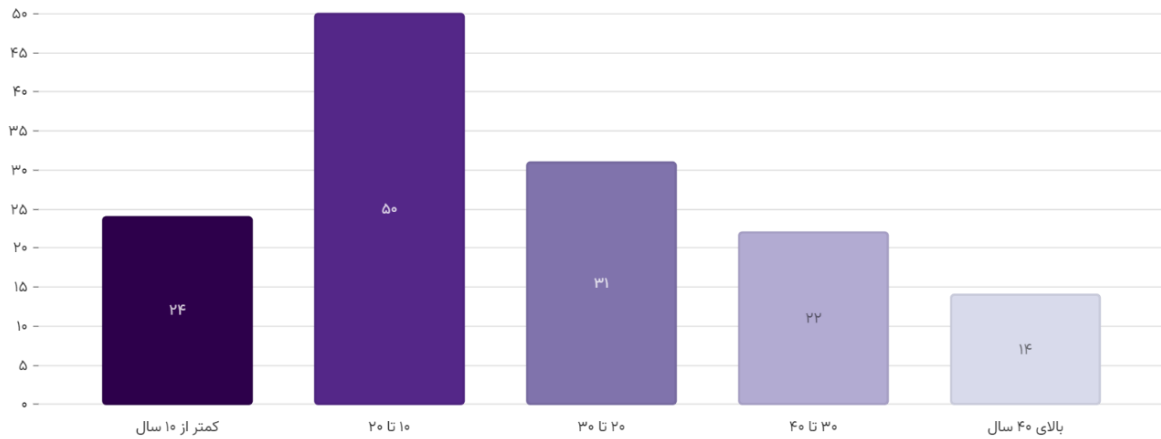
^{۳۵} نسبت تعداد کسانی که پرسشنامه را تا انتها پاسخ داده‌اند به کسانی که آنرا شروع کرده‌اند.

۴.۳.۱. مختصات جامعه‌ی هدف

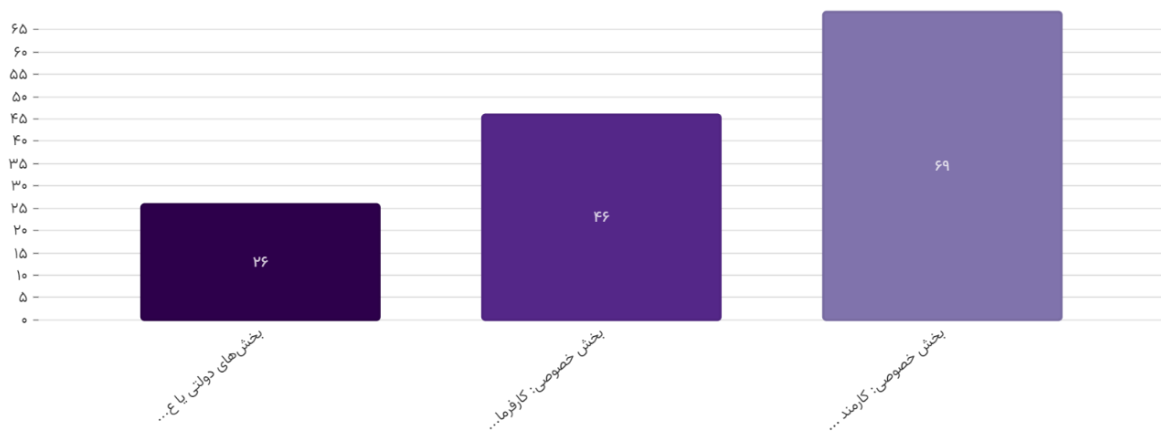
نتایج بخش اول این پرسشنامه، یعنی شرایط جامعه هدف از منظر رده‌ی سنی، سابقه‌ی کاری، تجربه شغلی، محل فعالیت، جایگاه در زنجیره‌ی ارزش، نوع محصول، ابعاد بنگاه و همچنین مشارکت در تشکل‌ها و علاقه به دنبال کردن مسائل اقتصاد کلان و محیط‌زیست در نمودارهای زیر ارائه گردیده‌است:



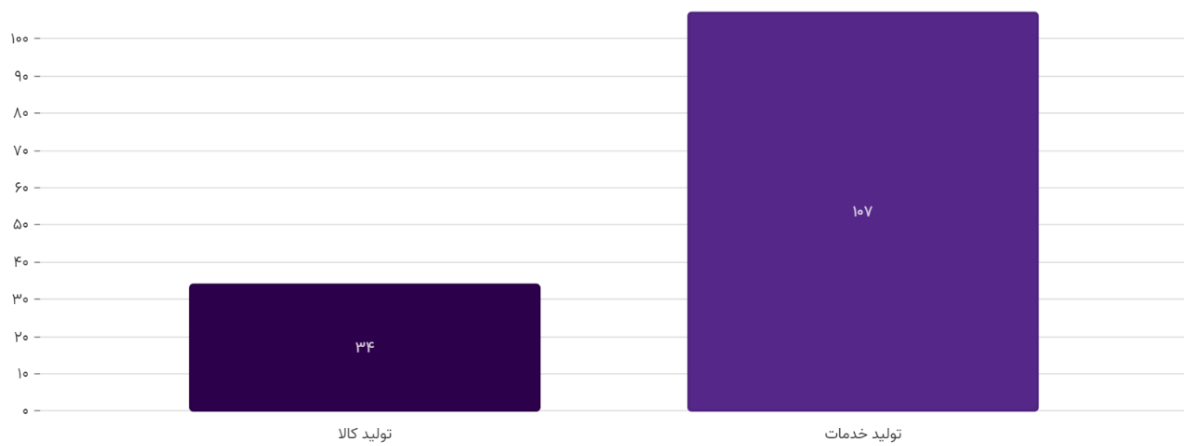
شکل ۱۰ - پراکندگی پاسخ‌دهندگان از نظر گروه سنی



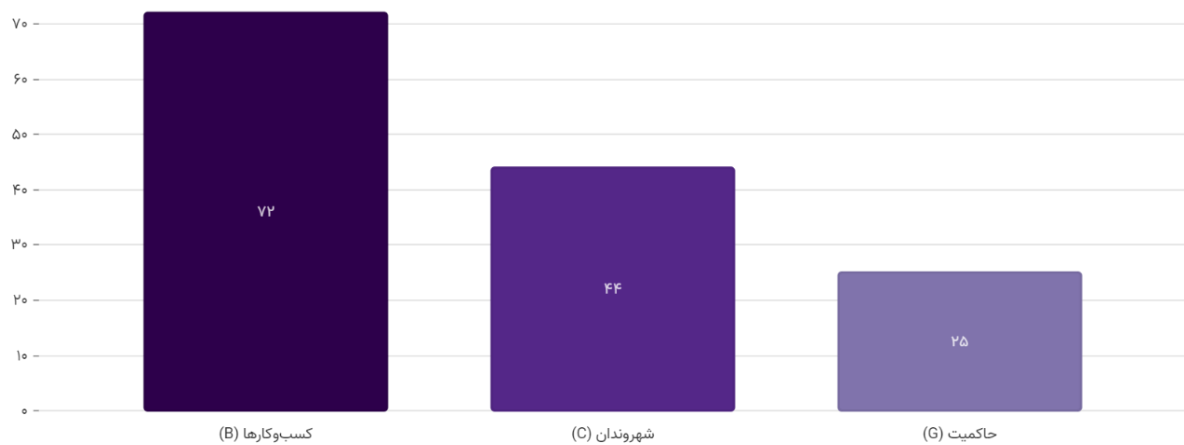
شکل ۱۱ - پراکندگی پاسخ‌دهندگان از نظر میزان سابقه‌ی کاری



شکل ۱۲ - پراکندگی پاسخ‌دهندگان از نظر تجربه شغلی (از راست به چپ: کارمند بخش خصوصی، کارفرمای بخش خصوصی و کارمند بخش‌های حاکمیتی)



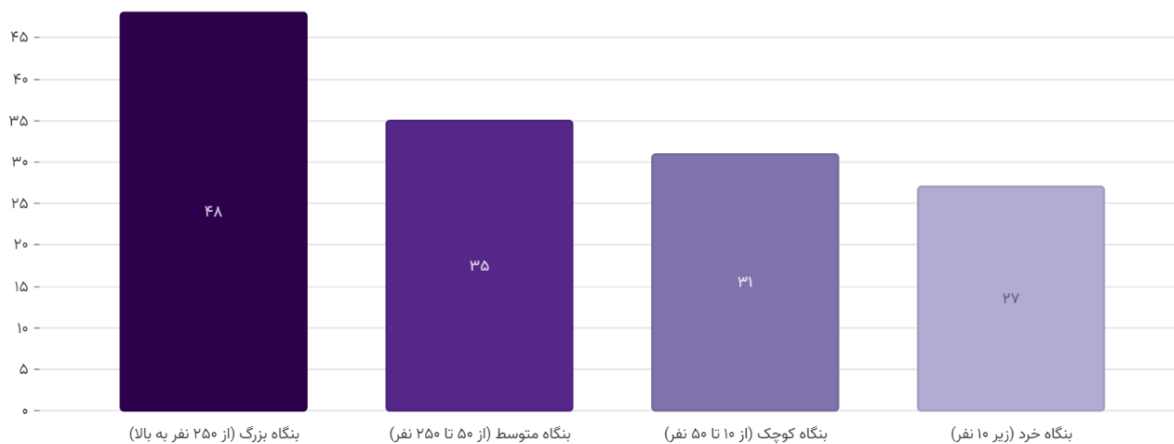
شکل ۱۳ - پراکندگی نوع محصول از جنس تولید کالا یا تولید خدمات در جامعه‌ی هدف



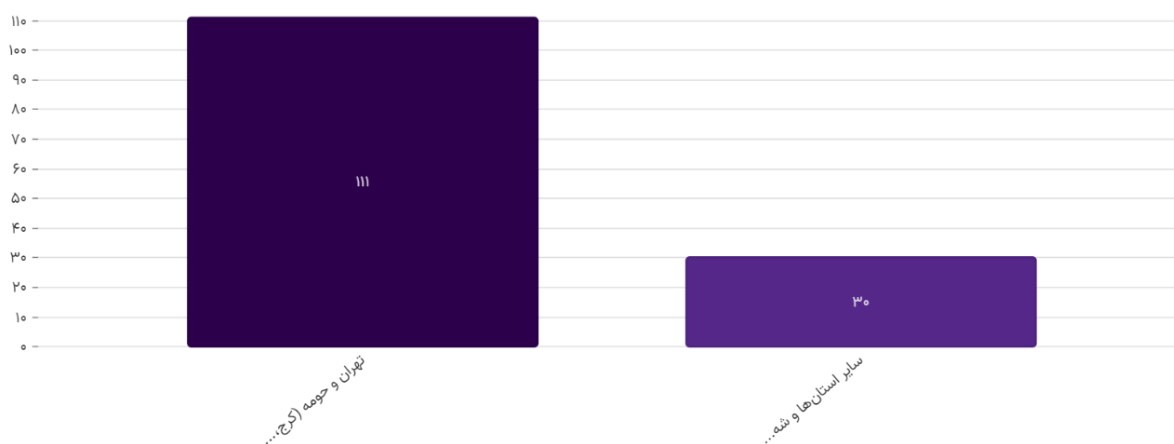
شکل ۱۴ - پراکندگی نوع محصول تولیدی از منظر مشتریان عمده



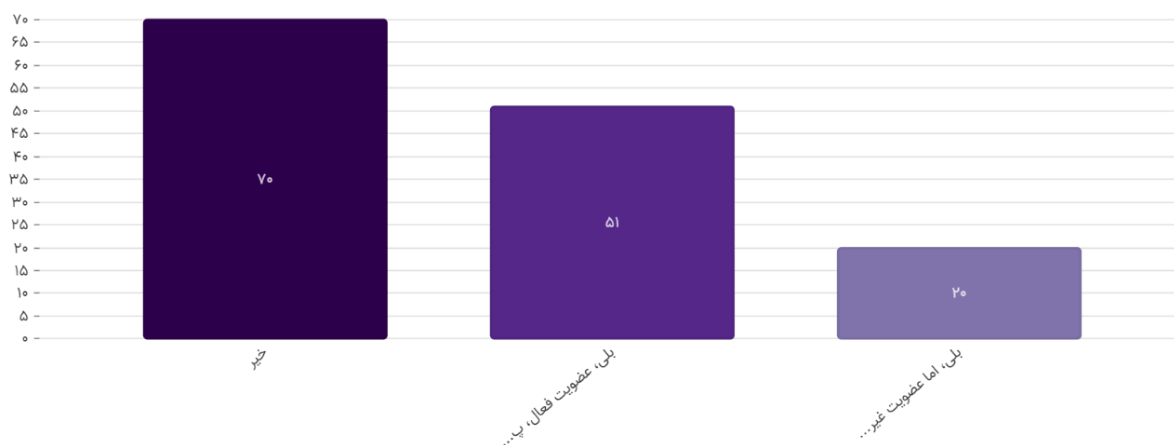
شکل ۱۵ - پراکندگی نوع محصول تولیدی از جنس محل آن در زنجیره ارزش (از راست به چپ: در محل‌های گوناگون زنجیره، در انتهای زنجیره، در میانه‌ی زنجیره و در ابتدای زنجیره)



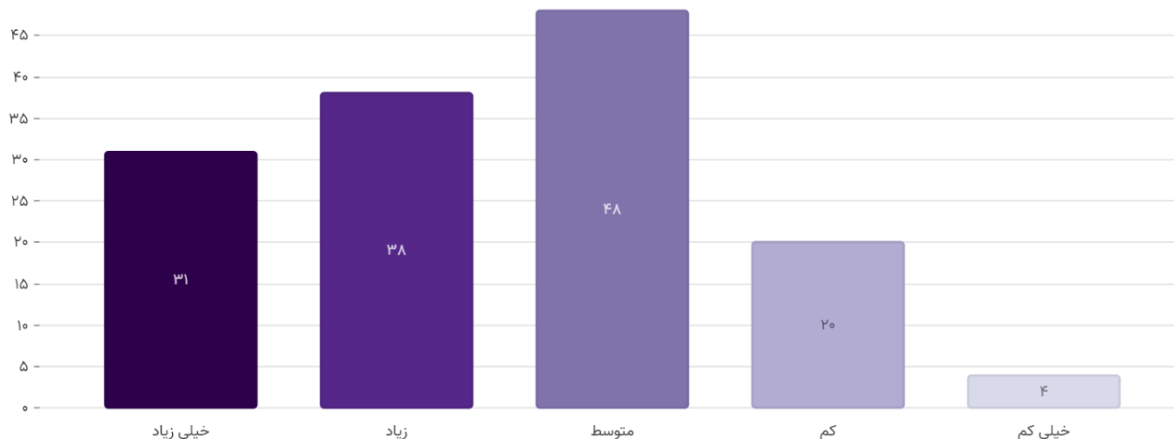
شکل ۱۶ - پراکندگی پاسخ‌دهندگان از نظر ابعاد بندگاه اقتصادی



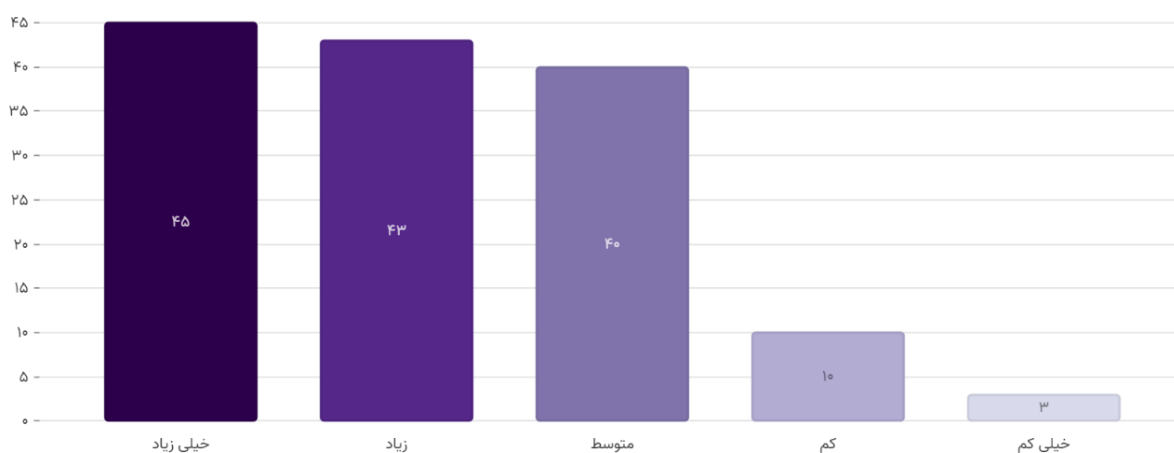
شکل ۱۷ - پراکندگی پاسخ‌دهندگان از نظر جغرافیای فعالیت (راست: تهران و حومه (کرج، اسلامشهر، شهریار، شهرقدس، شهرری، ورامین، پردیس و...)، مشهد، اصفهان، شیراز، تبریز و اهواز - چپ: سایر استان‌ها و شهرستان‌ها)



شکل ۱۸ - مشارکت جامعه هدف در تشکل‌های غیردولتی مانند سمن، تشکل اقتصادی، تشکل علمی، حزب سیاسی، موسسه‌ی خیریه، NGO و... (از راست به چپ: عضویت غیرفعال، عضویت فعال و عدم عضویت)



شکل ۱۹ - میزان علاقه و تمایل جامعه هدف به دنبال کردن مسائل مرتبط با اقتصاد کلان



شکل ۲۰ - میزان علاقه و تمایل جامعه هدف به دنبال کردن مسائل مرتبط با محیط زیست و توسعه پایدار

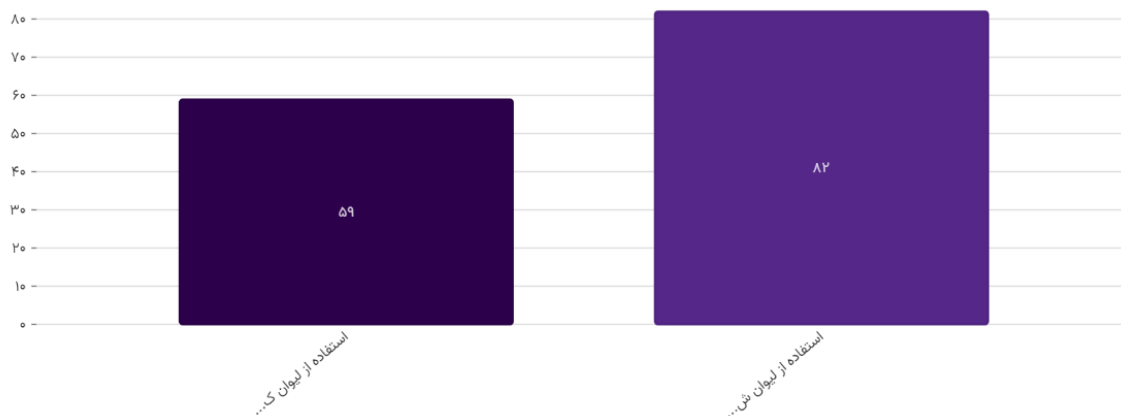
بر اساس مطالعه‌ی جامعه‌ی هدف در این پژوهش، نتایج زیر حاصل می‌گردد:

۱. از منظر رده‌ی سنی، هرم سنی پاسخ‌دهندگان شباهت بسیار زیادی به هرم سنی کشور داشته و میزان شهرنشینی تقریباً برابر با رقم ۷۴ درصدی شهرنشینی در ایران است. [28]
۲. در میان پاسخگویان، از منظر تولید کالا و تولید خدمات نسبت ۱ به ۳ حاکم است.
۳. از منظر ابعاد بنگاه اقتصادی در این پرسشنامه، تعداد پاسخ‌دهندگان نسبت مستقیم با ابعاد بنگاه اقتصادی دارد. این امر به نوعی خود موید ساختار عجیب اقتصاد ایران است که در آن تمرکز اقتصاد در بنگاه‌های بزرگ و بالادستی بوده، و عملاً بنگاه‌های خرد، کوچک و متوسط توانی برای رقابت و توسعه در اقتصاد ایران ندارند. این در حالی است که سهم SME ها از اشتغال در اروپا بالای ۸۵ درصد است. [29]
۴. از نظر دنبال کردن مسائل مرتبط به محیط زیست و توسعه پایدار، در بیش از ۶۲ درصد از پاسخ‌دهندگان علاقه‌ای زیاد به این امر وجود دارد که این خود نمودی امیدوارکننده برای فعالان محیط زیست می‌تواند باشد.

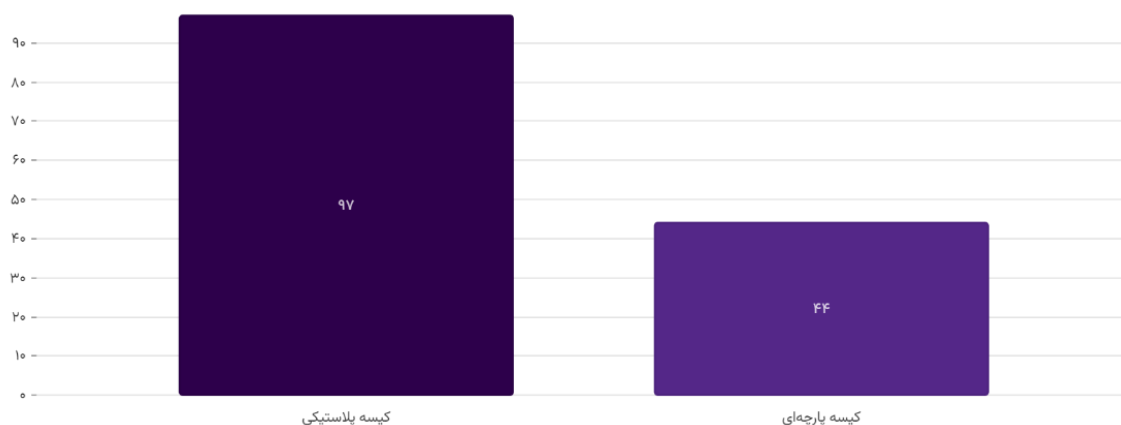
۴.۳.۲. دیدگاه‌های عمومی محیط‌زیستی

در بخش دوم از این پرسشنامه تلاش بر سنجش کیفی سطح دانش محیط‌زیستی جامعه‌ی هدف در قالب ۱۰ سوال بوده‌است. سوالات این بخش در دامنه‌ای میان موضوعات مرتبط به ردپای محیط‌زیستی فعالیت‌های روزمره، کلیشه‌های نادرست مرسوم در رسانه‌ها، دانش تخصصی از اثر گلخانه‌ای، ظرفیت زیستی، اقتصاد چرخشی و باور عملی به اهمیت محیط‌زیست در زندگی طراحی گردیده‌اند.

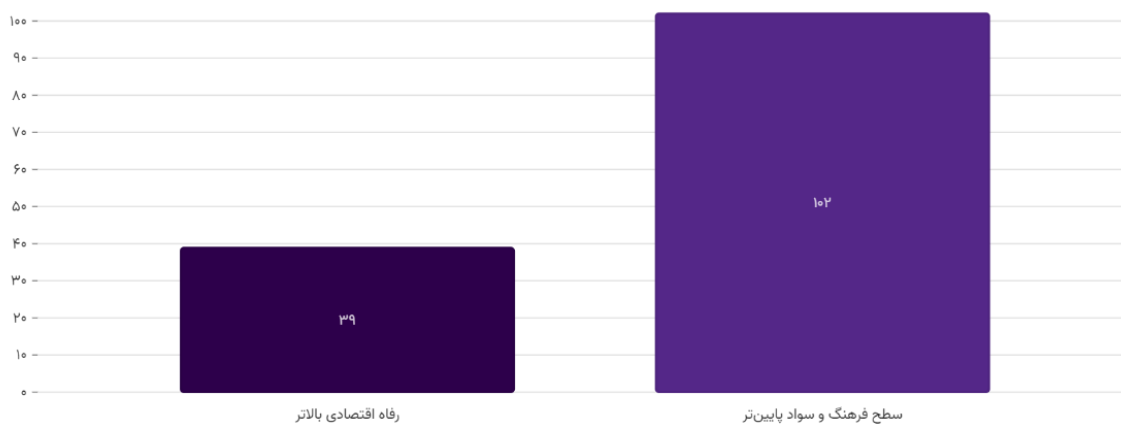
سوالات این بخش دارای پاسخ‌های صحیح و غلط بوده و نتایج مطلقاً امیدوارکننده نبوده‌است؛ چرا که در اغلب موارد، به نظر می‌رسد دانش محیط‌زیستی جامعه‌ی هدف نه بر پایه‌ی تحقیق و مطالعه، بلکه بر پایه‌ی کلیشه‌های رسانه‌ای یا سوگیری‌های شناختی بوده‌است. نمودارهای زیر فراوانی پاسخ‌ها به پرسش‌های بخش دوم را ارائه می‌دهند:



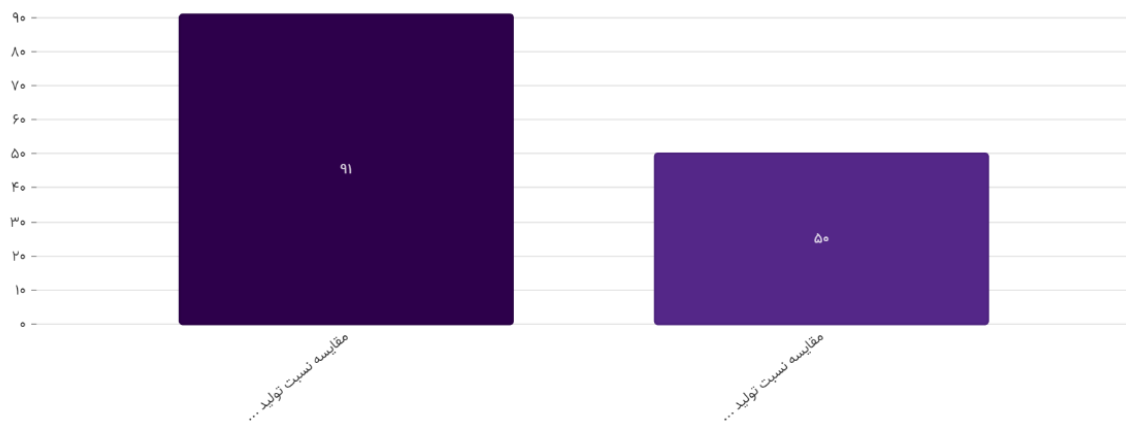
شکل ۲۱ - در سوال ۱۲، از این پرسیده شد که فشار استفاده از لیوان شیشه‌ای و شستشوی آن در ماشین ظرفشویی بر محیط‌زیستی کمتر است یا لیوان کاغذی و بازیافت آن پس از تفکیک پسماند در مبدأ و جمع‌آوری. ۸۲ نفر از پاسخ‌دهندگان، گزینه صحیح (لیوان شیشه‌ای) را انتخاب نموده‌اند.



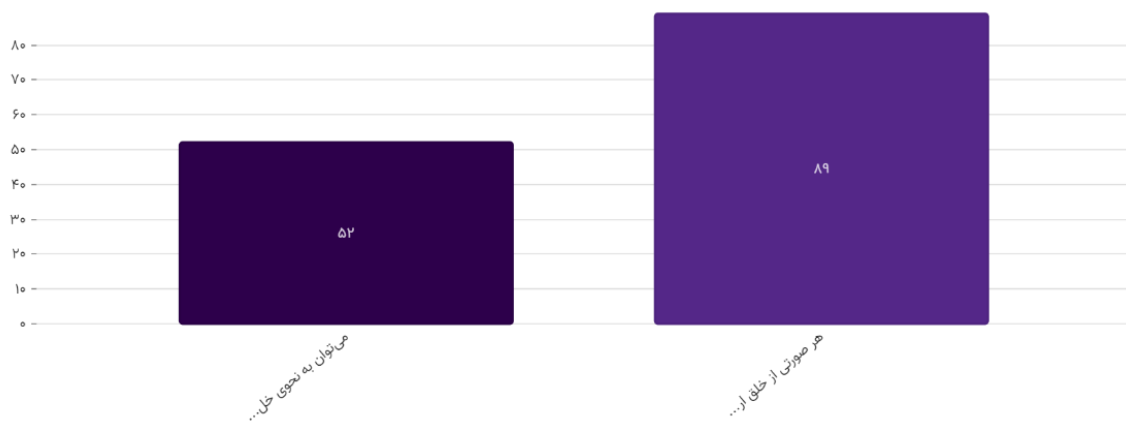
شکل ۲۲ - در سوال ۱۳ از این پرسیده شد که ردپای محیط‌زیستی (مصرف منابع، انتشار کربن و...) تولید کیسه پلاستیکی بیشتر است یا کیسه‌ی پارچه‌ای. بیش از دو سوم پاسخ‌دهندگان، پاسخ غلط داده‌اند. در مرحله‌ی تولید و بدون در نظر گرفتن رهاسازی زباله‌ها در طبیعت، ردپای محیط‌زیستی کیسه پارچه‌ای حدوداً ۲۱۰۰۰ برابر کیسه پلاستیکی است.



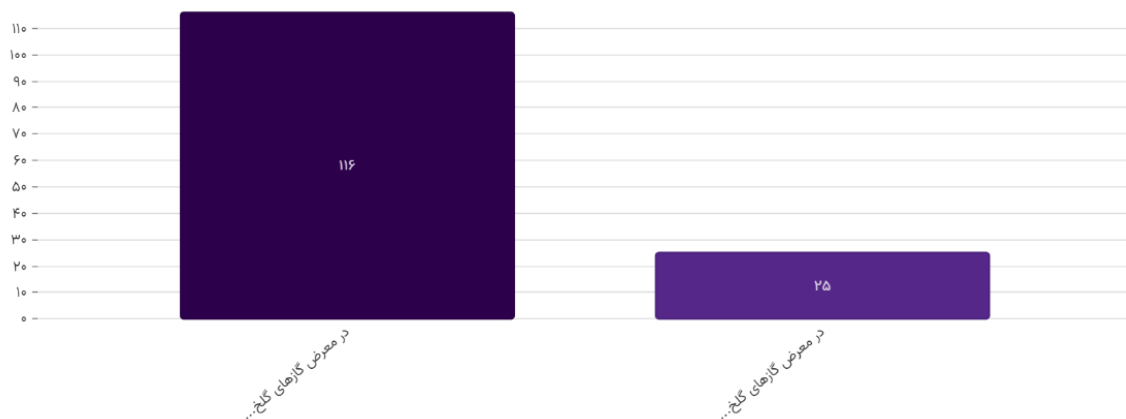
شکل ۲۳ - در سوال ۱۴ در خصوص ارتباط سطح رفاه اقتصادی یا سطح فرهنگ و سواد، با میزان تولید پسماند، تقریباً اغلب پاسخ‌دهندگان، پاسخ غلط داده‌اند. تولید پسماند در کشورها از سطح رفاه اقتصادی و یا قدرت خرید و توان مصرف تبعیت می‌کند. بر همین اساس، به طور مثال کشور آلمان بیش از دو و نیم برابر ایران پسماند تولید می‌کند.



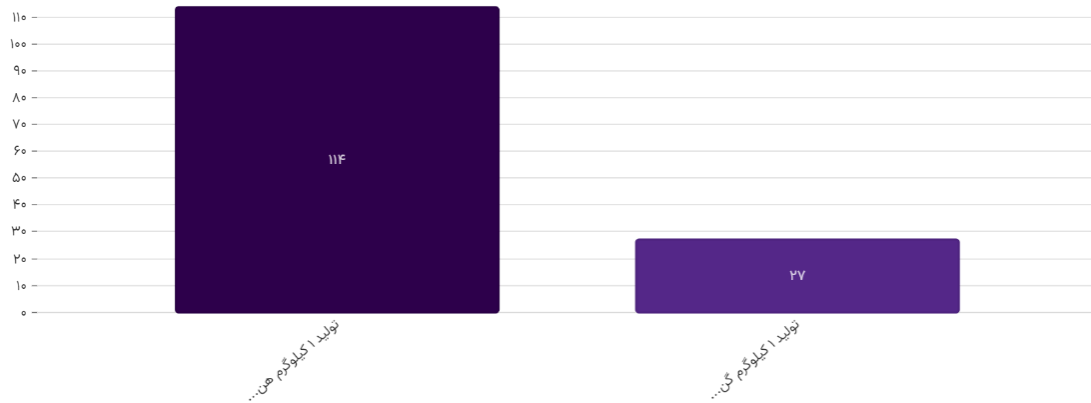
شکل ۲۴ - در سوال ۱۵، از میان دو معیار پیشنهادی برای ارزیابی میزان تولید پسماندها در یک کشور است، اکثر پاسخ‌دهندگان گزینه‌ی صحیح، یعنی مقایسه نسبت تولید پسماند با تولید ناخالص داخلی را انتخاب نموده‌اند. میانگین جهانی تولید پسماند، به دلیل ورود کشورهای کمتر توسعه‌یافته و فقیر به محاسبات، معیاری گمراه‌کننده است و در ارزیابی و مقایسه کشورها، بهتر از کشورهای برای اساس GDP per Capita دسته‌بندی شوند.



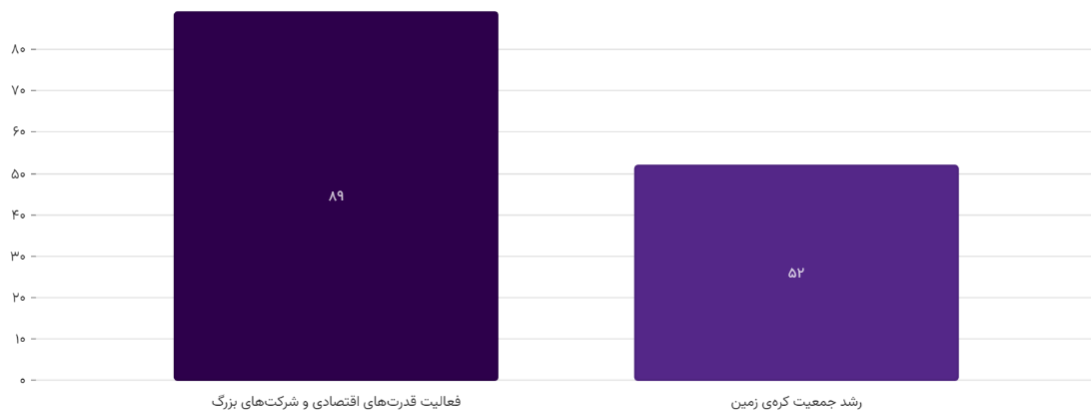
شکل ۲۵ - در سوال ۱۶، با توجه به قانون دوم ترمودینامیک، هر گونه‌ای از توسعه، خلق ارزش و ایجاد مطلوبیت، خواه‌ناخواه با میزانی از تخریب محیط و افزایش آنتروپی همراه خواهد بود که اکثر پاسخ‌دهندگان، به این پرسش پاسخ صحیح داده‌اند.



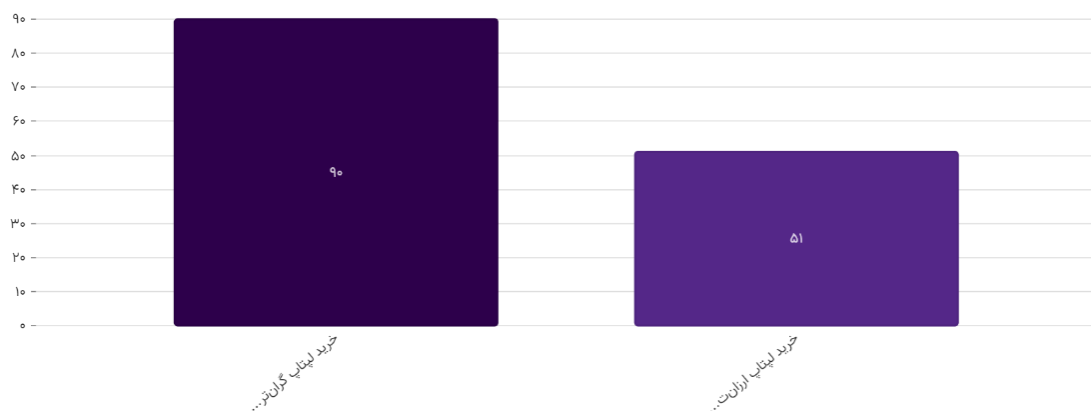
شکل ۲۶ - در سوال ۱۷، اکثریت قاطع پاسخ‌دهندگان، میزان تأثیرات در معرض گازهای گلخانه‌ای قرار گرفتن بر سلامت انسان را شدید دانسته‌اند، که این پاسخ غلط است. در معرض گازهای گلخانه‌ای اصلی شامل H_2O ، CO_2 ، CH_4 ، NO_x ، گازهای هالوژنه و سایر گازهای گلخانه‌ای قرار گرفتن، به صورت مستقیم تأثیر قابل ملاحظه‌ای بر سلامت انسان نداشته و اثرات ثانویه‌ی آنهاست (گرمایش زمین، ایجاد ذرات معلق، تخریب لایه‌ی اوزون و...) که حیات بشر بر کره‌ی زمین را به مخاطره می‌اندازد.



شکل ۲۷ - در سوال ۱۸ نیز به نظر می‌رسد اکثریت قاطع پاسخ‌دهندگان، تحت تأثیر کلیشه‌ها و جنجال‌های رسانه‌ای با محوریت صادرات آب مجازی در کشت هندوانه، مصرف آب آنرا بالاتر از کشت گندم دانسته‌اند. حال آنکه هندوانه در جهان یک‌چهارم و در ایران تا یک‌دهم گندم آب مصرف می‌کند، بر خاک‌های فقیر و خشک عمل می‌آید و بازار صادراتی بسیار خوبی دارد؛ هر چند کارکرد رسانه‌ای برای دولت‌ها در پروپاگاندا مشهور «خودکفایی در کشت گندم» را ندارد.

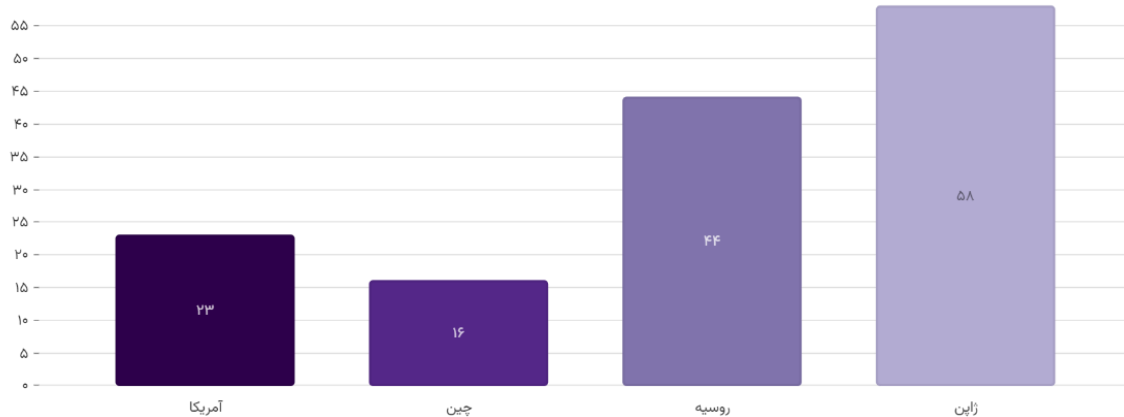


شکل ۲۸ - در سوال ۱۹ نیز به نظر می‌رسد اغلب پاسخ‌دهندگان، تحت تأثیر کلیشه‌های رسانه‌ای، تخریب محیط‌زیست را نتیجه‌ی فعالیت قدرت‌های اقتصادی دانسته‌اند، و نه افزایش سرسام‌آور جمعیت کره‌ی زمین در قرن بیستم. حال آنکه کل جمعیت کره زمین در ۲۰۰ سال پیش ۱ میلیارد نفر، در ۱۰۰ سال پیش ۲ میلیارد نفر، در ۵۰ سال پیش ۳.۵ میلیارد نفر، در ۲۵ سال پیش ۶ میلیارد نفر و اکنون ۸ میلیارد نفر است و عملاً در مدت ۲۰۰ سال، جمعیت کره زمین ۸ برابر شده‌است. [30] این امر سبب گردیده که تقریباً در تمام جهان ردپای محیط‌زیستی بشر بیش از ظرفیت زیستی در دسترس شده و عملاً در ۳۰ سال اخیر، روز تخطی زمین^{۳۶} در تقویم به عقب‌تر رانده‌شود. (از اکتبر ۱۹۹۰ به اگوست ۲۰۲۰)



شکل ۲۹ - هدف از طرح سوال ۲۰ ارزیابی باور پاسخ‌دهندگان به اقتصاد چرخشی و غیرمادی‌نگری بوده‌است که مشاهده می‌گردد حدود دو سوم از پاسخ‌دهندگان باور عملی به اقتصاد چرخشی نداشته و همچنان کالای نورا را به کالای مصرف‌شده، حتی به شرط ضمانت شرکت تولیدکننده و قیمت کمتر آن ترجیح می‌دهند.

³⁶ World Overshoot Day



شکل ۳۰ - در سوال ۲۱ و در خصوص مقایسه کشورها از نظر ظرفیت زیستی در دسترسی، تنها حدود ۳۰ درصد از پاسخ‌دهندگان گزینه‌ی درست، یعنی کشور روسیه را انتخاب نموده‌اند. همچنین به نظر می‌رسد انتخاب کشور ژاپن توسط ۴۰ درصد از پاسخ‌دهندگان صرفاً به دلیل وجهه‌ی مقبول آن در جامعه‌ی جهانی از منظر سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و علمی باشد. حال آنکه کشور ژاپن با ۵۷ درصد کسری ظرفیت زیستی، شرایطی به مراتب وخیم‌تر از چین با ۳۴۰ و آمریکا با ۱۱۰ درصد کسری در جهان را دارد. در این رده‌بندی ایران دارای ۳۲۰ درصد کسری و روسیه دارای ۳۰ درصد طراز مثبت است. [31]

بر اساس ارزیابی دانش محیط‌زیستی مخاطبان در این پژوهش، نتایج زیر حاصل می‌گردد:

- در این بخش از پژوهش به جز نگارنده که خود طراح سوالات بوده، هیچ‌یک از پاسخ‌دهندگان موفق نشده‌اند که به تمامی سوالات پاسخ صحیح دهند. همچنین در میان پاسخ‌دهندگان، ۱ نفر به ۹ سوال، ۲ نفر به ۸ سوال، ۴ نفر به ۷ سوال، ۱۵ نفر به ۶ سوال، ۱۸ نفر به ۵ سوال پاسخ صحیح داده‌اند.
- از میان ۸ نفری که به بیش از ۷ سوال پاسخ صحیح داده‌اند، ۴ کارفرما از بخش خصوصی، ۲ کارمند از بخش خصوصی و ۲ نفر شاغل در بخش‌های دولتی و عمومی بوده‌اند.
- در میان پاسخ‌دهندگان، ۱۰۱ نفر (۷۰ درصد از مخاطبان) به کمتر از ۵ سوال پاسخ صحیح داده‌اند.
- با توجه به تمایل و علاقه‌ی جامعه‌ی هدف به مطالعه و دنبال کردن مسائل مرتبط با محیط‌زیست در عین دانش سطحی اکثریت ایشان در خصوص مسائل مرتبط، به نظر می‌رسد جای خالی محتوایی عمیق، علمی، همه‌فهم و به دور از کلیشه‌های رسانه‌ای و سوگیری‌های شناختی برای افزایش سطح دانش و آگاهی محیط‌زیستی جامعه مشاهده گردد.

۴.۳.۳. دیدگاه‌های حکمرانی کلان اقتصادی

بخش سوم این پرسشنامه به منظور ارزیابی نگرش مخاطبان، در اقتصاد کلان در طیفی میان شیوه‌های هماهنگی مبتنی بر بازار (لیبرالیسم) و شیوه‌های هماهنگی بروکراتیک (سوسیالیسم) از نگرش معتدل در هر طیف تا نگرش افراطی در هر طیف است. تقسیم‌بندی گزینه‌ها به عنوان کلید کمی‌سازی و ارزیابی این نگرش در جدول ۳ ارائه گردیده‌اند.

بر اساس محاسبات این بخش، نتایج زیر حاصل گردیده‌است:

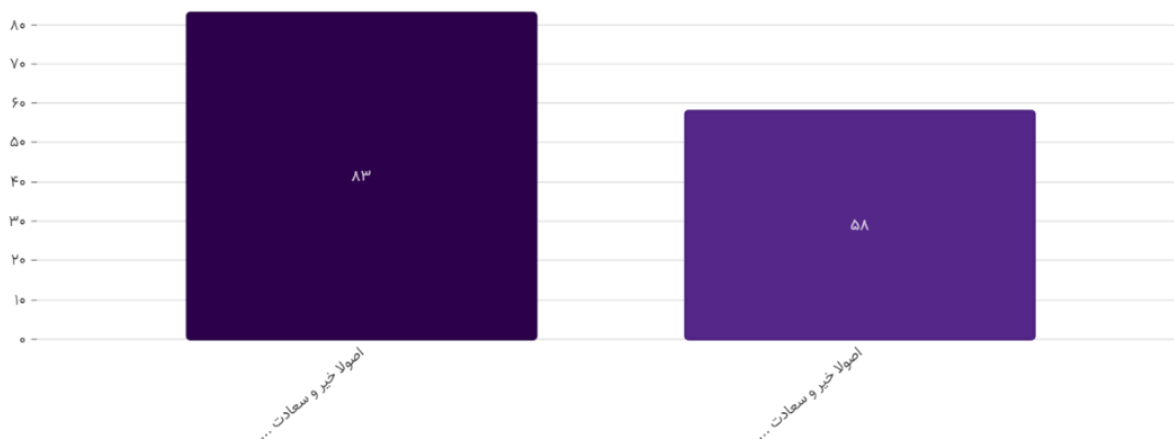
- میانگین نگرش جامعه‌ی هدف در اقتصاد کلان، برابر با عدد ۰.۵ به سمت راست، یعنی بسیار معتدل و اندکی متمایل به شیوه‌های هماهنگی مبتنی بر بازار (لیبرالیسم) گردید.
- در میان پاسخ‌دهندگان، ۴ پاسخگو شامل ۳ کارفرما و ۱ کارمند در بخش خصوصی دارای نگرش لیبرال نسبتاً افراطی (بالای ۶۵ به سمت راست) و تنها ۱ پاسخگوی کارفرما در بنگاه اقتصادی خرد دارای نگرش لیبرال بسیار افراطی (۱۰۰ به سمت راست) بوده‌اند.
- در میان پاسخ‌دهندگان، ۱۲ پاسخگو شامل ۲ کارفرما و ۸ کارمند در بخش خصوصی و ۲ کارمند در نهادهای حاکمیتی دارای نگرش سوسیال نسبتاً افراطی (بالای ۶۵ به سمت چپ) و ۴ پاسخگوی کارمند در بخش خصوصی دارای نگرش سوسیال بسیار افراطی (۱۰۰ به سمت چپ) بوده‌اند.
- از میان این جامعه‌ی هدف، جمعاً ۸۶ نفر نگرش لیبرال، ۵۲ نفر نگرش سوسیال و ۳ نفر نگرش کاملاً معتدل داشته‌اند.

طیف پاسخ‌ها از منظر شیوه‌های هماهنگی در حکمرانی کلان اقتصادی

لیبرالیسم افراطی ۲۵ از ۱۰۰ به راست	لیبرالیسم میانه‌رو ۶۵ از ۱۰۰ به راست	سوسیالیسم میانه‌رو ۶۵ از ۱۰۰ به چپ	سوسیالیسم افراطی ۳۵ از ۱۰۰ به چپ
اصولا خیر و سعادت جامعه از طرف حاکمیت به مردم (از بالا به پایین) در جامعه تسری پیدا می‌کند. (۱۰ از ۱۰۰)	اصولا خیر و سعادت جامعه از طرف مردم به حاکمیت (از پایین به بالا) در جامعه تسری پیدا می‌کند. (۱۰ از ۱۰۰)		
داشتن فرصت تحصیل، بیمه خدمات درمانی، بیمه بازنشستگی، حمل‌ونقل عمومی و مواردی از این دست، داشتن فرصت تحصیل، بیمه خدمات درمانی، بیمه بازنشستگی، حمل‌ونقل عمومی و مواردی از این دست، کف حقوقی انسانی است و حاکمیت وظیفه دارد آنها را تضمین نماید. (۱۰ از ۱۰۰)	داشتن فرصت تحصیل، بیمه خدمات درمانی، بیمه بازنشستگی، حمل‌ونقل عمومی و مواردی از این دست، کف حقوقی انسانی است و حاکمیت وظیفه دارد آنها را تضمین نماید. (۱۰ از ۱۰۰)		
در شرایط شکست بازار و لطمه خوردن خیر و سعادت جامعه (مثلا موقعیت ایجاد انحصار توسط یک شرکت یا آلوده کردن محیط‌زیست توسط شرکت‌ها)، حاکمیت نباید در بازار دخالت کند. (۱۵ از ۱۰۰)	در شرایط شکست بازار و لطمه خوردن خیر و سعادت جامعه (مثلا موقعیت ایجاد انحصار توسط یک شرکت یا آلوده کردن محیط‌زیست توسط شرکت‌ها)، حاکمیت باید در بازار دخالت کند. (۵ از ۱۰۰)		
حاکمیت صرفا باید در مقابل اخذ مالیات از جامعه، فعالیت‌های عموما خدماتی را که ماهیتا صرفه اقتصادی ندارند مدیریت و راهبری نماید و وارد بنگاهداری و فعالیت اقتصادی در بازار نشود. (۳۰ از ۱۰۰)	حاکمیت باید در مدیریت اموال عمومی و ثروت‌های جامعه وارد شده و در قالب فعالیت اقتصادی (بنگاهداری) و افزایش ثروت‌های عمومی، رفاه را در جامعه برقرار نماید. (۳۰ از ۱۰۰)		
کنترل تورم توسط دولت باید در اولویت باشد و دولت در اقتصاد به تنظیم‌گری روابط بپردازد. (۱۰ از ۱۰۰)	اشتغال‌زایی با عاملیت دولت باید در اولویت باشد و دولت راسا برای مردم شغل ایجاد کند. (۱۵ از ۱۰۰)		
اعلام ورشکستگی بنگاه‌های اقتصادی ضررده با زیان انباشته‌ی فراوان ولو به قیمت دامن زدن به بحران بیکاری در جامعه (۵ از ۱۰۰)	ادامه‌ی فعالیت بنگاه‌های اقتصادی ضررده با زیان انباشته‌ی فراوان با حمایت و تزریق منابع مالی از دولت و تجدید ارزیابی دارایی‌ها برای جلوگیری از بیکاری پرسنل ایشان (۲۰ از ۱۰۰)		
اگر در زیر زمین متعلق به شخصی، یک منبع نفتی کشف شود، این منبع باید متعلق به مالک زمین باشد. (۱۰ از ۱۰۰)	اگر در زیر زمین متعلق به شخصی، یک منبع نفتی کشف شود، این منبع جزء منابع ملی است و به همه مردم کشور تعلق دارد. (۱۰ از ۱۰۰)		

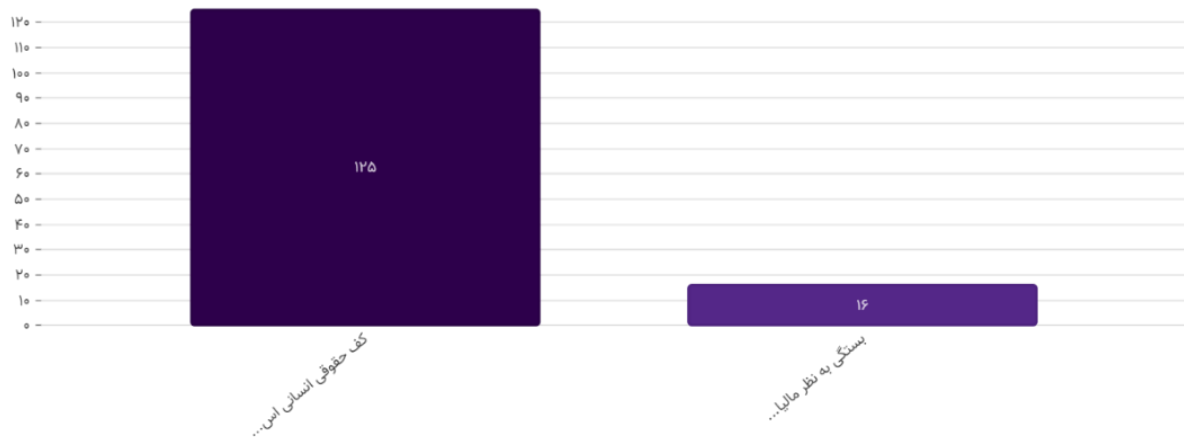
جدول ۳ - کلید کمی‌سازی و ارزیابی نگرش پاسخ‌دهندگان در حکمرانی کلان اقتصادی

۵. میانگین عدد طیف نگرش اقتصادی کارفرمایان بخش خصوصی، برابر با ۰.۵ به سمت راست، یعنی لیبرال بسیار میانه‌رو بوده‌است. میانگین عدد طیف نگرش اقتصادی کارمندان بخش خصوصی نیز معادل ۱ به سمت راست، یعنی لیبرال بسیار میانه‌رو و اندکی بیش از کارفرمایان بوده‌است. شاید علت آنکه گرایش به لیبرالیسم در میان کارمندان از کارفرمایان بیشتر است، به نحوه‌ی شکل‌گیری طبقه‌ی متوسط در ایران با عاملیت حاکمیت بازگردد^{۳۷}. میانگین عدد طیف نگرش اقتصادی، در میان کارمندان دولت و نهادهای حاکمیتی، برابر با ۶.۵ به سمت راست است.
۶. میانگین عدد طیف نگرش اقتصادی در گروه‌های سنی بالای ۷۰ سال برابر با ۶.۸ به سمت چپ، یعنی نگرش سوسیالیستی میانه‌رو بوده‌است. این عدد برای گروه سنی ۶۰ تا ۷۰، برابر ۰.۲ به سمت چپ، گروه سنی ۵۰ تا ۶۰ برابر ۰.۲ به سمت راست، گروه سنی ۴۰ تا ۵۰ برابر ۰.۹ به سمت چپ، گروه‌های سنی زیر ۴۰ سال برابر ۱.۸ به سمت راست است. بر این اساس به نظر می‌رسد در جامعه‌ی هدف، هر چه گروه سنی از بالا به پایین حرکت می‌کند، نگرش اقتصادی نیز از سوسیالیسم میانه‌رو به سوی لیبرالیسم میانه‌رو گرایش می‌یابد.
۷. ۴۵ درصد از کارفرمایان مشارکت‌کننده در این پرسشنامه، در تشکل‌ها عضویت فعال دارند. ۱۳ درصد عضویت غیرفعال و ۴۲ درصد نیز فاقد عضویت در تشکل‌ها هستند. این اعداد در میان کارمندان بخش خصوصی به ترتیب ۳۳، ۱۵ و ۵۲ درصد و در میان کارمندان نهادهای حاکمیتی ۲۷، ۱۵ و ۵۸ درصد است. توزیع آماری پاسخ‌ها در این بخش در نمودارهای زیر ارائه گردیده‌است:

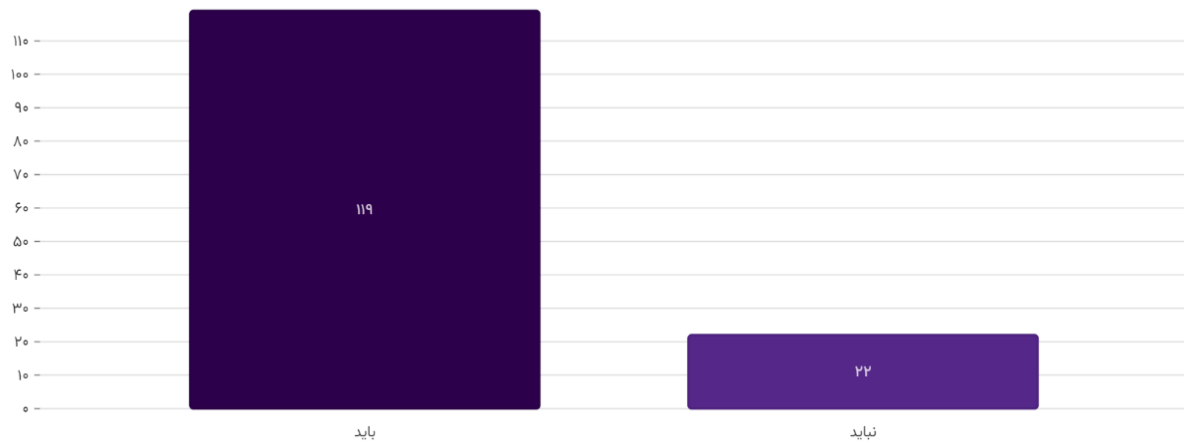


شکل ۳۱- به باور حدود ۶۰ درصد از پاسخ‌دهندگان، خیر و سعادت جامعه از طرف حاکمیت به مردم (از بالا به پایین) تسری می‌یابد که شاید این امر متأثر از ساخت تاریخی جامعه و فرهنگ ایرانی در تسلط و هژمونی بی‌چون‌وچرای امور و نهادهایی چون سنت‌ها، عقاید، خانواده‌ها، حکومت‌ها، پدران، پیشکستان، اساتید و... بر فردیت انسان‌ها در بیش از ۲ هزار سال زیست تمدن و اندیشه‌ی ایرانی باشد. در هر حال آنچه عیان است، عدم باور جامعه به عاملیت خود در تسری خیر و سعادت و قائل شدن نقش اصلی برای حاکمیت به عنوان موتور تغییر در پیش‌برد امور و زیست جمعی است.

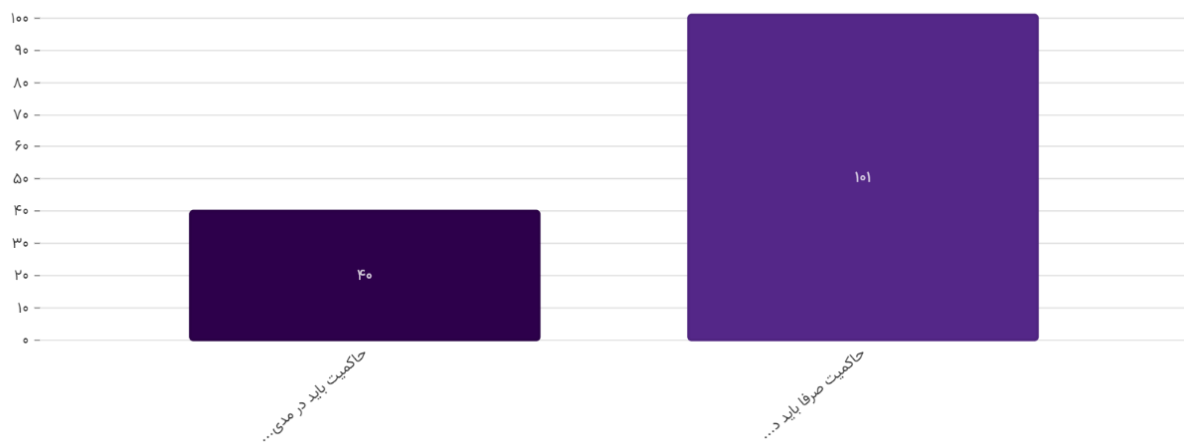
^{۳۷} طبقه‌ی متوسط در ایران در پیش از انقلاب، برخاسته از اجرای نظریه مدرنیزاسیون در ایران است. نظریه مدرنیزاسیون که پس از جنگ جهانی دوم از سوی بلوک غرب به سرکردگی آمریکا تهیه شد، مدلی برای بازسازی، احیای اقتصاد و تحقق توسعه بود، آنچنان که با ایجاد طبقه‌ای متوسط از میان توده‌ها توسط حاکمیت، اولاً برای حاکمیت در جامعه متحد ایجاد نموده و ثانیاً از سوق پیدا کردن توده‌ها به سوی بلوک شرق و شوروی جلوگیری به عمل آید. این سیاست در پیش از انقلاب در قالب اصلاحات ارزی و پس از آن توزیع درآمدهای نفتی در جامعه اجرایی شد. این امر در پس از انقلاب نیز در قالب اجرای سیاست‌های خصوصی‌سازی، پس از جنگ تحمیلی مجدداً در ایران صورت پذیرفت و سبب شکل‌گیری و ظهور طبقه‌ی متوسطی با مطالبات جدید و متفاوت از گذشته در دهه‌های هفتاد و هشتاد در ایران شد.



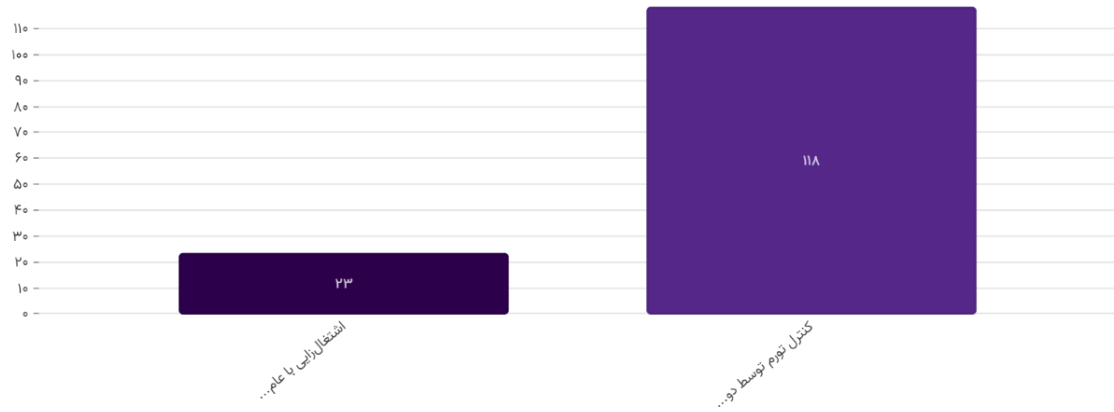
شکل ۳۲ - حدود ۹۰ درصد از پاسخ‌دهندگان تأمین و ایجاد امکان فرصت تحصیل، بیمه خدمات درمانی، بیمه بازنشستگی، ناوگان حمل‌ونقل عمومی و مواردی از این دست برای تمامی افراد جامعه را کف حقوق انسانی و وظیفه‌ی حاکمیت دانسته و پرداخت مالیات برای تأمین این امور را فارغ از نظر مالیات‌هنگدان، ضروری می‌دانند.



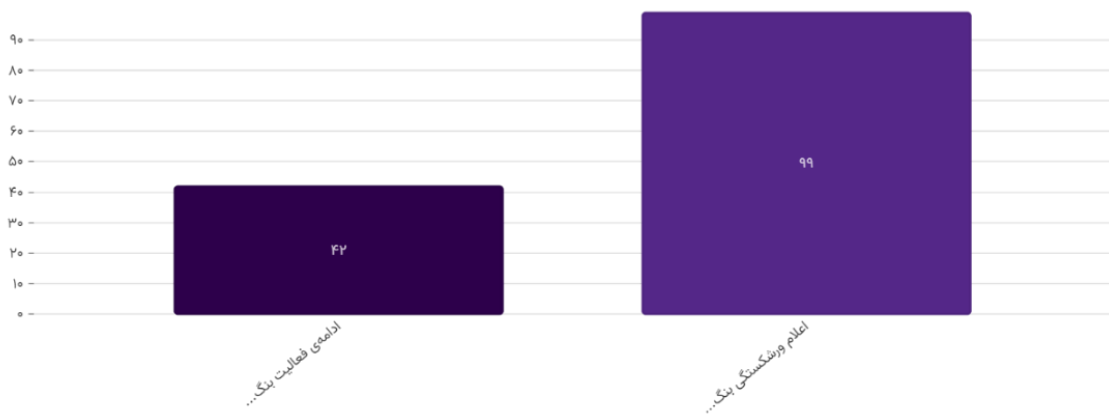
شکل ۳۳ - حدود ۸۵ درصد از پاسخ‌دهندگان دخالت حاکمیت در بازار را در شرایط شکست بازار و لطمه خوردن خیر و سعادت جامعه (مثلاً موقعبیت ایجاد انحصار توسط یک شرکت یا آلوده کردن محیط‌زیست توسط شرکت‌ها) ضروری می‌دانند.



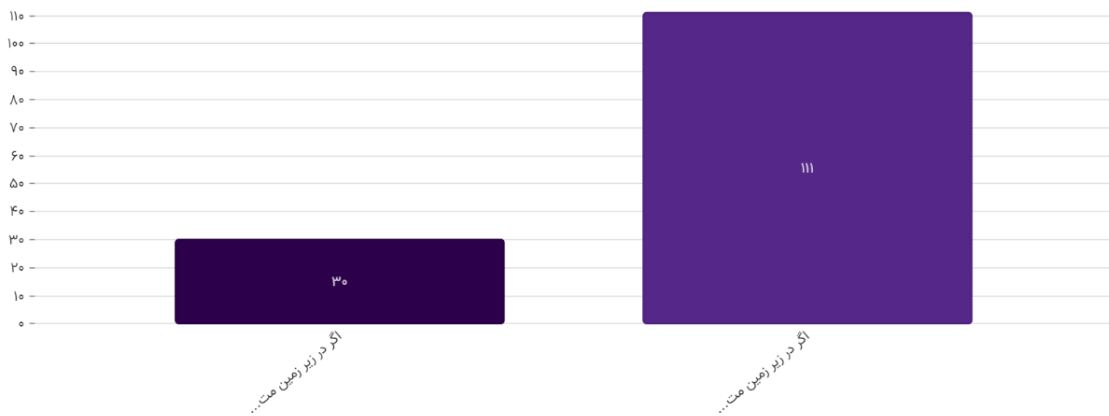
شکل ۳۴ - بیش از ۷۰ درصد پاسخ‌دهندگان معتقدند حاکمیت صرفاً باید در مقابل اخذ مالیات از جامعه، فعالیت‌های عموماً خدماتی را که ماهیتاً صرفه اقتصادی ندارند مدیریت و راهبری نماید و وارد بنگاهداری و فعالیت اقتصادی در بازار نشود. ایشان مدیریت اموال عمومی در قالب فعالیت اقتصادی (بنگاه‌داری) و افزایش ثروت و رفاه جامعه را وظیفه‌ی حاکمیت نمی‌دانند.



شکل ۳۵ - حدود ۸۴ درصد از پاسخ‌دهندگان کنترل تورم و تنظیم‌گری روابط اقتصادی را وظیفه حاکمیت در اقتصاد می‌دانند، نه اشتغال‌زایی توسط حاکمیت را.



شکل ۳۶ - حدود ۷۰ درصد از پاسخ‌دهندگان اعلام ورشکستگی بنگاه‌های اقتصادی ضررده با زیان انباشته‌ی فراوان (ولو به قیمت دامن زدن به بحران بیکاری در جامعه) را به ادامه‌ی فعالیت این بنگاه‌ها با حمایت و تزریق منابع مالی از دولت و تجدید ارزیابی دارایی‌ها (برای جلوگیری از بیکاری پرسنل ایشان) ترجیح می‌دهند.

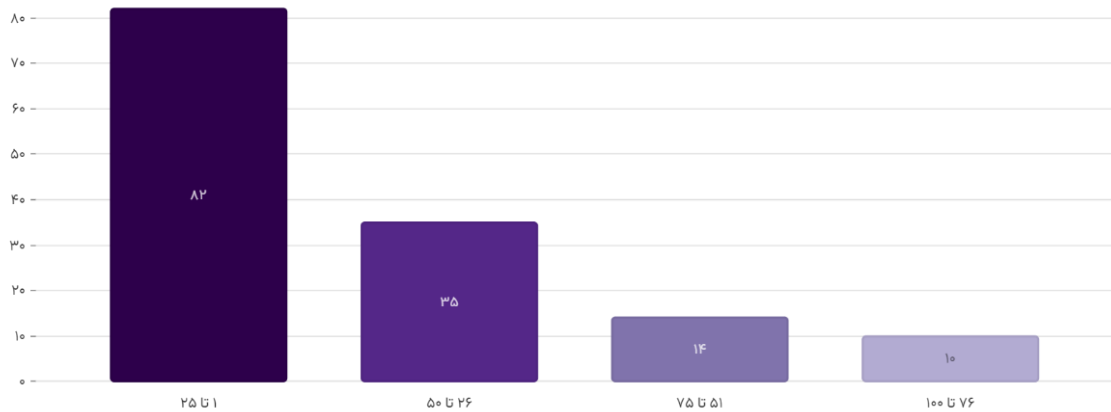


شکل ۳۷ - حدود ۸۰ درصد از پاسخ‌دهندگان مالکیت عمومی منابع نفتی را مالکیت خصوصی آن ترجیح می‌دهند.

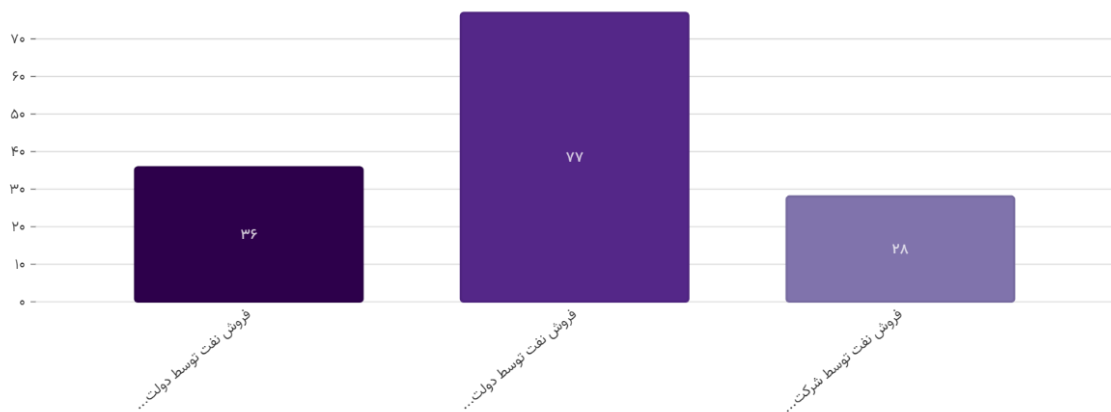
۴.۳.۴. دیدگاه‌های حکمرانی کلان اقتصادی در ایران

بخش چهارم این پرسشنامه، با محوریت حکمرانی کلان اقتصادی در ایران به منظور ارزیابی نگرش مخاطبان پیرامون موضوعات مرتبط با شرایط اقتصادی ایران و نحوه نقش‌آفرینی و میزان دخالت حاکمیت در اقتصاد طرح‌ریزی شده‌است. بر اساس آنچه در این بخش مشاهده می‌گردد، تقریباً در تمامی موارد دیدگاه جامعه‌ی هدف، آشکارا در تعارض با سیاست‌ها و عملکرد حاکمیت در اقتصاد است.

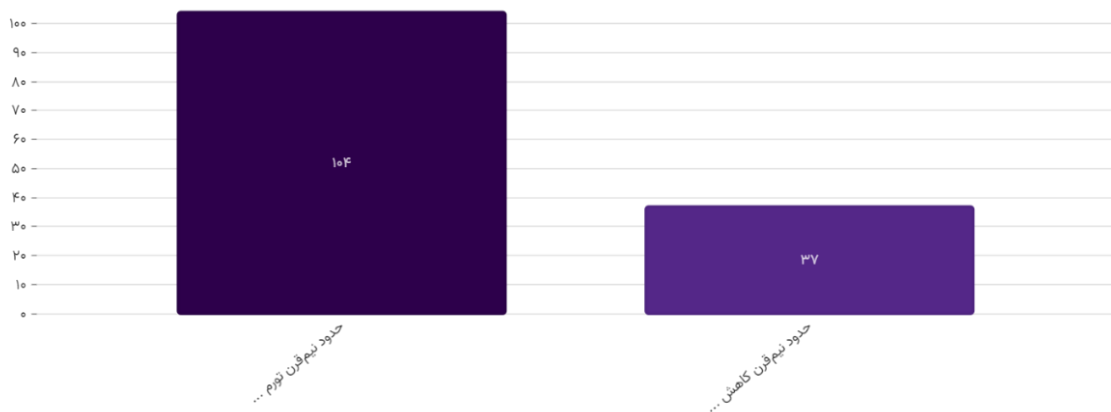
توزیع آماری و فراوانی پاسخ‌های این بخش در نمودارهای زیر ارائه می‌گردد:



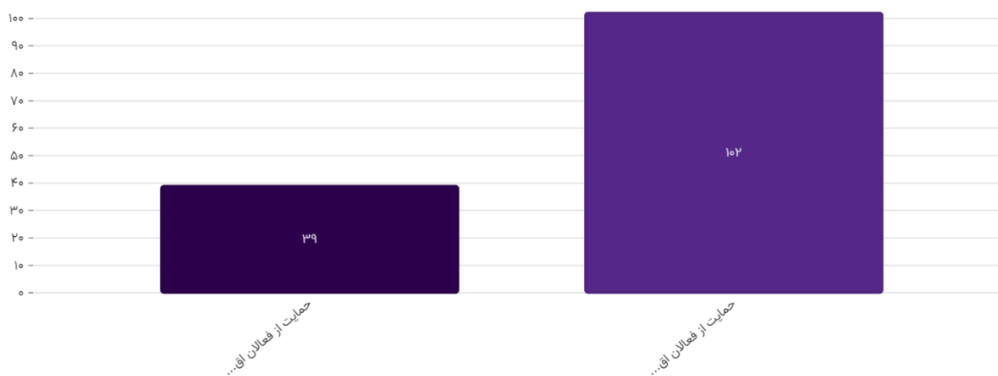
شکل ۳۸ - همانطور که پیش‌تر بیان شد بر مبنای ارزیابی سالیانه بنیاد هریتج، درجه‌ای آزادی اقتصاد ایران برابر با ۴۲ از ۱۰۰ و وضعیت اقتصاد ایران تحت سرکوب است. در این پرسشنامه نیز حدود ۶۰ درصد پاسخ‌دهندگان درجه‌ی آزادی اقتصاد ایران را از ۱ تا ۲۵ و ۲۵ درصد از پاسخگویان ۲۶ تا ۵۰ دانسته‌اند. به عبارت دیگر ۸۵ درصد از پاسخ‌دهندگان اقتصاد ایران را تحت سرکوب دانسته، که بیشتر ایشان، میزان فشار آنرا بیشتر از آنچه ارزیابی بنیاد هریتج محاسبه نموده، حس می‌کنند.



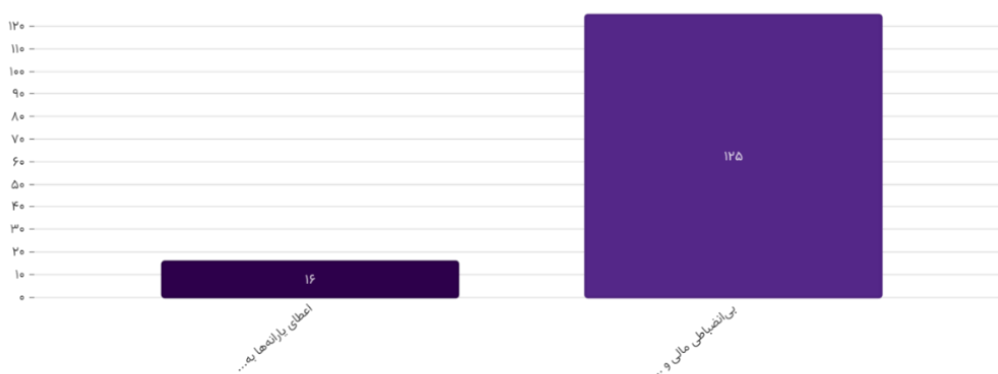
شکل ۳۹ - همانطور که در شکل ۳۶ نشان داده شد، حدود ۸۰ درصد از پاسخ‌دهندگان مالکیت عمومی منابع نفتی را به مالکیت خصوصی آن ترجیح می‌دهند. حال در خصوص نحوه‌ی هزینه‌کرد درآمدهای نفتی، ۲۵ درصد از پاسخ‌دهندگان الگوی کشورهای عربی (فروش نفت توسط دولت و ورود مستقیم منابع حاصل از آن به اقتصاد کشور به منظور معیشت بهتر نسل‌های کنونی)، ۵۵ درصد از پاسخ‌دهندگان الگوی کشورهای اروپایی مانند نروژ (فروش نفت توسط دولت و جلوگیری از ورود منابع حاصل از آن به اقتصاد به منظور سرمایه‌گذاری بر فعالیت‌های مولد برای نسل‌های آینده ولو به قیمت فشار به نسل‌های کنونی) و ۲۰ درصد نیز مالکیت خصوصی مانند آمریکا (فروش نفت توسط شرکت‌ها و مالکان منابع نفتی (مالکیت خصوصی منابع) و پرداخت مالیات از طرف شرکت‌ها به دولت‌ها) را ترجیح داده و برای ایران مناسب می‌دانند.



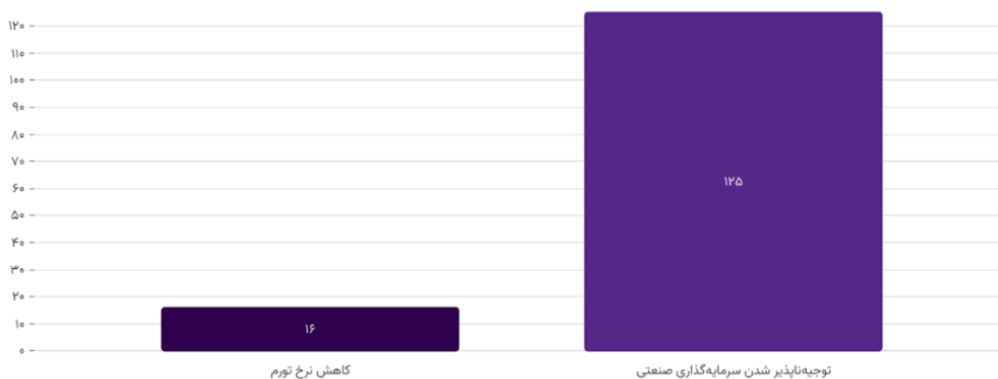
شکل ۴۰ - حدود ۷۵ درصد از پاسخ‌دهندگان حل مشکل نیم‌قرن تورم دو تا سه رقمی ناشی از بی‌انضباطی مالی دولت‌ها و کسری بودجه را نسبت به نیم‌قرن کاهش درآمدهای نفتی و غیرنفتی کشور ناشی از تحریم‌ها و فشار اقتصادی ارجح دانسته و راه‌حل مشکلات اقتصادی کشور را در داخل مرزهای حکمرانی می‌بینند و نه متاثر از تحولات خارج از مرزهای کشور.



شکل ۴۱ - بیش از ۷۰ درصد پاسخ‌دهندگان معتقدند حمایت از فعالان اقتصادی و کسب‌وکارها مستلزم مقررات‌زدایی و کاهش مداخلات دولت‌ها در مناسبات اقتصادی است، و نه قانون‌گذاری، اجرا و نظارت دقیق بر حسن اجرای آن توسط حاکمیت.

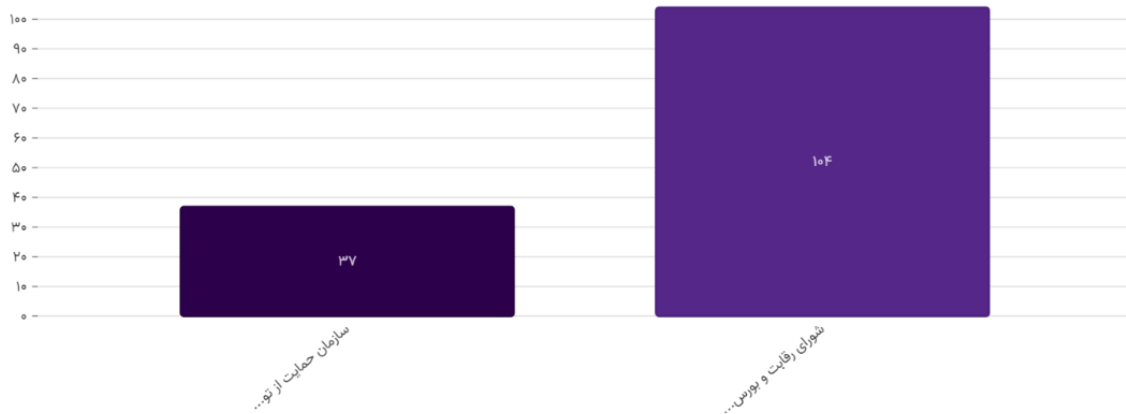


شکل ۴۲ - بر خلاف آنچه مکرراً دولت‌های مختلف در ایران در خصوص مهار تورم با قطع یارانه‌ها و افزایش قیمت خدمات عمومی ادعا کرده‌اند، حدود ۹۰ درصد از پاسخ‌دهندگان علت کسری بودجه و رشد مداوم نرخ تورم را بی‌انضباطی مالی و هزینه‌های زیاد دستگاه بروکراتیک حاکم می‌دانند، و نه اعطای یارانه‌ها به مردم مثل یارانه‌ی انرژی و منابع. در سه دهه‌ی اخیر هیچ دولتی در ایران تمایل به کاهش هزینه‌ها، انضباط مالی و تنظیم بودجه‌ی فاقد کسری نشان نداده‌است و هزینه‌های دولت‌ها، فارغ از شرایط درآمدی کشور، همواره و تاکنون روندی افزایشی نشان داده‌است.

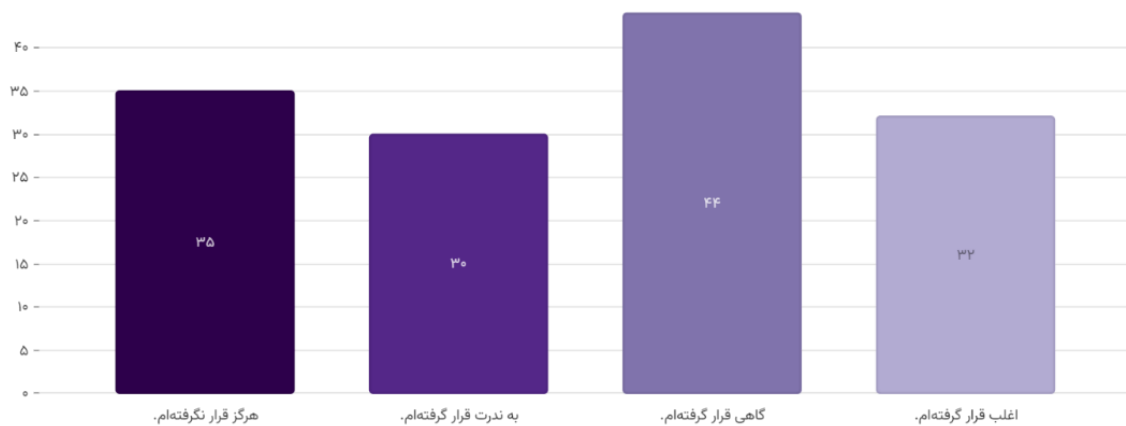


شکل ۴۳ - در خصوص افزایش نرخ بهره‌های بانکی به منظور کاهش تورم نیز، حدود ۹۰ درصد پاسخ‌دهندگان نتیجه را نه کاهش تورم، بلکه توجیه‌ناپذیر شدن سرمایه‌گذاری صنعتی در مقایسه با نرخ بهره‌ی بانکی دانسته‌اند.^{۳۸}

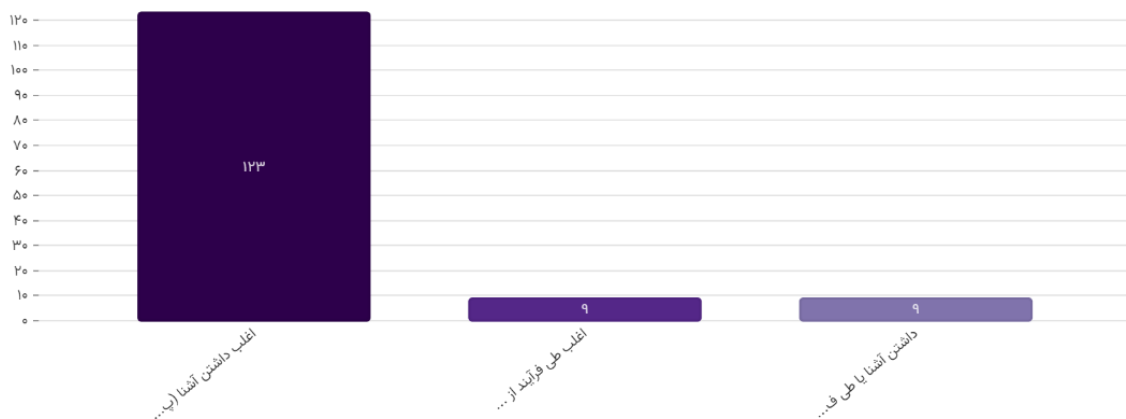
^{۳۸} سود متعارف کسب‌وکاری مانند مدیریت پسماندهای صنعتی در اروپا با احتساب ریسک‌های کسب‌وکار، حدود ۳۰ تا ۳۵ درصد و معادل ۳ سال نرخ بازگشت سرمایه است. حال با در نظر گرفتن نرخ ریسک ناشناخته بازار در ایران، بیماری‌های عدیده فضای کسب‌وکار و پرداخت نرخ بهره‌ی ۲۰ درصدی بدون ریسک از سوی بانک‌ها، هیچ عقل سلیمی حاضر به سرمایه‌گذاری صنعتی در این حوزه نخواهد شد و به سوی سپرده‌گذاری در بانک‌ها رهسپار خواهد گردید. گفتنی است به دلیل تحریم‌ها، موسسات بیمه‌ای بین‌المللی فضای کسب‌وکار در ایران را ارزیابی ریسک نمی‌کنند. بر همین اساس، ریسک کسب‌وکار در ایران ناشناخته است که از High Risk هم بالاتر بوده و حداکثر حق بیمه‌ی سرمایه‌گذاری به آن تعلق می‌گیرد و عملاً هزینه‌ی سرمایه‌گذاری در کشور را به شدت افزایش می‌دهد.



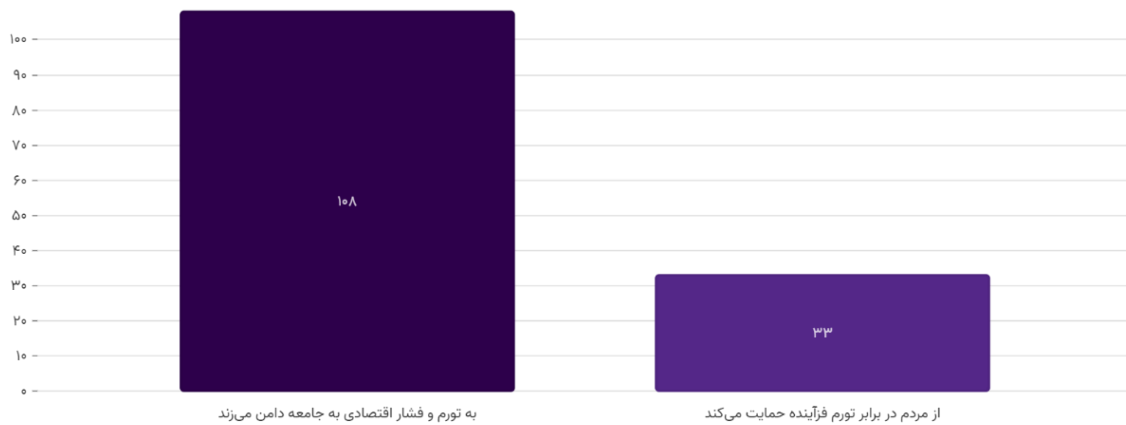
شکل ۴۴ - حدود ۷۵ درصد از پاسخ‌دهندگان وجود و فعالیت شورای رقابت و بورس کالا برای ایجاد فضای رقابتی میان کسب‌وکارها را نسبت به وجود و فعالیت سازمان حمایت از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان و سازمان تعزیرات حکومتی برای مقابله با گرانفروشی تولیدکنندگان و توزیع‌کنندگان ضروری‌تر شمرده‌اند و راه مقابله با گرانی را رقابت، و نه قیمت‌گذاری دستوری و برخورد قهری با گران‌فروشان دانسته‌اند.



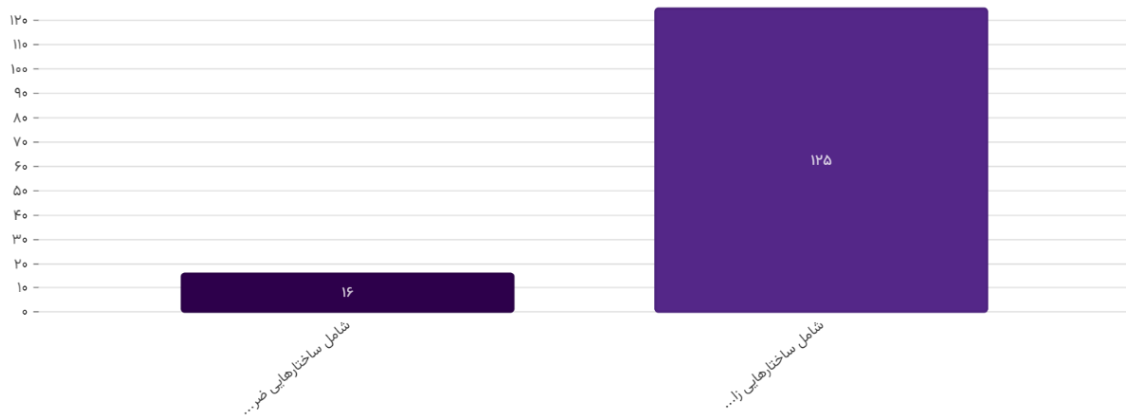
شکل ۴۵ - ۳۱ درصد از پاسخ‌دهندگان در ارتباط با دستگاه‌های حاکمیتی، گاهی در موقعیت درخواست‌های غیرقانونی برای پیشبرد امور (مثل پرداخت رشوه، استخدام اقوام و...) قرار گرفته‌اند. ۲۵ درصد نیز هرگز در چنین موقعیت‌هایی قرار نگرفته‌اند. همچنین حدود ۲۲ درصد از پاسخ‌دهندگان، اغلب یا به ندرت در چنین موقعیت‌هایی قرار گرفته‌اند. از منظر مبارزه با فساد اداری، نتایج این بخش چندان رضایت‌بخش نیست و کفهی ترازو به سمت درخواست‌های غیرقانونی سنگینی می‌کند.



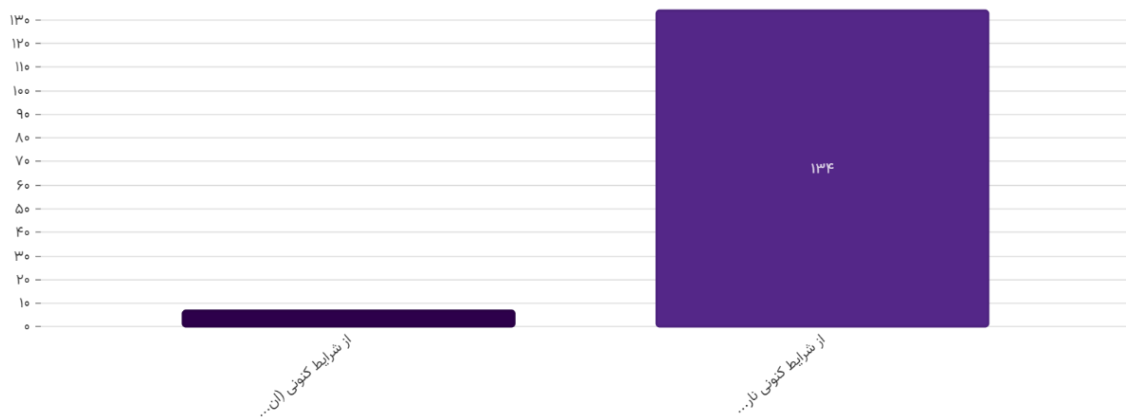
شکل ۴۶ - حدود ۹۰ درصد پاسخ‌دهندگان داشتن آشنا (پارتی، کارچاق کن و...) را در پیگیری امور در نهادهای حاکمیتی اغلب کارسازتر دانسته‌اند. جمع پاسخ‌دهندگانی که طی فرآیند از طرق قانونی و روال‌های مرسوم اداری را کارسازتر دانسته باشند و یا تفاوت چندانی در نتیجه گرفتن از این دو روش قائل نباشند، حدود ۱۰ درصد است.



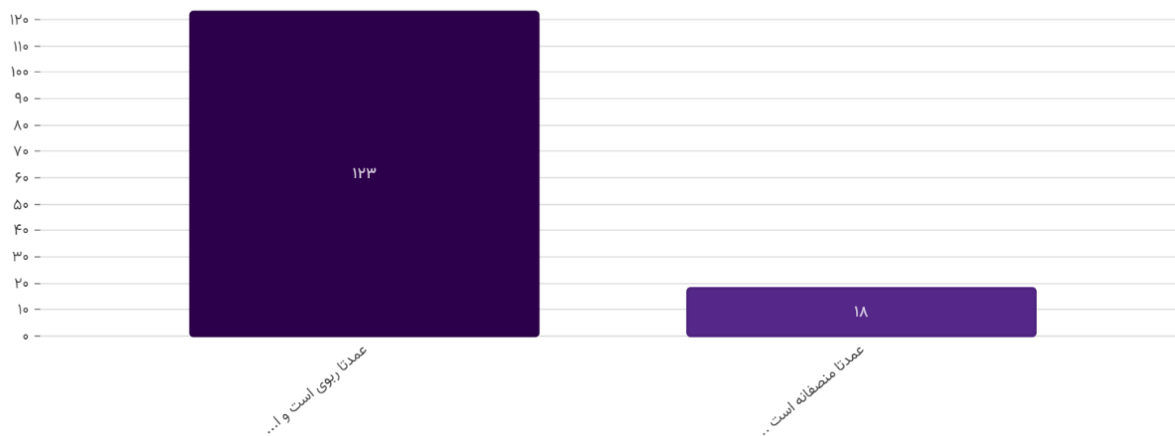
شکل ۴۷ - بیش از ۷۵ درصد پاسخ‌دهندگان تعیین سالیانه‌ی کف دستمزد از سوی دولت را باعث دامن زدن به تورم و فشار اقتصادی، و نه حمایت از مردم در برابر تورم فرآینده می‌دانند. در علم اقتصاد این امر با عنوان ماریپچ تورم-دستمزد مطرح گردیده و از مصادیق حکمرانی اقتصادی دستوری است.



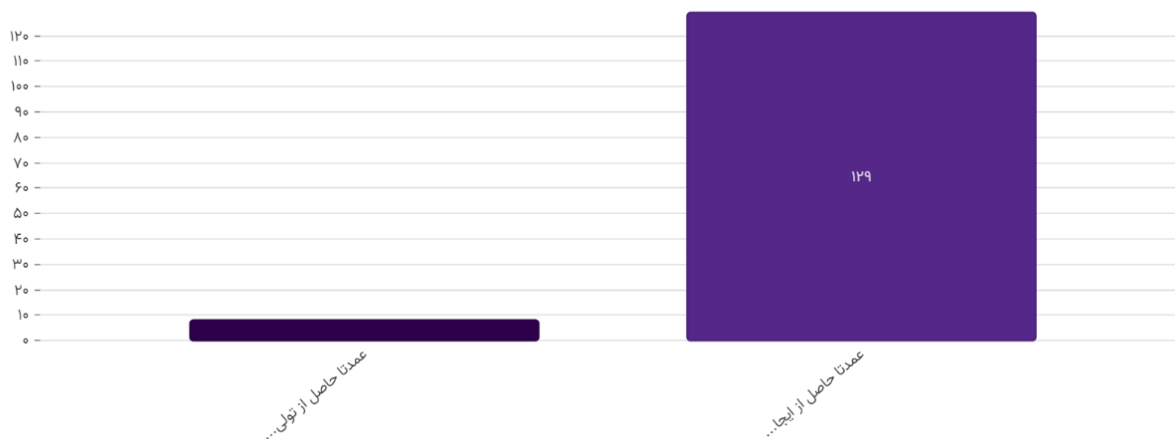
شکل ۴۸ - حدود ۹۰ درصد پاسخ‌دهندگان، بروکراسی اقتصادی حاکمیت در شرایط کنونی (اعم از وزارت امور اقتصادی و دارایی، معاونت اقتصادی ریاست‌جمهوری، شورای اقتصاد، ستاد فرماندهی اقتصاد مقاومتی، ستاد هماهنگی اقتصادی دولت، ستاد توسعه اقتصاد دانش‌بنیان، شورای عالی هماهنگی اقتصادی سران قوا و...) را ساختارهایی زائد، ناکارآمد و متورم می‌دانند که خود باعث دامن زدن به مشکلات اقتصادی می‌شوند.



شکل ۴۹ - حدود ۹۵٪ از پاسخ‌دهندگان از شرایط کنونی در در نقل و انتقال پول و ارتباطات مالی با خارج از کشور (انتقال پول از طریق صرافی‌ها و تهاتر و یا به صورت نقدی و چمدانی) راضی نیستند و ترجیح می‌دادند بتوانند شخصا ارتباط مستقیم بانکی با خارج از کشور داشته‌باشند.



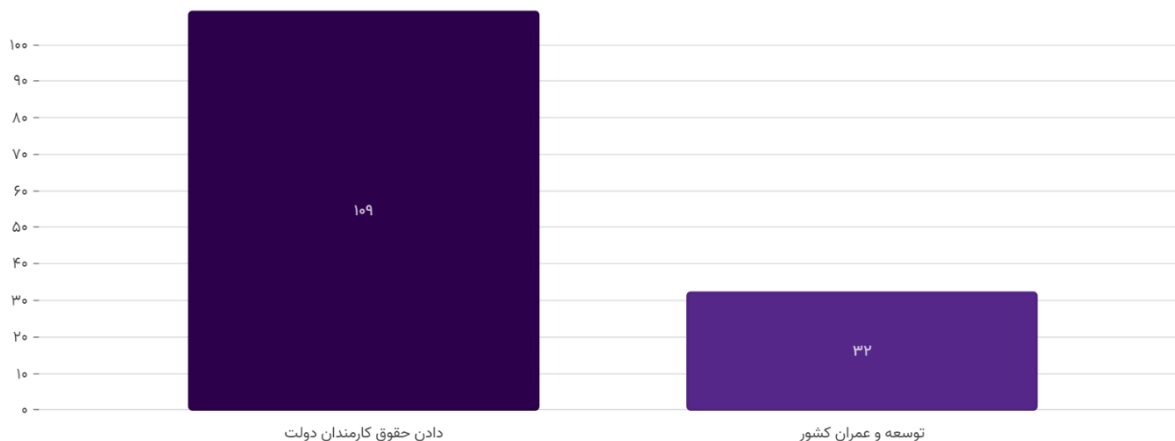
شکل ۵۰ - حدود ۹۰ درصد از پاسخ‌دهندگان نرخ‌های بهره‌ای که بانک‌ها در سیستم بانکداری ایران از گیرندگان تسهیلات دریافت می‌کنند را عمدتاً ربوی، غیرمنصفانه و هنگفت دانسته‌اند.



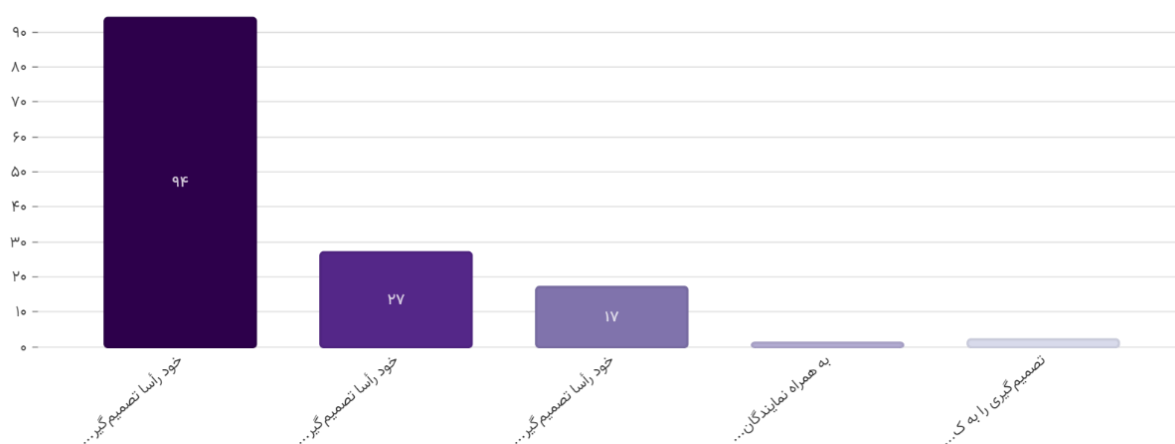
شکل ۵۱ - حدود ۹۰ درصد از پاسخ‌دهندگان نرخ‌های بهره‌ای که بانک‌ها در سیستم بانکداری ایران به سپرده‌گذاران اعطاء می‌کنند را نیز حاصل از ایجاد حساب تورمی، دلالی، سفته‌بازی و سرمایه‌گذاری بانک‌ها در فعالیت‌های غیرمولد اقتصادی برشمرده‌اند؛ نه تولید ارزش افزوده و سرمایه‌گذاری‌ها بانک‌ها در فعالیت‌های مولد اقتصادی.



شکل ۵۲ - به باور بیش از ۹۰ درصد از پاسخ‌دهندگان، نهادهای عمومی در ایران (مثل شهرداری‌ها، سازمان تأمین اجتماعی، سهام عدالت و...) بیشتر به دنبال به حداکثر رساندن سود از فعالیت‌های اقتصادی هستند، نه به حداکثر رساندن کیفیت خدمات ارائه‌شده به جامعه.



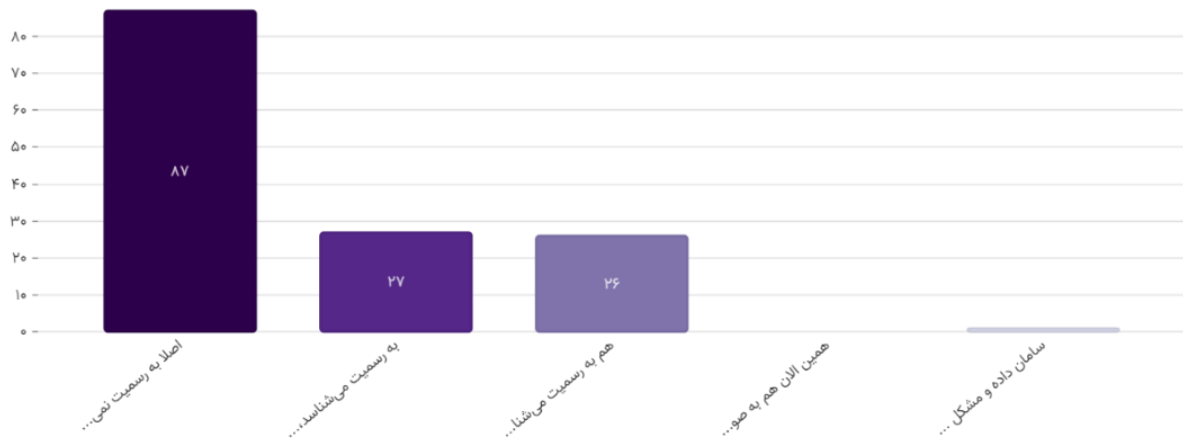
شکل ۵۳ - حدود ۸۰ درصد از پاسخ‌دهندگان سهم دادن حقوق کارمندان دولت را در هزینه‌کرد درآمدهای مالیاتی بیشتر از توسعه و عمران کشور می‌دانند. این امر با ساختار بودجه‌ی سالیانه‌ی کشور و سخنان مسئولین دولتی نیز همخوانی دارد. [32] [33]



شکل ۵۴ - در بحث مشارکت محوری فرآیند تصمیم‌گیری‌های اقتصادی حاکمیت، گزینه‌ها بر اساس مراحل موجود در طیف مشارکت اجتماعی^{۳۹} انجمن جهانی مشارکت اجتماعی^{۴۰} یا IAP^۲ (اطلاع‌رسانی، مشورت گرفتن، دخیل کردن نقش آفرینان، همفکری و تفویض قدرت تصمیم‌گیری) طراحی شده‌اند. بر این اساس بیش از ۶۵ درصد از پاسخ‌دهندگان معتقدند حاکمیت در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی رأسا تصمیم‌گیری کرده و نظر جامعه‌ی شهروندی و بخش خصوصی را اساسا به حساب هم نمی‌آورد و از این منظر، اصلا وارد طیف مشارکت اجتماعی نمی‌شود. ۲۰ درصد معتقدند گرچه حاکمیت خود رأسا تصمیم‌گیری کرده، اما جامعه‌ی شهروندی و بخش خصوصی را صرفا از موضوع و فرآیند تصمیم‌گیری در خصوص آن آگاه می‌نماید که نمود این امر را می‌توان در پایگاه اطلاعات قوانین و مقررات کسب‌وکار معاونت حقوقی ریاست‌جمهوری مشاهده نمود. [34] ۱۲ درصد پاسخ‌دهندگان معتقدند گرچه حاکمیت خود رأسا تصمیم‌گیری کرده، اما نظر بخش خصوصی و جامعه‌ی شهروندی را به صورت مستقیم یا غیرمستقیم (از طریق رسانه‌ها و یا نهادهای حاکمیتی) دریافت کرده و گهگاه لحاظ می‌نماید. کمتر از ۲ درصد از پاسخ‌دهندگان نیز معتقدند که حاکمیت به همراه نمایندگان جامعه‌ی شهروندی و بخش خصوصی در فرآیندی مشارکتی تصمیم‌گیری نموده یا امر تصمیم‌گیری را به کلی به بخش خصوصی و جامعه‌ی شهروندی واگذار می‌نماید و خود به تنظیم‌گری مناسبات اجتماعی-اقتصادی می‌پردازد.

³⁹ Public Participation Spectrum

⁴⁰ International Association for Public Participation



شکل ۵۵ - در بحث ادراک حاکمیت از امر اقتصاد، گزینه‌ها بر اساس مدل مار و پله‌ی هادسن در توصیف فرهنگ سازمانی و طبقه‌بندی بر مبنای سطح ادراک (بیمارگونه، منفعلانه، حسابگرانه، پویا و خلاق) طراحی شده‌اند. [35]

بر این اساس، بیش از ۶۰ درصد پاسخ‌دهندگان شناخت حاکمیت از اقتصاد در ایران را شناختی بیمارگونه می‌دانند، به آن ترتیب که حاکمیت اساسا امر اقتصاد را به رسمیت نشناخته و در برابر تبعیت از اصول علمی آن لجاجت می‌ورزد.

۲۰ درصد از پاسخ‌دهندگان شناخت حاکمیت از امر اقتصاد را شناختی منفعلانه دانسته، به آن شکل که حاکمیت اقتصاد را به رسمیت نشناخته، اما اولویت‌های مهم‌تری نسبت به اقتصاد برایش وجود دارد و امر اقتصاد برای حاکمیت در اولویت نیست.

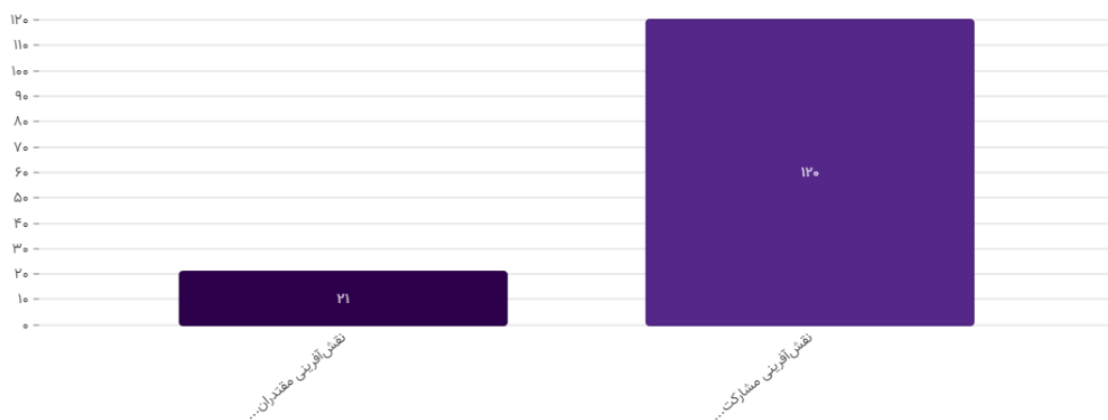
۲۰ درصد از پاسخ‌دهندگان نیز معتقدند حاکمیت امر اقتصاد را هم به رسمیت نشناخته و هم در اولویت می‌داند، اما توان حل مشکلات اقتصادی را ندارد.

متأسفانه تقریبا هیچ‌یک از پاسخ‌دهندگان باوری به اینکه حاکمیت در حال ساماندهی اقتصاد است یا شرایط اقتصادی کشور رو به بهبود و پیشرفت است، نداشته‌اند.

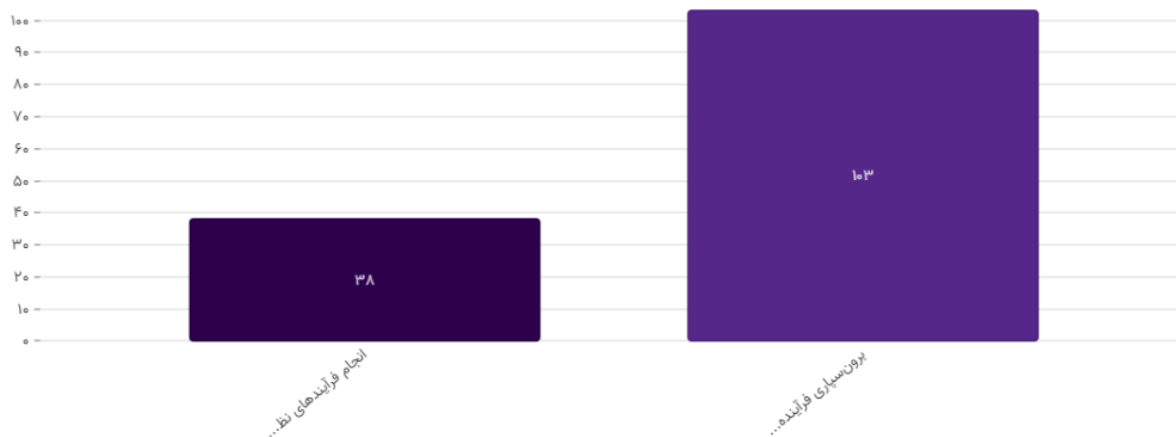
۴.۳.۵. دیدگاه‌های حکمرانی کلان محیط‌زیستی

بخش پنجم این پرسشنامه، با محوریت حکمرانی کلان محیط‌زیستی در ایران به منظور واکاوی دیدگاه مخاطبان پیرامون موضوعات مرتبط با شرایط محیط‌زیستی ایران و نحوه نقش‌آفرینی حاکمیت خصوصا در طیفی میان بهره‌گیری از ابزارهای مبتنی بر بازار در مقایسه با بهره‌گیری از ابزارهای دستوری طرح‌ریزی شده‌است. پاسخ‌های این بخش عموما بر بهبود حکمرانی محیط‌زیستی کشور با افزایش مشارکت‌محوری حاکمیت با نهاد شهروندان و نهاد بخش خصوصی، همگام با افزایش بی‌چون‌وچرای شفافیت دلالت دارد، هر چند نظر نخبگان را ارجح بر خواست و اراده‌ی جوامع محلی می‌داند.

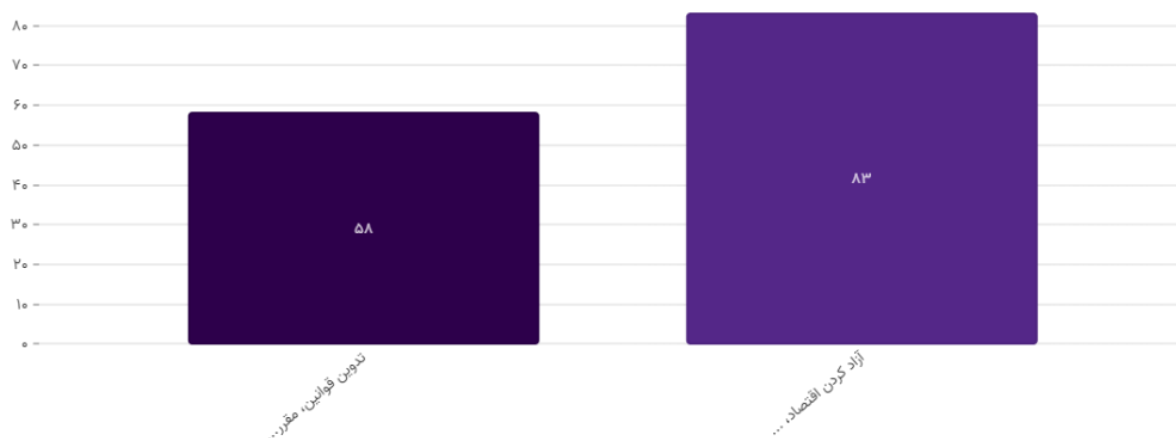
توزیع آماری و فراوانی پاسخ‌های این بخش در نمودارهای زیر ارائه می‌گردد:



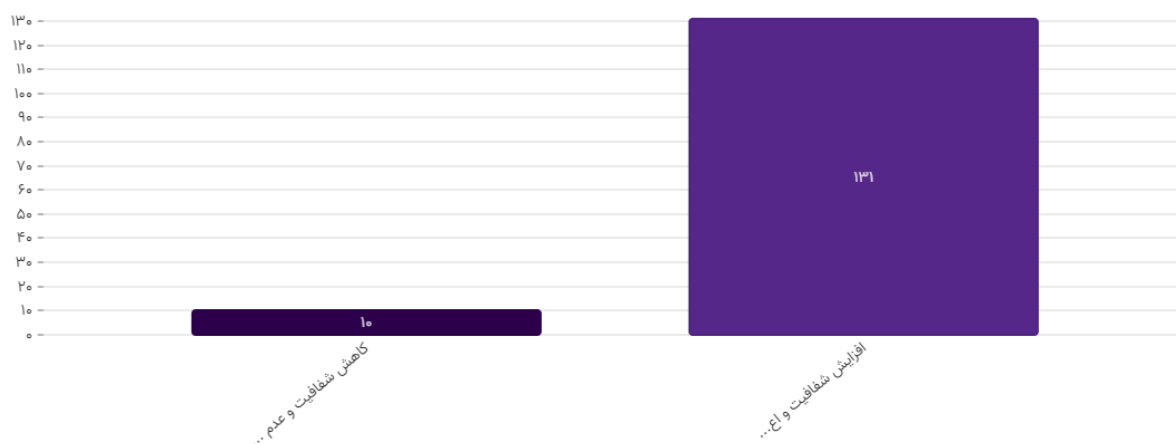
شکل ۵۶ - بیش از ۸۵ درصد پاسخ‌دهندگان، برای حفظ محیط‌زیست، نقش‌آفرینی مشارکت‌محور نهاد حاکمیت، شهروندان و بخش خصوصی (شیب کم هرم قدرت و تنظیم‌گری روابط میان نهادها توسط حاکمیت) را ارجح بر نقش‌آفرینی مقتدرانه نهاد حاکمیت در جامعه (شیب زیاد هرم قدرت و اختیارات گسترده نهاد حاکمیت) دانسته‌اند.



شکل ۵۷ - حدود ۷۵ درصد از پاسخ‌دهندگان برون‌سپاری فرآیندهای نظارتی توسط سازمان حفاظت محیط‌زیست به شرکت‌ها و نهادهای بخش خصوصی و اجرای فرآیندها بر اساس پروتکل‌ها و مقررات نظارتی مصوب سازمان را ارجح بر انجام فرآیندهای نظارتی توسط پرسنل سازمان حفاظت محیط‌زیست از مسیر افزایش بودجه، تعداد و توان پرسنل شاغل در سازمان دانسته‌اند.



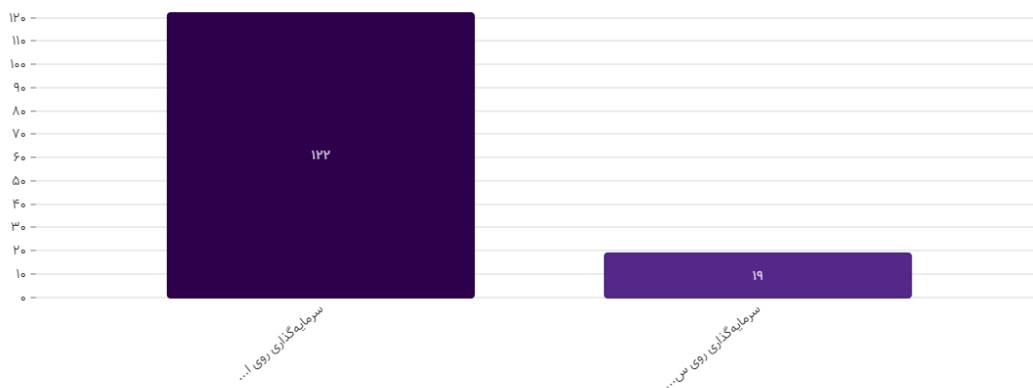
شکل ۵۸ - حدود ۶۰ درصد از پاسخ‌دهندگان آزاد کردن اقتصاد، کاهش ریسک فضای کسب‌وکار و ایجاد فضای رقابتی میان بنگاه‌های اقتصادی را بیشتر از تدوین قوانین، مقررات، الزامات و استانداردهای سخت‌گیرانه‌تر با ضمانت اجرایی بالا به سود محیط‌زیست دانسته‌اند.



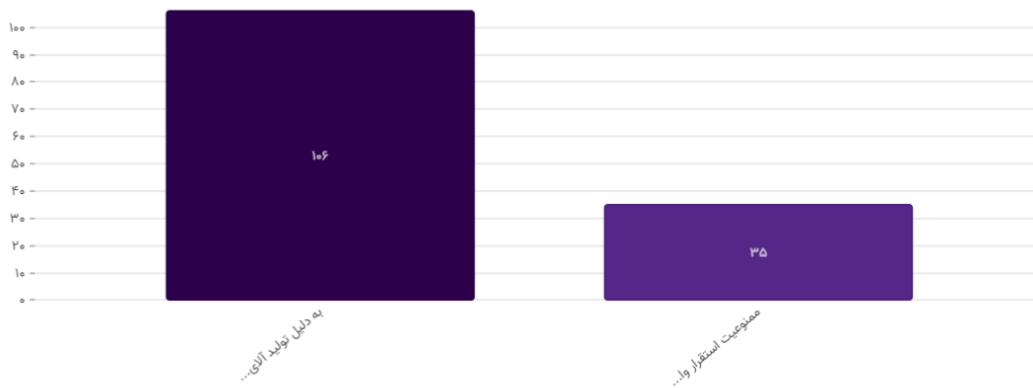
شکل ۵۹ - ۹۳٪ از پاسخ‌دهندگان، به طور قاطع افزایش شفافیت و اعلام عمومی مشکلات و کاستی‌های محیط‌زیستی ولو به قیمت خدشه‌دار شدن اعتماد عمومی و افزایش دلسردی را بر کاهش شفافیت و عدم اعلام عمومی مشکلات و کاستی‌های محیط‌زیستی تا زمان حل آنها برای خدشه‌دار نشدن اعتماد عمومی و دلسردی جامعه ترجیح می‌دهند.



شکل ۶۰ - حدود ۷۵ درصد از پاسخ‌دهندگان تصمیم‌گیری از بالا به پایین با تکیه بر توان کارشناسی نخیشان را بر تصمیم‌گیری از پایین به بالا با تکیه بر خواست و اراده‌ی جوامع محلی ولو در تعارض با نظر نخیشان ترجیح می‌دهند که این پاسخ نیز تقریباً با نتایج ارائه شده در شکل ۳۰ متحد است.



شکل ۶۱ - بیش از ۸۵ درصد از پاسخ‌دهندگان سرمایه‌گذاری روی ارتقاء فناوری‌ها در فرآیندهای صنعتی به منظور کاهش تولید آلاینده‌های محیط‌زیستی (پیش‌گیری) را دارای بهره‌وری بالاتری نسبت به سرمایه‌گذاری روی سیستم‌های جمع‌آوری و تصفیه آلاینده‌های صنعتی پس از تولید بدون تغییر در فرآیند تولید (کنترل) می‌دانند که این امر هم‌خوان با تجربیات موفق جهانی نیز هست.

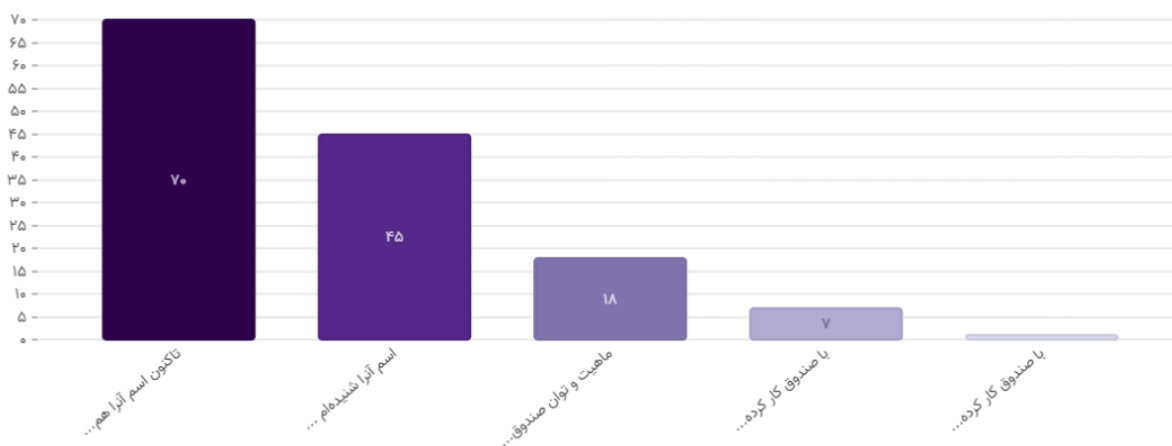


شکل ۶۲ - حدود ۷۵ درصد از پاسخ‌دهندگان معتقدند به دلیل تولید آلاینده‌ها و مزاحمت برای شهروندان، واحدهای تولیدی و صنعتی باید حتماً از مراکز سکونت‌گاهی شهری فواصل معنادار داشته‌باشند و وجود واحدها یا شهرک‌های صنعتی، نیروگاه‌ها، صنایع فرآیندی و... در مرکز یا اطراف شهر ممنوع باشد.^{۴۱}

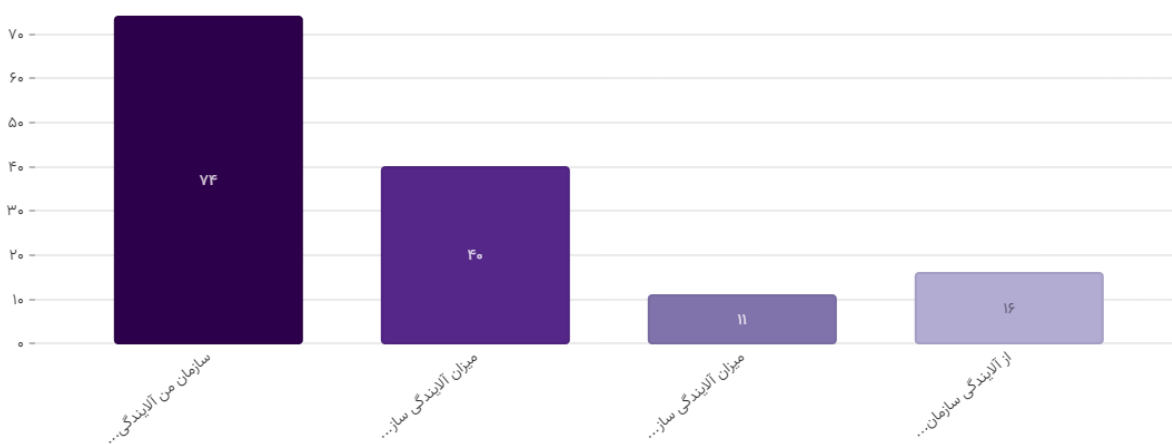
^{۴۱} این در شرایطی است که ممنوعیت استقرار و ایجاد مانع به صورت فاصله میان واحدهای صنعتی و مسکونی، در کشورهای توسعه‌یافته منسوخ شده و جای آنها را افزایش بهره‌وری فرآیندها و کاهش آلودگی گرفته‌است. بر همین پایه است که مشاهده می‌شود در مرکز پایتخت‌های اروپایی، مراکز تبدیل زباله به انرژی وجود دارد و حتی در مواردی مانند Coppenhill در شهر کپنهاگ کشور دانمارک، این تأسیسات تبدیل به یکی از جاذبه‌های گردشگری شده‌است. در این پرسشنامه، تنها ۲۵ درصد از پاسخ‌دهندگان، ممنوعیت استقرار واحدها و شهرک‌های صنعتی، نیروگاه‌ها، صنایع فرآیندی و... در مرکز و اطراف شهر را نامرتب به بهبود کیفیت زیست شهروندان و کاهش آلودگی دانسته و نتیجه‌ی آنرا صرفاً بالا بردن هزینه‌های لجستیکی و اتلاف انرژی در صنایع برشمردند.

۴.۳.۶. دیدگاه‌های تأمین مالی پروژه‌های محیط‌زیستی

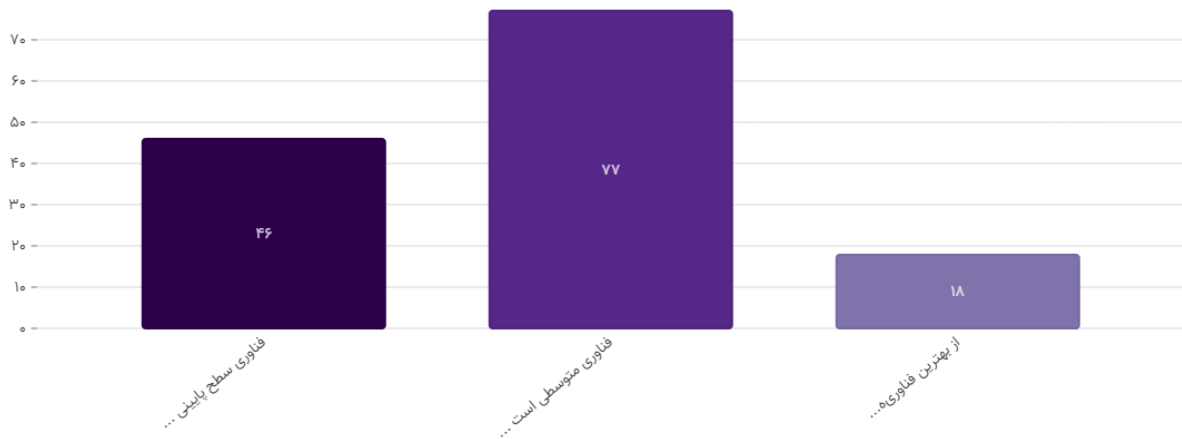
بخش ششم و پایانی این پرسشنامه، متمرکز بر صندوق ملی محیط‌زیست و کارکرد آن از دیدگاه فعالان کسب‌وکار است. این بخش به ارزیابی آشنایی پاسخگو با صندوق ملی محیط‌زیست و حد پذیرش و انتظارات وی در قبال نرخ بهره در اخذ تسهیلات از این صندوق می‌پردازد. پاسخ‌های فعالان کسب‌وکار در این بخش ابداً نویدبخش افقی امیدوارکننده در ارتباط بخش خصوصی و صندوق ملی محیط‌زیست نیست، چرا که ۹۵ درصد از پاسخ‌دهندگان، یا اساساً صندوق را نمی‌شناسند، یا تاکنون با آن کار نکرده‌اند. این امر موید عملکرد بسیار ضعیف صندوق ملی محیط‌زیست در فضای کسب‌وکار و در برقراری ارتباط با بخش خصوصی است. توزیع آماری و فراوانی پاسخ‌های این بخش در نمودارهای زیر ارائه می‌گردد:



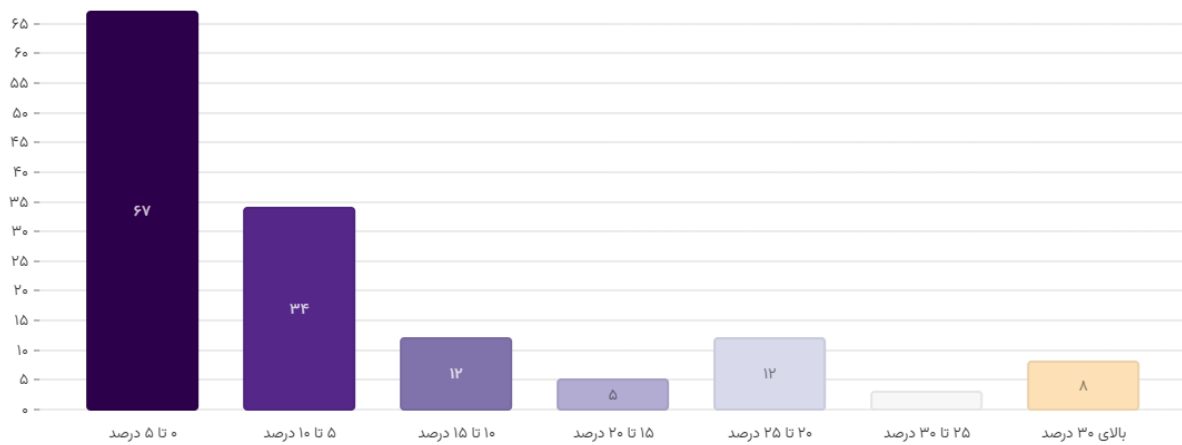
شکل ۶۳ - در خصوص آشنایی پاسخ‌دهندگان با صندوق ملی محیط‌زیست، حدود ۵۰ درصد از پاسخ‌دهندگان اسم صندوق ملی محیط‌زیست را نیز تاکنون نشنیده‌اند. حدود ۳۲ درصد از پاسخ‌دهندگان اسم صندوق را شنیده، اما شناخت چندانی از ماهیت آن ندارند. حدود ۱۳ درصد از پاسخ‌دهندگان صندوق را می‌شناسند ولی تاکنون با آن کار نکرده‌اند. ۵ درصد از پاسخ‌دهندگان با صندوق کار کرده، اما رضایت نداشته‌اند و در میان تمام پاسخ‌دهندگان تنها ۱ پاسخ‌دهنده که کارمند نهادهای حاکمیتی است از کار با صندوق ملی محیط‌زیست راضی بوده‌است. در میان کارفرمایان نیز، ۴۷ درصد از پاسخ‌دهندگان تاکنون نام صندوق را نشنیده‌اند، ۴۰ درصد شناخت چندانی از آن ندارند، ۴ درصد با آن کار نکرده‌اند و ۸ درصد از کار با آن رضایت نداشته‌اند.



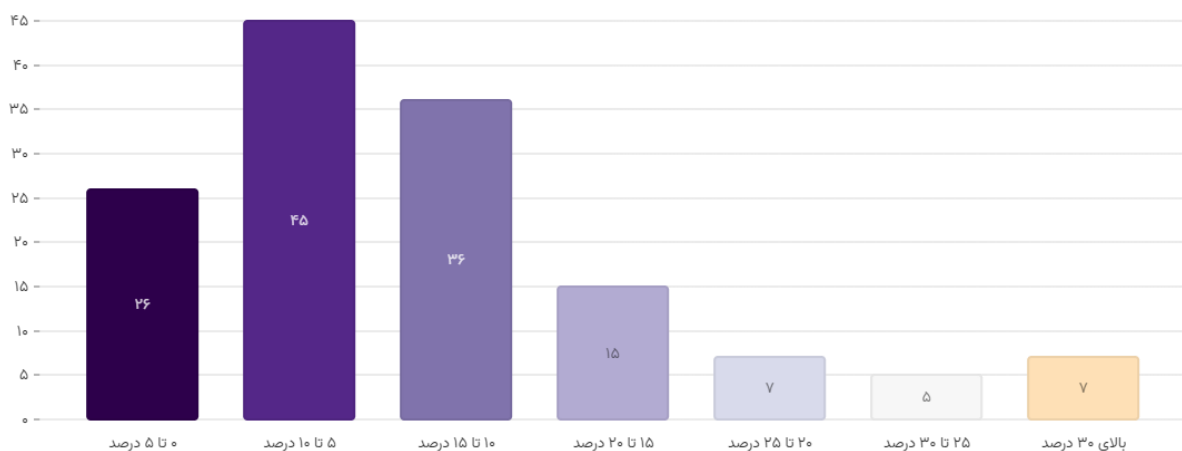
شکل ۶۴ - حدود ۵۲ درصد از پاسخ‌دهندگان، آرایندگی سازمان خود را غیرقابل ملاحظه می‌دانند. حدود ۳۰ درصد، آرایندگی سازمان خود را کمتر از حدود مجاز و استانداردهای مصوب کشور می‌دانند. حدود ۸ درصد از پاسخ‌دهندگان در صنایع آراینده فعال هستند که از میان این تعداد، ۸ بنگاه در تولید خدمات و ۳ بنگاه در تولید کالا فعالیت دارند. اما از این نظر که آرایندگی معمولاً ناظر به صنایع فرآیندی است، و نه خدمات؛ این آمار کمی عجیب است و شاید مخاطبان چندان با مفهوم حدود مجاز آرایندگی و صنایع آراینده آشنا نباشند. البته در همین پرسشنامه ۱۰ درصد از پاسخ‌دهندگان نیز از آرایندگی سازمان خود یا نسبت آن با حدود مجاز و استانداردها اطلاع چندانی ندارند و گزینه آخر را انتخاب نموده‌اند.



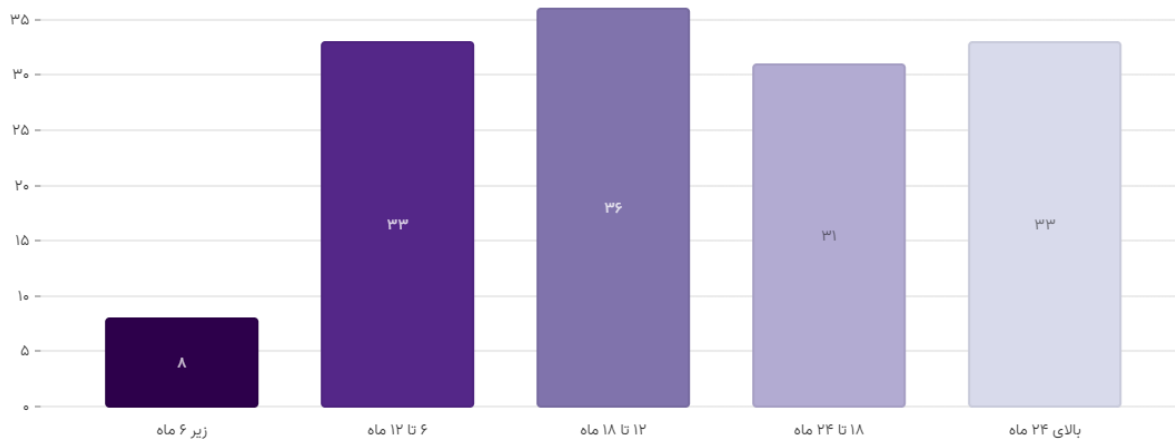
شکل ۶۵ - در خصوص سطح فناوری به کار رفته در بنگاه اقتصادی، حدود ۲۳ درصد از پاسخ‌دهندگان فناوری بنگاه خود را سطح پایین و نیازمند به ارتقاء دانسته‌اند. ۵۵ درصد سطح فناوری را متوسط دانسته و توجه‌پذیری ارتقاء یا عدم ارتقاء آنرا نسبتاً برابر دانسته‌اند. ۱۲ درصد نیز فناوری سازمان خود را بهترین فناوری در دسترس و بی‌نیاز از ارتقاء در شرایط کنونی دانسته‌اند.



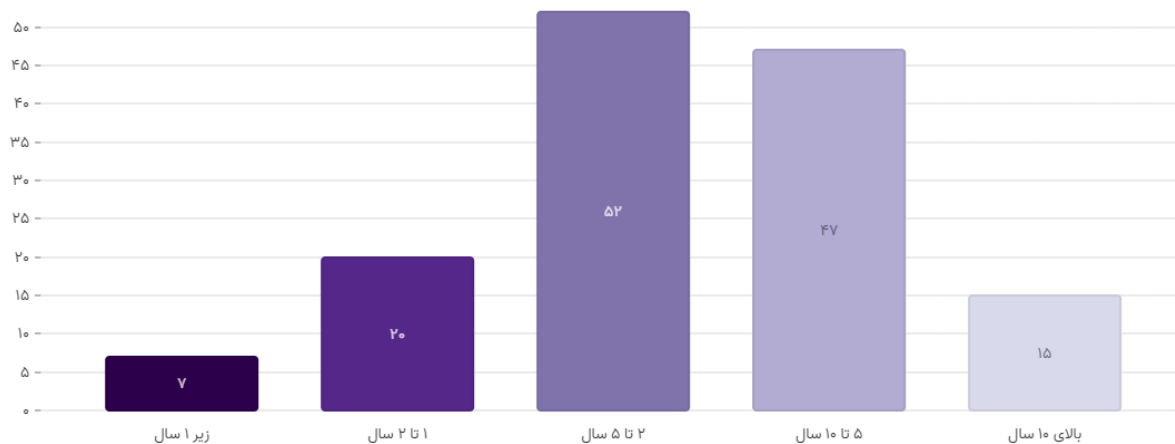
شکل ۶۶ - با در نظر گرفتن ریسک و نرخ بازگشت سرمایه، حدود ۴۷ درصد از پاسخ‌دهندگان نرخ بهره‌ی زیر ۵ درصد، حدود ۲۴ درصد پاسخ‌دهندگان نرخ بهره‌ی ۵ تا ۱۰ درصد و حدود ۸ درصد از پاسخ‌دهندگان نرخ بهره‌ی ۱۰ تا ۱۵ درصد را برای اخذ تسهیلات ارتقاء فناوری ایده‌آل دانسته‌اند. بر این اساس بیش از ۸۰ درصد پاسخ‌دهندگان نرخ‌های بهره‌ی زیر ۱۵ درصد را ایده‌آل می‌دانند. در میان کارفرمایان نیز، ۶۰ درصد نرخ بهره‌ی زیر ۵ درصد، ۲۱ درصد نرخ بهره‌ی ۵ تا ۱۰ درصد و ۶ درصد نرخ بهره‌ی ۱۰ تا ۱۵ درصد را ایده‌آل می‌دانند. بنابراین حدود ۹۰ درصد کارفرمایان بهره‌ی زیر ۱۵ درصد را ایده‌آل دانسته و از میان تمامی کارفرمایان، تنها یک نفر با سابقه‌ی کاری زیر ۱۰ سال نرخ بهره‌ی بالای ۳۰ درصد را ایده‌آل می‌داند.



شکل ۶۷ - فارغ از ایده‌آل‌ها، حداکثر ریسک‌پذیری بیش از ۷۵ درصد از پاسخ‌دهندگان زیر ۱۵ درصد است. این شرایط دقیقاً در میان کارفرمایان نیز حاکم است.



شکل ۶۸- در خصوص مدت زمان تنفس پس از اخذ تسهیلات ارتقاء فناوری، توزیعی نسبتاً یکنواخت حاکم بوده و حدود ۲۳ درصد از پاسخ‌دهندگان بازه‌های زمانی بالای ۶ ماه (۶ تا ۱۲ ماه، ۱۲ تا ۱۸ ماه، ۱۸ تا ۲۴ ماه و بالای ۲۴ ماه) را انتخاب نموده و تنها حدود ۵ درصد از پاسخ‌دهندگان زیر ۶ ماه را مناسب دانسته‌اند. این توزیع عیناً در میان کارفرمایان نیز حاکم است و تنها دو کارفرما با سابقه‌ی زیر ۱۰ سال مدت زمان زیر ۶ ماه را مدت زمانی مناسب برای تنفس دانسته‌اند. یکی از ایشان کارفرمایی است که نرخ بهره‌ی بالای ۳۰ درصد را نیز ایده‌آل می‌دانسته‌است.



شکل ۶۹- در خصوص مدت زمان بازپرداخت تسهیلات پس از طی مدت تنفس نیز، حدود ۷۰ درصد پاسخ‌دهندگان مدت زمان ۲ تا ۵ سال و ۵ تا ۱۰ سال را مدت زمانی مناسب دانسته‌اند. در میان کارفرمایان نیز ۷۵ درصد از ایشان شرایطی مشابه را انتخاب نموده‌اند. مجدداً تنها ۱ کارفرما با سابقه‌ی زیر ۱۰ سال، بازه‌ی زیر ۱ سال را مناسب می‌دانسته که در پرسش‌های پیشین نیز مدت زمان تنفس را زیر ۶ ماه و نرخ بهره‌ی ایده‌آل را بالای ۳۰ درصد انتخاب نموده‌است.

۴.۴. یافته‌ها

بر مبنای آنچه در این فصل ارائه شد:

۱. در نظرسنجی صورت‌گرفته در این پژوهش، جامعه‌ی هدف از منظر رده‌ی سنی و میزان شهرنشینی با تقریب بسیار مطلوبی مطابق با جامعه‌ی ایران بوده‌است. همچنین از منظر ابعاد بنگاه اقتصادی، بیشترین پراکندگی به ترتیب مربوط به بنگاه‌های بزرگ، متوسط، کوچک و خرد بوده که این امر موید ساختار عجیب اقتصاد ایران است که بر خلاف جهان، در آن تمرکز اقتصاد در بنگاه‌های بزرگ و بالادستی بوده، و عملاً بنگاه‌های خرد، کوچک و متوسط توان چندانی برای رقابت، اشتغال‌زایی و توسعه در بازار ندارند.
۲. از نظر علاقه به دنبال کردن مسائل مرتبط به محیط‌زیست و توسعه پایدار، در بیش از ۶۲ درصد از جامعه‌ی هدف علاقه‌ای زیاد به این امر وجود دارد که این خود نمودی امیدوارکننده برای فعالان محیط‌زیست می‌تواند باشد. هر چند که بر مبنای نتایج به نظر می‌رسد در اغلب موارد، دانش محیط‌زیستی جامعه، نه بر پایه‌ی تحقیق و مطالعه، بلکه دانشی سطحی بر پایه‌ی کلیشه‌های رسانه‌ای یا سوگیری‌های شناختی بوده‌است؛ آنچنان که در این جامعه‌ی هدف، حدود ۷۰ درصد از مخاطبان، از میان ۱۰ سوال

- به کمتر از ۵ سوال پاسخ صحیح داده‌اند. بر این اساس جای خالی محتوایی عمیق، علمی، همه‌فهم و به دور از کلیشه‌های رسانه‌ای و سوگیری‌های شناختی برای آموزش و افزایش سطح دانش و آگاهی محیط‌زیستی جامعه به وضوح مشاهده گردد.
۳. از نقطه‌نظر طرز نگرش جامعه در حکمرانی کلان و شیوه‌های هماهنگی در اقتصاد، میانگین نگرش کل جامعه‌ی هدف برابر با عدد ۰.۵ از ۱۰۰ به سمت راست، یعنی بسیار معتدل و اندکی متمایل به شیوه‌های هماهنگی مبتنی بر بازار (لیبرالیسم) بوده‌است. در این پژوهش همچنین، حدود ۶۰ درصد از جامعه‌ی هدف نگرش مبتنی بر بازار (لیبرالیستی)، ۳۵ درصد نگرش بروکراتیک (سوسیالیستی) و ۵ درصد نگرش کاملاً معتدل داشته‌اند.
۴. میانگین عدد طیف نگرش اقتصادی کارفرمایان بخش خصوصی، برابر با ۰.۵ به سمت راست، کارمندان بخش خصوصی برابر ۱ به سمت راست و کارمندان دولت و نهادهای حاکمیتی، برابر با ۶.۵ به سمت راست بوده‌است. همچنین میانگین عدد طیف نگرش اقتصادی در گروه‌های سنی بالای ۷۰ سال برابر با ۶.۸ به سمت چپ، در گروه سنی ۶۰ تا ۷۰، برابر ۰.۲ به سمت چپ، در گروه سنی ۵۰ تا ۶۰ برابر ۰.۲ به سمت راست، در گروه سنی ۴۰ تا ۵۰ برابر ۰.۹ به سمت چپ و در گروه‌های سنی زیر ۴۰ سال برابر ۱.۸ به سمت راست است. بر این اساس به نظر می‌رسد در جامعه‌ی هدف، هر چه گروه سنی از بالا به پایین حرکت می‌کند، نگرش اقتصادی نیز از شیوه‌های هماهنگی بروکراتیک به شیوه‌های هماهنگی مبتنی بر بازار متمایل می‌شود.
۵. ۴۵ درصد از کارفرمایان مشارکت‌کننده در این پرسشنامه، در شکل‌ها عضویت فعال دارند. ۱۳ درصد عضویت غیرفعال و ۴۲ درصد نیز فاقد عضویت در شکل‌ها هستند. این اعداد در میان کارمندان بخش خصوصی به ترتیب ۳۳، ۱۵ و ۵۲ درصد و در میان کارمندان نهادهای حاکمیتی ۲۷، ۱۵ و ۵۸ درصد است.
۶. در خصوص دیدگاه‌های جامعه‌ی هدف در حکمرانی کلان اقتصادی ایران، تقریباً در تمامی موارد دیدگاه جامعه مخالف با شیوه‌ی عملکرد حاکمیت است. حتی در خصوص نحوه‌ی ادراک حاکمیت از امر اقتصاد در ایران، بیش از ۶۰ درصد از جامعه‌ی هدف شناخت حاکمیت از اقتصاد در ایران را شناختی بیمارگونه می‌دانند، به آن ترتیب که حاکمیت اساساً امر اقتصاد را به رسمیت نشناخته و در برابر تبعیت از اصول علمی آن لجاجت می‌ورزد. ۲۰ درصد از جامعه‌ی هدف شناخت حاکمیت از امر اقتصاد را شناختی منفعلانه دانسته، به آن شکل که حاکمیت اقتصاد را به رسمیت شناخته، اما اولویت‌های مهم‌تری نسبت به اقتصاد برایش وجود دارد و امر اقتصاد برای حاکمیت در اولویت نیست. ۲۰ درصد از جامعه‌ی هدف نیز معتقدند حاکمیت امر اقتصاد را هم به رسمیت شناخته و هم در اولویت می‌داند، اما توان حل مشکلات اقتصادی را ندارد. متأسفانه تقریباً هیچ‌یک از جامعه‌ی هدف باوری به اینکه حاکمیت در حال ساماندهی اقتصاد است یا شرایط اقتصادی کشور رو به بهبود و پیشرفت است، نداشته‌اند.
۷. در خصوص مشارکت‌محوری حاکمیت در فرآیند تصمیم‌گیری‌های اقتصادی نیز بیش از ۶۵ درصد از جامعه‌ی هدف معتقدند حاکمیت در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی رأسا تصمیم‌گیری کرده و نظر جامعه‌ی شهروندی و بخش خصوصی را اساساً به حساب هم نمی‌آورد و از این منظر، اصلاً وارد طیف مشارکت اجتماعی نمی‌شود. ۲۰ درصد از جامعه‌ی هدف معتقدند گرچه حاکمیت خود رأسا تصمیم‌گیری کرده، اما جامعه‌ی شهروندی و بخش خصوصی را صرفاً از موضوع و فرآیند تصمیم‌گیری در خصوص آن آگاه می‌نماید. ۱۲ درصد از جامعه‌ی هدف معتقدند گرچه حاکمیت خود رأسا تصمیم‌گیری کرده، اما نظر بخش خصوصی و جامعه‌ی شهروندی را به صورت مستقیم یا غیرمستقیم (از طریق رسانه‌ها و یا نهادهای حاکمیتی) دریافت کرده و گهگاه لحاظ می‌نماید. نهایتاً حدود ۹۷ درصد از جامعه‌ی هدف، حاکمیت را در فرآیند تصمیم‌گیری‌های اقتصادی اساساً مشارکت‌پذیر نمی‌دانند.
۸. از جمله دیدگاه‌های جامعه‌ی هدف در خصوص شرایط اقتصادی در ایران، می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:
- ۸۵ درصد از جامعه‌ی هدف این پژوهش، از منظر شاخص آزادی اقتصاد، اقتصاد ایران را تحت سرکوب می‌دانند.
 - ۹۰ درصد از جامعه‌ی هدف، بروکراسی اقتصادی حاکمیت در شرایط کنونی (اعم از وزارت امور اقتصادی و دارایی، معاونت اقتصادی ریاست‌جمهوری، شورای اقتصاد، ستاد فرماندهی اقتصاد مقاومتی، ستاد هماهنگی اقتصادی دولت، ستاد توسعه اقتصاد دانش‌بنیان، شورای عالی هماهنگی اقتصادی سران قوا و...) را ساختارهایی زائد، ناکارآمد و متورم می‌دانند که خود باعث دامن زدن به مشکلات اقتصادی می‌شوند.

- بیش از ۷۰ درصد از جامعه‌ی هدف معتقدند حمایت از فعالان اقتصادی و کسب‌وکارها توسط حاکمیت مستلزم مقررات‌زدایی و کاهش مداخلات دولت‌ها در اقتصاد است، و نه مقررره‌زایی و افزایش مداخلات.
- ۷۵ درصد از جامعه‌ی هدف، حل مشکل نیم‌قرن تورم دو تا سه رقمی را نسبت به رفع تحریم‌های بین‌المللی در اولویت می‌دانند. همچنین حدود ۹۰ درصد از جامعه‌ی هدف علت کسری بودجه و رشد مداوم نرخ تورم را بی‌انضباطی مالی و هزینه‌های زیاد دستگاه بروکراتیک حاکم می‌دانند، و نه اعطای یارانه‌ها به مردم مثل یارانه‌ی انرژی و منابع. هر چند که در سه دهه‌ی اخیر هیچ دولتی در ایران تمایل به کاهش هزینه‌ها، انضباط مالی و تنظیم بودجه‌ی فاقد کسری نشان نداده‌است و هزینه‌های دولت‌ها، فارغ از شرایط درآمدی ایشان، همواره و تاکنون روندی افزایشی نشان داده‌است.
- حدود ۹۰ درصد از جامعه‌ی هدف، نتیجه‌ی افزایش نرخ بهره‌های بانکی به منظور کاهش تورم را نه کاهش تورم، بلکه توجیه‌ناپذیر شدن سرمایه‌گذاری صنعتی در مقایسه با نرخ بهره‌ی بانکی دانسته‌اند.
- حدود ۹۰ درصد از جامعه‌ی هدف نرخ‌های بهره‌ای که بانک‌ها در سیستم بانکداری ایران از گیرندگان تسهیلات دریافت می‌کنند را عمدتاً ربوی، غیرمنصفانه و هنگفت دانسته‌اند؛ و نرخ‌های بهره‌ای که بانک‌ها در سیستم بانکداری ایران به سپرده‌گذاران اعطاء می‌کنند را نیز حاصل از ایجاد حباب تورمی، دلالی، سفته‌بازی و سرمایه‌گذاری بانک‌ها در فعالیت‌های غیرمولد اقتصادی برشمرده‌اند. همچنین حدود ۹۵ درصد از جامعه‌ی هدف از شرایط کنونی در در نقل و انتقال پول و ارتباطات مالی با خارج از کشور (انتقال پول از طریق صرافی‌ها و تهاتر و یا به صورت نقدی و چمدانی) راضی نیستند و ترجیح می‌دادند بتوانند شخصا ارتباط مستقیم بانکی با خارج از کشور داشته‌باشند.
- بیش از ۷۵ درصد از جامعه‌ی هدف تعیین سالیانه‌ی کف دستمزد از سوی دولت را باعث دامن زدن به تورم و فشار اقتصادی، و نه حمایت از مردم در برابر تورم فرآینده می‌دانند. حال آنکه دولت بدون توجه به مبانی علم اقتصاد و ماریپیج تورم-دستمزد، به صورت سالیانه این امر تکرار نموده و با افزایش هزینه‌های خود، به تورم در کشور دامن می‌زند.
- حدود ۸۰ درصد از جامعه‌ی هدف سهم دادن حقوق کارمندان دولت را در هزینه‌کرد درآمدهای مالیاتی بیشتر از توسعه و عمران کشور می‌دانند. همچنین به باور بیش از ۹۰ درصد از جامعه‌ی هدف، نهادهای عمومی در ایران (مثل شهرداری‌ها، سازمان تأمین اجتماعی، سهام عدالت و...) بیشتر به دنبال به حداکثر رساندن سود از فعالیت‌های اقتصادی هستند، نه به حداکثر رساندن کیفیت خدمات ارائه‌شده به جامعه.
- حدود ۳۱ درصد از جامعه‌ی هدف در ارتباط با دستگاه‌های حاکمیتی، گاهی در موقعیت درخواست‌های غیرقانونی برای پیشبرد امور (مثل پرداخت رشوه، استخدام اقوام و...) قرار گرفته‌اند. ۲۵ درصد نیز هرگز در چنین موقعیت‌هایی قرار نگرفته‌اند. همچنین حدود ۲۲ درصد از جامعه‌ی هدف، اغلب یا به ندرت در چنین موقعیت‌هایی قرار گرفته‌اند. از منظر مبارزه با فساد اداری، کفهی ترازو به سمت درخواست‌های غیرقانونی سنگینی می‌کند. همچنین حدود ۹۰ درصد از جامعه‌ی هدف، داشتن آشنا (پارتی، کارچاق‌کن و...) را در پیگیری امور در نهادهای حاکمیتی اغلب کارسازتر می‌دانند.
- حدود ۷۵ درصد از جامعه‌ی هدف وجود و فعالیت شورای رقابت و بورس کالا برای ایجاد فضای رقابتی میان کسب‌وکارها را نسبت به وجود و فعالیت سازمان حمایت از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان و سازمان تعزیرات حکومتی برای مقابله با گرانفروشی تولیدکنندگان و توزیع‌کنندگان ضروری‌تر شمرده‌اند و راه مقابله با گرانی را رقابت، و نه قیمت‌گذاری دستوری و برخورد قهری با گران‌فروشان دانسته‌اند.
- حدود ۸۰ درصد از جامعه‌ی هدف مالکیت عمومی منابع نفتی را به مالکیت خصوصی آن ترجیح می‌دهند. در خصوص نحوه‌ی هزینه‌کرد درآمدهای نفتی نیز حدود ۳۰ درصد از ایشان الگوی کشورهای عربی (فروش نفت توسط دولت و ورود مستقیم منابع حاصل از آن به اقتصاد کشور به منظور معیشت بهتر نسل‌های کنونی) و حدود ۷۰ درصد از ایشان الگوی کشورهای اروپایی مانند نروژ (فروش نفت توسط دولت و جلوگیری از ورود منابع حاصل از آن به اقتصاد به

منظور سرمایه‌گذاری بر فعالیتهای مولد برای نسل‌های آینده ولو به قیمت فشار به نسل‌های کنونی) را برای ایران مناسب می‌دانند.

۹. در خصوص حکمرانی کلان محیط‌زیستی در ایران، پاسخ‌های جامعه‌ی هدف عموماً بر بهبود حکمرانی محیط‌زیستی کشور با افزایش مشارکت محوری حاکمیت با نهاد شهروندان و نهاد بخش خصوصی در سایه‌ی افزایش بی‌چون‌وچرای شفافیت بوده‌است. هر چند جامعه‌ی هدف این پژوهش، نظر نخبگان را در حکمرانی کلان محیط‌زیستی، ارجح بر خواست و اراده‌ی جوامع محلی می‌داند. بر این اساس:

○ ۹۳ درصد از جامعه‌ی هدف، به طور قاطع افزایش شفافیت و اعلام عمومی مشکلات و کاستی‌های محیط‌زیستی ولو به قیمت خدشه‌دار شدن اعتماد عمومی و افزایش دلسردی را بر کاهش شفافیت و عدم اعلام عمومی مشکلات و کاستی‌های محیط‌زیستی تا زمان حل آنها برای خدشه‌دار نشدن اعتماد عمومی و دلسردی جامعه ترجیح می‌دهند.

○ بیش از ۸۵ درصد جامعه‌ی هدف، برای حفظ محیط‌زیست، نقش‌آفرینی مشارکت‌محور نهاد حاکمیت، شهروندان و بخش خصوصی (شیب کم هرم قدرت و تنظیم‌گری روابط میان نهادها توسط حاکمیت) را ارجح بر نقش‌آفرینی مقتدرانه نهاد حاکمیت در جامعه (شیب زیاد هرم قدرت و اختیارات گسترده نهاد حاکمیت) دانسته‌اند. همچنین حدود ۷۵ درصد از جامعه‌ی هدف برون‌سپاری فرآیندهای نظارتی توسط سازمان حفاظت محیط‌زیست به شرکت‌ها و نهادهای بخش خصوصی و اجرای فرآیندها بر اساس پروتکل‌ها و مقررات نظارتی مصوب سازمان را ارجح بر انجام فرآیندهای نظارتی توسط پرسنل سازمان حفاظت محیط‌زیست از مسیر افزایش بودجه، تعداد و توان پرسنل شاغل در سازمان دانسته‌اند.

○ حدود ۶۰ درصد از جامعه‌ی هدف آزاد کردن اقتصاد، کاهش ریسک فضای کسب‌وکار و ایجاد فضای رقابتی میان بنگاه‌های اقتصادی را بیشتر از تدوین قوانین، مقررات، الزامات و استانداردهای سخت‌گیرانه‌تر با ضمانت اجرایی بالا به سود محیط‌زیست دانسته‌اند.

○ حدود ۷۵ درصد از جامعه‌ی هدف تصمیم‌گیری از بالا به پایین با تکیه بر توان کارشناسی نخبگان را بر تصمیم‌گیری از پایین به بالا با تکیه بر خواست و اراده‌ی جوامع محلی ولو در تعارض با نظر نخبگان ترجیح می‌دهند که این پاسخ نیز تقریباً با نتایج ارائه شده در شکل ۳۰ متحد است.

○ بیش از ۸۵ درصد از جامعه‌ی هدف سرمایه‌گذاری روی ارتقاء فناوری‌ها در فرآیندهای صنعتی به منظور کاهش تولید آلاینده‌های محیط‌زیستی (پیش‌گیری) را دارای بهره‌وری بالاتری نسبت به سرمایه‌گذاری روی سیستم‌های جمع‌آوری و تصفیه آلاینده‌های صنعتی پس از تولید بدون تغییر در فرآیند تولید (کنترل) می‌دانند که این امر هم‌خوان با تجربیات موفق جهانی نیز هست.

۱۰. در خصوص ارتباط جامعه‌ی هدف با صندوق ملی محیط‌زیست، ۹۵ درصد از جامعه‌ی هدف، تاکنون نام صندوق را نشنیده‌اند، شناخت چندانی از ماهیت آن ندارند و یا با آن کار نکرده‌اند. این امر موید عملکرد بسیار ضعیف صندوق ملی محیط‌زیست در فضای کسب‌وکار و در برقراری ارتباط با بخش خصوصی است. همچنین از میان آن ۵ درصدی از جامعه‌ی هدف که با صندوق ملی محیط‌زیست کار کرده‌اند، هیچ‌یک از این همکاری رضایت نداشته‌اند.

۱۱. در خصوص نرخ بهره، حداکثر ریسک‌پذیری، مدت زمان تنفس پس از اخذ تسهیلات و مدت زمان بازپرداخت نیز دیدگاه جامعه‌ی هدف چنین است:

○ حدود ۴۷ درصد از جامعه‌ی هدف نرخ بهره‌ی زیر ۵ درصد، حدود ۲۴ درصد جامعه‌ی هدف نرخ بهره‌ی ۵ تا ۱۰ درصد و حدود ۸ درصد از جامعه‌ی هدف نرخ بهره‌ی ۱۰ تا ۱۵ درصد را برای اخذ تسهیلات ارتقاء فناوری ایده‌آل دانسته‌اند. بر این اساس بیش از ۸۰ درصد جامعه‌ی هدف نرخ‌های بهره‌ی زیر ۱۵ درصد را ایده‌آل می‌دانند. در میان کارفرمایان نیز، ۶۰ درصد نرخ بهره‌ی زیر ۵ درصد، ۲۱ درصد نرخ بهره‌ی ۵ تا ۱۰ درصد و ۶ درصد نرخ بهره‌ی ۱۰ تا ۱۵ درصد را ایده‌آل می‌دانند. بنابراین حدود ۹۰ درصد کارفرمایان بهره‌ی زیر ۱۵ درصد را ایده‌آل دانسته‌اند.

- فارغ از ایده‌آل‌ها، حداکثر ریسک‌پذیری بیش از ۷۵ درصد از جامعه‌ی هدف نیز همچنان زیر ۱۵ درصد است. این شرایط دقیقاً در میان کارفرمایان نیز حاکم است.
- در خصوص مدت زمان تنفس پس از اخذ تسهیلات ارتقاء فناوری، توزیعی نسبتاً یکنواخت حاکم بوده و حدود ۲۳ درصد از جامعه‌ی هدف بازه‌های زمانی بالای ۶ ماه (۶ تا ۱۲ ماه، ۱۲ تا ۱۸ ماه، ۱۸ تا ۲۴ ماه و بالای ۲۴ ماه) را انتخاب نموده و تنها حدود ۵ درصد از جامعه‌ی هدف زیر ۶ ماه را مناسب دانسته‌اند. این توزیع عیناً در میان کارفرمایان نیز حاکم است.
- در خصوص مدت زمان بازپرداخت تسهیلات پس از طی مدت تنفس نیز، حدود ۷۰ درصد پاسخ‌دهندگان مدت زمان ۲ تا ۵ سال و ۵ تا ۱۰ سال را مدت زمانی مناسب دانسته‌اند. در میان کارفرمایان نیز ۷۵ درصد از ایشان شرایطی مشابه را انتخاب نموده‌اند.

فصل ۵: رهیافت‌ها و راهکارها

تحول، تکامل و توسعه‌ی اندیشه‌های حکمرانی در قرن بیستم میلادی روندی خیره‌کننده داشته‌است و مباحث مرتبط با رابطه دولت-ملت و یا جایگاه، اختیارات، مسئولیت‌ها و سطح دخالت حاکمیت در جامعه از منظر سیاست و اقتصاد، مباحثی داغ در اندیشکده‌ها و سپهر حکمرانی کشورها بوده‌است. آنچنان که از اواسط دهه‌ی ۵۰ میلادی و خصوصاً با تمرکز بر کشورهای کمتر توسعه‌یافته، موضوع دخالت سنگین حاکمیت در اقتصاد برای شتاب بخشیدن به توسعه و مدیریت شکست بازار، به گفتمانی غالب در جهان بدل شد و این امر در کنش‌هایی نظیر تعیین قیمت (قیمت‌گذاری دستوری)، اعطای یارانه و مشوق به برخی صنایع پیشران و بالادستی، وضع محدودیت‌های تجاری، تعیین کف دستمزد و... تبلور یافت؛ هرچند که شدت اجرای این کنش‌ها در کشورهای بلوک شرق و غرب متفاوت بود. اما تجربه‌ی دخالت سنگین حاکمیت در اقتصاد کشورهای کمتر توسعه‌یافته در دهه‌های ۵۰، ۶۰ و ۷۰ میلادی، تقریباً در تمامی موارد سبب تخریب اقتصاد و سرکوب بازار گردید و عملاً به ضدتوسعه‌ی کشورها بدل شد. بر همین اساس، در دهه‌ی ۷۰ مفهوم شکست حاکمیت به عنوان مفهومی مخرب‌تر از شکست بازار برای اقتصاد سر برآورد و ضرورت تعیین جایگاه حاکمیت در رابطه با اقتصاد، به عنوان تنظیم‌گر به جای تصدی‌گر را پررنگ‌تر نمود.

در پس این تحولات و از ابتدای دهه‌ی ۹۰ میلادی، مفهومی با عنوان «حکمرانی خوب» ابداع گردید تا فرآیندهای تصمیم‌گیری با تکیه بر شاخص‌های هشت‌گانه‌ی آن (مشارکت، شفافیت، پاسخگویی، انعطاف‌پذیری، بهره‌وری، قانون‌محوری، وفاق‌محوری و برابری) منتج به توسعه‌ی پایدار کشورها در سایه‌ی عدالت اجتماعی گردد.

با شکل‌گیری مفهوم و گفتمان حکمرانی خوب در جهان، رفته‌رفته در میان نسبت و ارتباط نهاد حاکمیت با نهاد بازار به عنوان تجسم اقتصاد، نهاد سومی مطرح شد به نام نهاد شهروندان که اراده و خواست این نهاد در تشکلهای غیردولتی، مطبوعات و رسانه‌های آزاد و... تجسم می‌یافت و از این پس، اساساً ارتباط سالم نهاد حاکمیت با نهاد بازار، بدون وجود نهاد شهروندان ناممکن دانسته‌شد.

در این میان، نقش اقتصاد در جامعه به مانند چسبی که جامعه را به هم چسبانده و ارتباطات و بده‌بستان‌های میان حاکمیت، شهروندان و بازار را شکل داده و متقابلاً جهت‌دهی و راهبری می‌نماید، نقشی محوری است. به عبارت دیگر، اقتصاد نقش خود را از طریق شیوه‌های هماهنگی یا سازوکارهای تخصیص منابع بازی می‌کند و در مناسبات اجتماعی تنیده می‌شود و این‌گونه است که بازار به عنوان یک نهاد اجتماعی، بر امر شکل‌گیری و یکپارچگی جوامع اثر می‌گذارد.

از این منظر، رهیافت‌ها و راهکارهایی که در این پژوهش بر اساس مطالعه‌ی

- چپستی حکمرانی، حکمرانی خوب و حکمرانی محیط‌زیست در ایران

- صندوق‌های تأمین مالی حاکمیتی در اقتصاد ایران

- صندوق ملی محیط‌زیست

- دیدگاه‌های جامعه در خصوص حکمرانی کلان اقتصادی و حکمرانی کلان محیط‌زیست

ارائه گردیده ناظر به سطح حکمرانی کلان بوده و برخی رهیافت‌ها و راهکارهایی که بر اساس مطالعه‌ی دیدگاه‌های جامعه در خصوص حکمرانی کلان اقتصادی و حکمرانی کلان محیط‌زیست ارائه گردیده ناظر به سطح حکمرانی شرکت‌ها و بنگاه‌های اقتصادی است. در این بخش این موارد در قالب توصیه‌های سیاستی در سطوح مختلف جمع‌بندی گردیده و در دو سطح حکمرانی کلان اقتصادی- محیط‌زیستی و حکمرانی شرکتی برای مخاطبان مختلف بیان می‌شوند.

۵.۱. راهکارها در سطح حکمرانی کلان اقتصادی- محیط‌زیست

شواهد در اقتصاد ایران جملگی حاکی از آن است که حکمرانی کلان اقتصادی ایران در نیم‌قرن اخیر از کیفیت بسیار پایینی برخوردار بوده که شاید ریشه‌ی آن، در بالا رفتن قیمت نفت و آنچه «نفرین منابع» خوانده می‌شود، جای داشته‌باشد. همچنین کشور ما تجربه موفقی از همگرایی فعالیت‌های اقتصادی و محیط‌زیستی نداشته و حتی دوگانه‌سازی‌ها و کلیشه‌هایی همچون «صنعت = دشمن محیط‌زیست» یا «ضرورت فاصله گرفتن صنایع از سکونت‌گاه‌ها»، در باور و نگاه نهادهای حاکمیتی نیز جا گرفته‌است و به سطح شهروندی

نیز سرایت نموده‌است. از طرف دیگر، تلاش‌های مختلف در بهره‌گیری از ابزارهای مبتنی بر بازار در حکمرانی محیط‌زیستی نیز عموماً با شکست همراه شده و حتی با ایجاد موقعیت‌های چسبنده تعارض منافع و فساد، نتیجه‌ای ضد اهداف اولیه‌ی خود در حفاظت از محیط‌زیست داشته‌است.

لذا علاوه بر نیاز مبرم به اصلاحات اساسی نظام حکمرانی کلان اقتصادی کشور برای کاهش ریسک کسب‌وکارها و ایجاد ثباتی نسبی، توأمان با خروج کشور از انزوا، تحریم و گسترش فضای رقابتی در اقتصاد کشور؛ به نظر می‌رسد بررسی و ارائه‌ی سازوکارهایی به منظور ریل‌گذاری فرآیند اعطای تسهیلات پیش‌ران و هدایت‌گر برای همگرا نمودن فعالیت‌های اقتصادی و محیط‌زیستی کشور و ایجاد امکان بهره‌گیری از ابزارهای بازارمحور امری ضروری بوده که نه تنها کشور را به سوی توسعه‌ی پایدار هدایت کند، بلکه تا حد زیادی از تخریب محیط‌زیست به منزله‌ی سرمایه‌ای میان‌نسلی بکاهد.

در اینجا، ضمن بیان راهکارهایی معطوف به افزایش کیفیت حکمرانی کلان جامعه خصوصاً از جنبه‌ی اقتصادی، به راهکارهایی متمرکز بر افزایش بهره‌وری فرآیند اعطای تسهیلات حمایتی به منظور افزایش بهره‌وری و کاهش آلاینده‌ی در سطح کلان حکمرانی پرداخته می‌شود. بر همین اساس، در سطح اقتصاد کلان، به منظور افزایش کارآمدی و اثربخشی فرآیند اعطای تسهیلات:

۱. ضروری است از دخالت‌های مکرر و دامنه‌دار حاکمیت در اقتصاد و زیست‌بوم صنعتی که سبب برهم‌زدن تعادل و بروز مخاطرات تهدیدکننده‌ی بقای بنگاه‌های آن می‌گردد، کاسته شود و حاکمیت از جایگاه تصدی‌گری در اقتصاد، به جایگاه تنظیم‌گری بی‌طرفانه و مستقل از بازار مناسبات اقتصادی حرکت نماید. فارغ از آنکه تجربه‌ی دخالت سنگین حاکمیت در اقتصاد کشورها در تمامی موارد به ضد توسعه‌ی کشورها بدل شده‌است، پیش‌نیاز کارآمدی و اثربخشی بهره‌گیری از ابزارهای مبتنی بر بازار در حکمرانی کلان محیط‌زیست، بالا بودن درجه‌ی آزادی اقتصادی است. این امر از مسیر حاکمیت قانون و اجرای بلامنازع سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی و توسعه نهاد‌های تنظیم‌گر در جهت کاهش تصدی‌گری و دخالت حاکمیت در اقتصاد محقق می‌گردد. در میان جامعه‌ی هدف این پژوهش، ۹۷ درصد از ایشان حاکمیت را در فرآیند تصمیم‌گیری‌های اقتصادی اساساً مشارکت‌پذیر ندانسته و ۸۵ درصد از ایشان، اقتصاد ایران تحت سرکوب می‌دانند.

۲. ضروری است اصلاحات ساختاری و عمیق اقتصاد کشور به منظور افزایش درجه‌ی آزادی آن و خروج اقتصاد از شرایط تحت سرکوب بر پایه‌ی مقررات‌زدایی و احترام به حقوق مالکیت و حقوق رقابت از مسیر:

- مهار تورم، کوچک‌سازی نهاد حاکمیت، بودجه‌بندی فاقد کسری و انضباط مالی
- بازتخصیص اولویت‌های مخارج عمومی، قطع بودجه‌ی نهاد‌های غیرمولد و هدایت یارانه‌ها به سوی خدمات بنیادی و توانمندسازی قشرهای محروم

- توسعه نظام مالیاتی و رصد شفاف و دقیق جریان‌های مالی در جهت مبارزه با پولشویی، دلالی و سفته‌بازی
- اصلاح سیستم ربوی و متورم بانکی، به رسمیت شناختن استقلال بانک مرکزی، کاهش نرخ‌های بهره و رقابت بانکی با بانک‌های بین‌المللی

- افزایش انعطاف‌پذیری در سیاست‌های برون‌مرزی، تنش‌زدایی، رفع کامل تحریم‌ها و موانع جذب سرمایه‌های خارجی به منظور توسعه فراگیر و افزایش سهم اقتصاد کوچک و متوسط از اشتغال و تولید ناخالص داخلی

- آزادسازی، رقابتی نمودن و مانع‌زدایی از تجارت خارجی همزمان با برقراری کامل روابط پولی-مالی و بانکی بین‌المللی صورت پذیرد. در میان جامعه‌ی هدف این پژوهش، هیچ‌یک از ایشان باوری به اینکه حاکمیت در حال ساماندهی اقتصاد است یا شرایط اقتصادی کشور رو به بهبود و پیشرفت است، نداشته‌اند.

۳. ضروری است همزمان با اعمال اصلاحات اقتصادی، شاخص‌های هشتم‌گانه‌ی حکمرانی خوب (مشارکت، شفافیت، پاسخگویی، انعطاف‌پذیری، بهره‌وری، قانون‌محوری، وفاق‌محوری و برابری) به منظور توسعه‌ی پایدار کشور در سایه‌ی عدالت اجتماعی بر پایه‌ی مشارکت فعال^{۴۲}، پویا و اثربخش کلیه‌ی نقش‌آفرینان (از جمله کارآفرینان، کارگران، تشکلهای اقتصادی، تشکلهای

⁴² Pro-active

حرفه‌ای، تشکل‌های کارگری، جوامع محلی، سازمان‌های مردم‌نهاد و رسانه‌ها) در برنامه‌ریزی، اجرا و نظارت بر کلیه جنبه‌های حکمرانی در جامعه، خصوصاً جنبه‌های اقتصادی و محیط‌زیستی نیز از مسیر راهکارهایی چون:

- اجرای بلامنازع قانون بهبود مستمر فضای کسب و کار، یکپارچه‌سازی و شبکه‌سازی میان تشکل‌های مردم‌نهاد و تقویت نهادهای غیردولتی
 - تصویب و اجرای بلامنازع لایحه شفافیت و توسعه نهادهای موثر، پاسخگو و شفاف و اجرای بلامنازع قانون دسترسی آزاد به اطلاعات، به اشتراک‌گذاری و انتشار داده‌ها، اطلاعات و گزارش‌های نهادهای نظارتی
 - تصویب و اجرای بلامنازع لایحه مدیریت تعارض منافع و سایر سازوکارهای حمایت از سوت‌زنان و گزارشگران فساد و ترویج و توسعه فعالیت دیده‌بان‌های گزارشگری فساد و کاهش قابل ملاحظه فساد و رشوه‌خواری در تمام اشکال آن
 - نهادینه کردن سازوکارهای علمی یکپارچه و فراگیر به منظور استقرار نظام پایش و نظارت و استفاده از ظرفیت‌های نهادهای غیردولتی جهت ارتقای شفافیت و کارآیی پایش راهبردها در سایه‌ی آزادی بیان و استقلال، شفافیت و بی‌طرفی دستگاه‌های نظارتی
 - حذف فیلترهای نخبه‌کش و مناسبات رانتی در استخدام پرسنل نهادهای حاکمیتی، افزایش تخصص و کیفیت نیروی انسانی و رشد بهره‌وری تمامی نهادهای حاکمیتی
- تقویت گردد.

۴. ضروری است موقعیت‌های تعارض منافع ایجادشده در بهره‌گیری از رویکردهای مبتنی بر بازار در حکمرانی محیط‌زیست که عموماً به ضد اهداف اولیه‌ی خود تبدیل شده‌اند (از جمله سیستم مالیات بر آلاینده‌ی در ماده ۲۷ قانون مالیات بر ارزش افزوده (عوارض سبز)، نظام ودیعه‌گذاری یا امتداد مسئولیت تولیدکننده در ماده ۶ قانون کمک به ساماندهی پسماندهای عادی و رقابت غیرمنصفانه‌ی نهادهای عمومی در فضای کسب‌وکار از جمله شهرداری‌ها با بخش خصوصی مورد اصلاح قرار گیرد.

۵. ضروری اساسنامه، ساختار و عملکرد صندوق‌های تأمین مالی حاکمیتی به طور عام و صندوق ملی محیط‌زیست به طور خاص مورد اصلاح اساسی قرار گیرند، زیرا:

- به منظور افزایش مشارکت، شفافیت، انعطاف‌پذیری، وفاق‌محوری و برابری در فرآیندهای تصمیم‌گیری در تخصیص منابع، حضور نمایندگان نهادهای مختلف جامعه (اتاق‌های سه‌گانه‌ی ایران، اصناف و تعاون به نمایندگی از بخش خصوصی و سمن‌های مردمی به نمایندگی از شهروندان) در ساختار هیئت‌مدیره‌ی تمامی صندوق‌ها ضروری است. از میان تمامی صندوق‌هایی که در این پژوهش مورد مطالعه قرار گرفتند، تنها صندوق توسعه ملی با حضور نمایندگان بخش خصوصی بدون حق رأی، به صورت محدودی ساختار تصمیم‌گیری نهادگرایانه و مشارکتی را رعایت کرده و هیچ‌یک از صندوق‌های دیگر نماینده‌ای از نهاد بازار یا بخش خصوصی در ترکیب مجمع یا هیئت عامل خود ندارند که این ایراد به صندوق ملی محیط‌زیست نیز وارد است.
- به منظور افزایش شفافیت، پاسخگویی، بهره‌وری و قانون‌محوری ارائه‌ی گزارش عملکرد سالیانه به صورت عمومی بر اساس پارامترهای پایداری، تغییر گفتمان و عقلانیت پروژه‌هایی که صندوق‌های حاکمیتی به آنها تخصیص منابع داده‌اند الزامی است. بسیاری از صندوق‌های مورد بررسی در این گزارش، اساساً فاقد گزارش عملکرد بوده و در صندوق‌هایی هم که گزارش‌های عملکرد مشاهده می‌گردد، گزارش‌ها صرفاً به ارائه‌ی آمار پرداخته و در آنها هیچ نشانی از سرنوشت پروژه‌ها و قراردادهای پس از اجرای پروژه مشاهده نمی‌گردد. در میان جامعه‌ی هدف این پژوهش، ۹۳ درصد از ایشان، به طور قاطع افزایش شفافیت و اعلام عمومی مشکلات و کاستی‌ها ولو به قیمت خدشه‌دار شدن اعتماد عمومی و افزایش دلسردی را بر کاهش شفافیت و عدم اعلام عمومی مشکلات و کاستی‌ها تا زمان حل آنها برای خدشه‌دار نشدن اعتماد عمومی و دلسردی جامعه ترجیح می‌دهند.
- در غیاب شاخص‌های حکمرانی خوب، توان مالی بالای صندوق‌ها در ایران، برعکس آنکه باعث عملکرد قوی‌تر آنها شود، دقیقاً باعث انحراف، کژکارکردی و بروز تعارض منافع ساختاری در صندوق‌ها شده‌است. شاخص‌ترین این شواهد،

در صندوق توسعه ملی مشاهده می‌شود که در مدت ۱۰ سال فعالیت، به جای آنکه توسعه یابد و منابع آن بیشتر شود، کوچک‌تر و فقیرتر شده‌است!

- عموماً سازوکار جذب منابع مالی در صندوق‌های حاکمیتی در ایران، از قاعده یا نظام مشخصی تبعیت نمی‌کند و قائم به نظر اشخاص در دولت‌های مختلف و حتی بر مبنای میزان نفوذ نهاد متولی آن صندوق در تصمیم‌گیری‌های نهاد حاکمیت است. به همین دلیل نیز رشد صندوق‌ها در ایران عموماً ارگانیک نبوده و ماهیت جهش‌وار دارد که تابع مقدار ورودی منابع مالی به آنها از بودجه‌ی دولتی و بر پایه‌ی ارتباطات و برش مدیران ارشد حاکمیتی است. این امر خودبه‌خود امکان مدیریت پایدار بر مبنای برنامه‌ریزی بلندمدت را در صندوق‌ها سلب می‌کند. تعدد صندوق‌ها نیز مزید بر علت شده و خود سبب کاهش منابع ورود به آنها می‌شود. بر همین اساس برای افزایش بهره‌وری در عملکرد این صندوق‌ها، ادغام آنها که موضوعی نسبتاً مشابه دارند، ضروری به نظر می‌رسد.
- در ساختار بسیاری از صندوق‌ها به طور عام و در صندوق ملی محیط‌زیست به طور خاص، تعارض منافع وجود دارد. آنچنان که حلقه‌ی بسته‌ی دستگاه اجرایی عامل برای صندوق تصمیم می‌گیرد که منابع در داخل دستگاه اجرایی هزینه شود! موقعیت دیگر تعارض منافع نیز، تعریف جرائم ناشی از تخریب محیط‌زیست به عنوان منبع درآمد برای صندوق است که خودبه‌خود زمینه‌ساز ایجاد موقعیت چسبیده «آلاینده‌ی بیشتر = درآمد بیشتر = توسعه‌ی سازمانی بیشتر» می‌گردد.
- صندوق ملی محیط‌زیست، صندوقی ناشناخته در میان فعالان کسب‌وکار است و فاصله‌ی سازمانی صندوق با بخش خصوصی بسیار دور است. هر چند که شاید این فاصله معلول عدم ارتباط میان سازمان حفاظت محیط‌زیست و اتاق ایران و به صورت ریشه‌ای‌تر، متأثر از کلیشه‌های رایج «صنعت = دشمن محیط‌زیست» یا «محیط‌زیست = محیط ایست» باشد^{۴۳}. در میان جامعه‌ی هدف این پژوهش، ۹۵ درصد از ایشان، تاکنون حتی نام صندوق را نشنیده‌اند، یا شناخت چندانی از ماهیت آن ندارند و یا با آن کار نکرده‌اند. همچنین از میان ۵ درصدی که با صندوق ملی محیط‌زیست کار کرده‌اند، هیچ‌یک از این همکاری رضایت نداشته‌اند.
- نرخ بهره‌ی تسهیلات اعطایی صندوق ملی محیط‌زیست (۱۳ الی ۱۷ درصد) اندکی بیش از حداکثر ریسک‌پذیری فعالان کسب‌وکار است (۱۰ تا ۱۵ درصد) است و با ایده‌آل‌هایشان (نرخ بهره‌ی زیر ۱۰ درصد) فاصله دارد. مدت زمان بازپرداخت تسهیلات ایجاد واحد یا اجرای پروژه‌های رفع آلاینده‌ی (۵ سال) نیز تقریباً معادل نظر فعالان بخش خصوصی است. در این بین اما زمان بر بودن فرآیندهای بروکراتیک اخذ تسهیلات رفع آلاینده‌ی، وقتی در کنار روند مداوم افزایش تورم و کاهش ارزش پول ملی قرار می‌گیرد، اساساً تمامی محاسبات واحدهای صنعتی را برهم‌زده و اصلاً اخذ تسهیلات رفع آلاینده‌ی را خالی از معنا می‌کند.

۵.۲. راهکارها در سطح حکمرانی سازمان‌ها و بنگاه‌های اقتصادی

در این بخش بر اساس یافته‌های حاصل از بررسی دیدگاه‌های جامعه‌ی هدف در پاسخگویی به پرسشنامه‌ها، رهنمودهایی در سطح بنگاه‌های اقتصادی ارائه می‌گردد که بتوان بر اساس آنها کارآمدی و اثربخشی فرآیند اعطای تسهیلات رفع آلاینده‌ی را به حداکثر رساند. بر همین اساس به منظور افزایش کارآمدی و اثربخشی فرآیند اعطای تسهیلات در سطح بنگاه‌های اقتصادی، بهتر است با عضویت فراگیر فعالان بخش خصوصی و افزایش قدرت و بهره‌گیری از ظرفیت تشکل‌های اقتصادی، مطالبه‌گری و مشارکت بخش خصوصی در ارتقاء کیفیت حکمرانی کلان اقتصادی و محیط‌زیستی کشور افزایش یابد.

^{۴۳} نگرش همگرا نمودن اقتصاد با محیط‌زیست برای توسعه‌ی پایدار، در سطوح ارشد مدیریت سازمان حفاظت محیط‌زیست، نگرشی متداول نبوده و شاید دیدار آقای دکتر سلاجقه، رئیس این سازمان با نمایندگان بخش خصوصی در تاریخ ۳ آبان‌ماه ۱۴۰۱ و توافق بر ایجاد کمیته‌ی همکاری‌های مشترک میان سازمان و اتاق ایران، اولین نمونه از جنس نگرش توسعه‌ی پایدار و همگرا نمودن اقتصاد و محیط‌زیست در سطح مدیریت ارشد سازمان حفاظت محیط‌زیست در تاریخ این سازمان باشد.

فصل ۶: پیاده‌سازی راهکارها در قالب توصیه‌های سیاستی و بسته‌های اجرایی

در این بخش راهکارها و رهیافت‌های حاصل از پژوهش، در سطح حکمرانی کلان اقتصادی-محیط‌زیستی با مشخص کردن نهادهای اصلی و همکار در اجرای آنها در قالب جدول سه‌ستونی و در سطح حکمرانی شرکتی در قالب دستورالعمل بیان می‌شود.

۶.۱. پیاده‌سازی راهکارهای کلان در قالب توصیه‌های سیاستی

راهکارها	نهاد اصلی	نهادهای همکار
<p>پیگیری اجرای بلامنازع سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی و توسعه نهادهای تنظیم‌گر مستقل در جهت کاهش تصدی‌گری و دخالت حاکمیت در اقتصاد</p> <p>انجام اصلاحات ساختاری و عمیق اقتصاد کشور به منظور افزایش درجه‌ی آزادی آن و خروج اقتصاد از شرایط تحت سرکوب بر پایه‌ی مقررات‌زدایی و احترام به حقوق مالکیت و حقوق رقابت:</p> <ul style="list-style-type: none"> • مهار تورم، کوچک‌سازی نهاد حاکمیت، بودجه‌بندی فاقد کسری و انضباط مالی • بازتخصیص اولویت‌های مخارج عمومی، قطع بودجه‌ی نهادهای غیرمولد و هدایت یارانه‌ها به سوی خدمات بنیادی و توانمندسازی قشرهای محروم 	شورای رقابت	اتاق ایران و تشکل‌های عضو
<ul style="list-style-type: none"> • توسعه نظام مالیاتی و رصد شفاف و دقیق جریان‌های مالی در جهت مبارزه با پولشویی، دلالی و سفته‌بازی • اصلاح سیستم ربوی و متورم بانکی، به رسمیت شناختن استقلال بانک مرکزی، کاهش نرخ‌های بهره و رقابت بانکی با بانک‌های بین‌المللی • افزایش انعطاف‌پذیری در سیاست‌های برون‌مرزی، تنش‌زدایی، رفع کامل تحریم‌ها و موانع جذب سرمایه‌های خارجی به منظور توسعه فراگیر و افزایش سهم اقتصاد کوچک و متوسط از اشتغال و تولید ناخالص داخلی • آزادسازی، رقابتی نمودن و مانع‌زدایی از تجارت خارجی همزمان با برقراری کامل روابط پولی-مالی و بانکی بین‌المللی <p>تقویت شاخص‌های هشت‌گانه‌ی حکمرانی خوب به منظور توسعه‌ی پایدار کشور در سایه‌ی عدالت اجتماعی با مشارکت کلیه نقش‌آفرینان:</p> <ul style="list-style-type: none"> • اجرای بلامنازع قانون بهبود مستمر فضای کسب و کار، یکپارچه‌سازی و شبکه‌سازی میان تشکل‌های مردم‌نهاد و تقویت نهادهای غیردولتی • تصویب و اجرای بلامنازع لایحه شفافیت و توسعه نهادهای موثر، پاسخگو و شفاف و اجرای بلامنازع قانون دسترسی آزاد به اطلاعات، به اشتراک‌گذاری و انتشار داده‌ها، اطلاعات و گزارش‌های نهادهای نظارتی • تصویب و اجرای بلامنازع لایحه مدیریت تعارض منافع و سایر سازوکارهای حمایت از سوت‌زنان و گزارشگران فساد و ترویج و توسعه فعالیت دیده‌بان‌های گزارشگری فساد و کاهش قابل ملاحظه فساد و رشوه‌خواری در تمام اشکال آن • نهادینه کردن سازوکارهای علمی یکپارچه و فراگیر به منظور استقرار نظام پایش و نظارت و استفاده از ظرفیت‌های نهادهای غیردولتی جهت ارتقای شفافیت و کارایی پایش راهبردها در سایه‌ی آزادی بیان و استقلال، شفافیت و بی‌طرفی دستگاه‌های نظارتی • حذف فیلترهای نخبه‌کش و مناسبات رانتی در استخدام پرسنل نهادهای حاکمیتی، افزایش تخصص و کیفیت نیروی انسانی و رشد بهره‌وری تمامی نهادهای حاکمیتی <p>اصلاح اساسنامه، ساختار و فرآیندهای عملکردی صندوق‌های تأمین مالی حاکمیتی به طور عام و صندوق ملی محیط‌زیست به طور خاص:</p> <ul style="list-style-type: none"> • ادغام صندوق‌های مشابه و تعریف چارچوب و سازوکار مشخص و پایدار جذب و تولید منابع مالی در سایه‌ی استقلال سازمانی و برنامه‌ریزی بلندمدت و مدیریت تعارض منافع از ساختار و نحوه‌ی جذب منابع مالی صندوق‌ها • افزودن نمایندگان نهادهای مختلف جامعه (اتاق‌های سه‌گانه‌ی ایران، اصناف و تعاون به نمایندگی از بخش خصوصی و سمن‌های مردمی به نمایندگی از شهروندان) در ساختار هیئت‌مدیره‌ی تمامی صندوق‌های تأمین مالی حاکمیتی • الزام بر انتشار عمومی و شفاف گزارش عملکرد سالیانه‌ی صندوق‌ها در قالبی همسان و با تکیه بر پارامترهای پایداری، تغییر گفتمان و عقلانیت در پروژه‌هایی که به آنها منابع تخصیص داده‌شده • کاهش نرخ بهره‌ی تسهیلات اعطایی از صندوق‌ها و افزایش چابکی در فرآیندهای بروکراتیک اعطای تسهیلات <p>جدول ۴ - پیاده‌سازی راهکارهای کلان در قالب توصیه‌های سیاستی و نهادهای اصلی و همکاری در اجرا برنامه‌ها</p>	قوای سه‌گانه	اتاق ایران و تشکل‌های عضو
		مطبوعات، احزاب و تشکل‌های مردم‌نهاد
		اتاق ایران و تشکل‌های عضو

۶,۲. پیاده‌سازی راهکارهای خرد در قالب دستورالعمل کاهش تولید پسماندهای صنعتی

متن دستورالعمل پیشنهادی در ادغام آن با دستورالعمل‌های مرتبط با اجرای مواد ۷ و ۱۵ ضوابط و روش‌های مدیریت اجرایی پسماندهای صنعتی و معدنی مصوب شورای عالی حفاظت محیط‌زیست با موضوعات ارتقاء سطح فناوری و کاهش تولی پسماندهای صنعتی در پیوست ۴ ارائه گردیده‌است.

فصل ۷: افق پژوهشی

بر اساس راهکارها و رهیافت‌ها ارائه شده در این پژوهش، موضوع زیر برای پژوهش‌های آتی پیشنهاد می‌گردد:

- مدیریت تعارض منافع ساختاری در نهادهای عمومی در ایران با تمرکز بر:
 - افزایش کارکردهای ابزارهای مبتنی بر بازار در حکمرانی محیط‌زیست
 - اصلاح ماده ۲۷ قانون مالیات بر ارزش افزوده
 - بازتعریف جایگاه شهرداری‌ها در نسبت با شهروندان و بازار

مراجع

- [1] «ارزیابی ساختار و عملکرد صندوق ملی محیط‌زیست»، معاونت مطالعات زیربنایی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، تهران، ۱۴۰۰.
- [2] "What is Good Governance?," United Nations Economic and Social Commission for Asia and the Pacific (UNESCAP), Bangkok, Thailand, 2009.
- [3] Governance and Development, Washington, D.C., USA: The World Bank, 1992.
- [4] J. Elster, The Cement of Society, A Survey of Social Order, Cambridge, UK: Cambridge University Press, 1989.
- [5] "EEA Glossary, Command-and-Control," European Environmental Agency, [Online]. Available: <https://www.eea.europa.eu/help/glossary/eea-glossary/command-and-control>.
- [6] R. Baldwin, M. Cave and M. Lodge, Understanding Regulation: Theory, Strategy, and Practice, Oxford, UK: Oxford University Press, 2011.
- [7] "EEA Glossary, Market-Based Instrument," European Environmental Agency, [Online]. Available: <https://www.eea.europa.eu/help/glossary/eea-glossary/market-based-instrument>.
- [8] "Index of Economic Freedom: Iran," The Heritage Foundation, Washington, D.C., USA, 2023.
- [9] «قوه مجریه چه مقدار از اقتصاد ایران را در اختیار دارد؟»، خبرگزاری فارس، ۲۶ اردیبهشت ۱۴۰۰. [آنلاین] قابل دسترس از طریق لینک: <https://www.farsnews.ir/news/14000226000629>.
- [10] «سهم دولت از اقتصاد ۸۰ درصد است، از پاسخگویی فرار نکنید»، روزنامه کیهان، ۳۱ شهریور ۱۳۹۸. [آنلاین] قابل دسترس از طریق لینک: <https://kayhan.ir/fa/news/170603>.
- [11] ا. صدرنژاد، «تحریف یک لایحه پس از تصویب کلیات آن در مجلس»، روزنامه شرق، ۴ مرداد ۱۳۹۸. [آنلاین] قابل دسترس از طریق لینک: <https://www.sharghdaily.com/fa/tiny/news-235617>.
- [12] ا. میدری و ج. خیرخواهان، «حکمرانی خوب، بنیان توسعه»، تهران، ایران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۳.
- [13] م. کریمیان، «زباله‌گردی: زمینه‌های شکل‌گیری و تقاطع سیاست‌ها»، تهران، ایران: انتشارات همشهری، ۱۴۰۰.
- [14] «الویری: مردم باید پرداخت هزینه‌های زندگی در تهران را بپذیرند»، پایگاه خبری تحلیلی انتخاب، ۱۹ بهمن ۱۳۹۷. [آنلاین] قابل دسترس از طریق لینک: <https://www.entekhab.ir/001v1t>.
- [15] «سیاوشی: شهرداری تهران مافیای زباله را می‌شناسد»، خبرگزاری خانه ملت، ۱۲ خرداد ۱۳۹۸. [آنلاین] قابل دسترس از طریق لینک: <https://www.icana.ir/Fa/News/427018>.
- [16] «قوانین و مقررات»، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۴۰۲. [آنلاین] قابل دسترس از طریق لینک: <https://rc.majlis.ir/fa/law/search>.
- [17] م. ا. و ب. صحا، «گزارش عملکرد صحا و برآوردی از اثربخشی، تسهیلات اعطایی و حمایت‌های انجام‌شده سال ۱۳۹۹»، شرکت مادر تخصصی صندوق حمایت از تحقیقات و توسعه صنایع پیشرفته، تهران، ایران، ۱۳۹۹.
- [18] «گزارش عملکرد صندوق ملی محیط‌زیست ۱۳۹۶-۱۴۰۰»، صندوق ملی محیط‌زیست، تهران، ۱۴۰۰.

- [19] «خلاصه عملکرد صندوق ملی محیط‌زیست در سال ۱۴۰۱»، صندوق ملی محیط‌زیست، تهران، ۱۴۰۲.
- [20] «نادران: انحلال هیئت امنای حساب ذخیره ارزی غیرقانونی است»، خبرگزاری فارس، ۲۳ اردیبهشت ۱۳۸۷. [آنلاین] قابل دسترس از طریق لینک: <https://www.farsnews.ir/news/8702221424/>.
- [21] «حساب ذخیره ارزی چگونه صفر شد؟»، سایت خبری تحلیلی تابناک، ۲۵ اسفند ۱۳۹۰. [آنلاین] قابل دسترس از طریق لینک: <https://www.tabnak.ir/000yfh>.
- [22] «توکلی: حساب ذخیره ارزی جارو شد. از ۱۷۶ میلیارد دلار ۱۶۱ میلیارد دلار را بخش دولتی استفاده کرده است.»، دیپلماسی ایرانی، ۲۵ شهریور ۱۳۹۲. [آنلاین] قابل دسترس از طریق لینک: <http://www.irdiplomacy.ir/fa/news/1921457/>.
- [23] «حقوق ۵۷ میلیونی رئیس صندوق، اخذ وام ۳۰۰ میلیونی با سود ۴ درصد، کمک‌هزینه اوقات فراغت فرزندان»، خبرگزاری تسنیم، ۲۷ خرداد ۱۳۹۵. [آنلاین] قابل دسترس از طریق لینک: <https://www.tasnimnews.com/fa/news/1395/03/27/1106384/>.
- [24] «منابع صندوق توسعه ملی ته کشید؟»، اکو ایران | تصویر اقتصاد ایران، ۲۲ اردیبهشت ۱۴۰۲. [آنلاین] قابل دسترس از طریق لینک: <https://ecoiran.com/بخش-اخبار-اقتصاد-کلان-۳۵۲۸۰/۷۹-منابع-صندوق-توسعه-ته-کشید>.
- [25] "Projects & Programs: Investment Framework," Green Climate Fund, 2023. [Online]. Available: <https://www.greenclimate.fund/projects/investment-framework>.
- [26] "What do 'Paradigm Shift' and 'Climate Rationale' Mean for the Green Climate Fund (GCF) Project Concept Notes," GGGI, 26 May 2020. [Online]. Available: <https://gggi.org/what-do-paradigm-shift-and-climate-rationale-mean-for-the-green-climate-fund-gcf-project-concept-notes/>.
- [27] «تشکیل کمیته‌ای مشترک میان سازمان و اتاق، در دیدار رئیس سازمان حفاظت محیط‌زیست و نمایندگان اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران»، اتحادیه صنایع بازیافت ایران، ۳ آبان ۱۴۰۱. [آنلاین] قابل دسترس از طریق لینک: <https://irfederation.ir/doe-iccima-14010803/>.
- [28] «سیمای جمعیتی ایران، گزارش پیش‌بینی جمعیت و خانوار به تفکیک مناطق شهری و روستایی، استان و شهرستان»، مرکز آمار ایران، تهران، ۱۴۰۰.
- [29] «نوآوری شرکت‌های کوچک و متوسط، قلب تپنده اقتصاد اروپا»، Euronews - Parsi, 9 December 2019. [آنلاین] قابل دسترس از طریق لینک: <https://parsi.euronews.com/business/2015/09/28/smes-in-europe-innovating-and-investing-for-growth>.
- [30] Hannah Ritchie, "Population Growth," Our World in Data, 2022. [Online]. Available: <https://ourworldindata.org/population-growth>.
- [31] "Global Footprint Network," York University, 2023. [Online]. Available: <https://data.footprintnetwork.org/>.
- [32] «رئیس سازمان اداری و استخدامی: ۸۰ درصد درآمد کشور تبدیل به حقوق و دستمزد می‌شود»، پایگاه خبری تحلیلی انتخاب، ۱ خرداد ۱۴۰۱. [آنلاین] قابل دسترس از طریق لینک: <https://www.entekhab.ir/002qF0>.
- [33] ش. زهرا، «خرج ۷۰ درصد پول دولت برای حقوق کارکنان»، خبرگزاری دانشجویان ایران ایسنا، ۲۱ آذر ۱۴۰۰. [آنلاین] قابل دسترس از طریق لینک: isna.ir/xdKDZs.

«پایگاه اطلاعات قوانین و مقررات کسب و کار»، معاونت حقوقی ریاست جمهوری-معاونت تنقیح و انتشار قوانین و مقررات. [آنلاین] قابل دسترس [34]
از طریق لینک: <http://qavanin.ir/?zone=160>.

[35] P. Hudson, "Safety Culture: Theory & Practice," in *RTO HFM Workshop on "The Human Factor in System Reliability: Is Human Performance Predictable?"*, Siena, Italy, 2001.